





۵

حضور فرزین در بانک مرکزی منشاء تحول شد

حیدر مستخدمین حسینی
معاون اسبق بانک مرکزی

۱۹



رسانه‌ها مسیر تصمیمات اقتصادی مردم را تعیین می‌کنند

پروفسور "مکسول مک کومبز"
استاد دانشگاه تگزاس آمریکا

۷



شفافیت نظام بانکی در دوره اخیر افزایش یافت

عبدالمجید پورسعید، مدیرعامل بانک ایران زمین

۱۰



رد پای رسانه‌ها در تحولات اقتصادی

تازه‌های اقتصاد کتاب "جهانی که
رسانه‌ها می‌سازند" را مرور کرد

۱۳



پیمان پولی با روسیه اثر تحریم‌ها را کاهش می‌دهد

در میزگردی با حضور نواب روسای
اتاق‌های مشترک ایران و روسیه
و ایران و ازبکستان مطرح شد

۲۹

دخالت در امور بانک مرکزی اثر بخشی سیاست‌ها را نابود می‌کند

۴۰

پیشنهاد رهاسازی بازار ارز عملی نیست

۴۴

چرا هدف‌گذاری تورمی مهم است؟

۷۴

تشکیل مستقل‌ترین بانک مرکزی شرق آسیا در کره جنوبی



رفع ناترازی بانک‌ها بدون هماهنگی همه دستگاه‌ها امکان‌پذیر نیست

۲۳

محمد مهدی رئیس‌زاده
مشاور بانکی
اتاق بازرگانی ایران



بانک مرکزی چوب جادو ندارد که مسائل را یکباره حل کند

۲۶

سعید عسگرزاده
عضو اتاق بازرگانی ایران



• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• رئیس شورای سیاستگذاری:

مهدی مهرپور

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• ناظر محتوایی و مشاور سردبیر:

فاطمه محمدی

• همکاران این شماره:

جواد حیران نیا، حسین کمال زارع

سید مهدی میرحسینی، امیرحسین موسوی، حمید کمار

پوریا صادقی، رضا فراهانی و هانیه اسماعیلی

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• گرافیک و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه آرایی:

مهدی بخشی

• عکاس:

مجید سلطانی

• نشانی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)

نیش خیابان شهید رفیعی (۲۰)، ساختمان مرکز مبادله

ارز و طلای ایران - طبقه ۱۱، موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• کد پستی:

۱۵۱۱۹۱۸۹۲۰

• لیتوگرافی و صحافی:

نگار نقش

• چاپ و توزیع:

احمد شیرازیان



@tazehayeeghtesad

سرمقاله

۴	ثبات ارزی، ثمره سیاست های بانک مرکزی
۵	حضور فرزین در بانک مرکزی منشاء تحول شد
۷	شفافیت نظام بانکی در دوره اخیر افزایش یافت
۱۰	رد پای رسانه ها در تحولات اقتصادی
۱۳	پیمان پولی با روسیه اثر تحریم ها را کاهش می دهد
۱۹	رسانه ها مسیر تصمیمات اقتصادی مردم را تعیین می کنند
۲۳	رفع ناترازی بانک ها بدون هماهنگی همه دستگاه ها امکان پذیر نیست
۲۶	بانک مرکزی چوب جادو ندارد که مسائل را یکباره حل کند
۲۹	دخالت در امور بانک مرکزی اثربخشی سیاست ها را نابود می کند
۳۲	بانک مرکزی به خوبی بحران ها را مدیریت کرد
۳۳	بانک مرکزی برای تحقق اهداف خود نیاز به استقلال دارد
۳۴	زمان بازسازی و جبهه بانک مرکزی است
۳۵	نرخ تلگرامی دلار ملاک عمل نیست
۳۶	مسیرهای سلطه مالی بر بانک مرکزی باید مسدود شود
۴۰	پیشنهاد رهاسازی بازار ارز عملی نیست
۴۲	تحقق الزامات دیپلماسی بانکی در دولت چهاردهم
۴۴	چرا هدف گذاری تورمی مهم است؟
۴۷	چگونه سلطه مالی مسیر رفع ناترازی بانک ها را می بندد؟
۵۰	مسیر کنترل تورم از حل چالش ناترازی بانک ها می گذرد
۵۲	جبهش پرداخت های بدون وجه نقد در جهان
۵۸	تورم پیش نگر در کف ۶۷ ماهه
۶۰	وقوع انقلاب دیجیتالی در نظام بانکی هند
۶۶	نجات اقتصاد نروژ با ابتکار ویژه "اویستاین اولسن"
۷۲	"بانک دو برزیل" چگونه در آمریکای لاتین سیاست گذاری می کند؟
۷۴	تشکیل مستقل ترین بانک مرکزی شرق آسیا در کره جنوبی
۷۷	اجرای موفق سیاست هدف گذاری تورمی در اندونزی
۸۰	انتظارات در اقتصاد ایران

ثبات ارزی، ثمره سیاست‌های بانک مرکزی

مبادله ارز و طلا، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در نرخ تورم این گروه کالاها، همزمان با نوسانات ارزی در بازار غیررسمی رخ نداد و حتی روند نزولی نرخ تورم نیز در شاخص اصلی و زیرگروه‌های کالایی مختلف، طی ماه‌های اخیر تجربه شد.

اقدامات بانک مرکزی برای مهار نوسانات ارزی در مقطع کنونی را می‌توان نشانه‌های بلوغ سیاست‌های پولی و ارزی دانست. تغییرات نرخ بهره به منظور کنترل انتظارات فعالان اقتصادی و اعمال سیاست‌های احتیاطی در بازار پول و ارز، بخشی از ابعاد اقدامات بانک مرکزی طی یکسال گذشته بوده است که ثمره آن را در ثبات ارزی می‌توان مشاهده کرد.

با توجه به اهمیت و تأثیر تغییرات نرخ ارز بر اقتصاد ایران، به عنوان لنگر انتظارات تورمی جامعه، بانک مرکزی با دقت و حساسیت قابل توجهی مدیریت بازار ارز را پیگیری و دنبال می‌کند و اقدامات به هنگامی را برای تحقق ثبات ارزی اجرا می‌کند. همچنین همکاری و هماهنگی سایر اصلاع سیاست‌گذاری اقتصادی با بانک مرکزی برای تداوم ثبات ارزی ضروری است و شرط لازم مهار نوسانات ارزی، همسویی این ارکان است. گام‌های موثر بانک مرکزی برای ایجاد ثبات ارزی، اطمینان لازم را برای تحقق ثبات اقتصادی در بازار، میان کارگزاران اقتصادی ایجاد می‌کند که نتیجه آن تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران و مردم است.

ارز غیررسمی در هفته گذشته کاهش قیمت قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرد که می‌توان آن را نشانه تسلط بازارساز ارزی در حوزه تنظیم‌گری دانست. تنش‌های برون‌زای سیاسی در مدت اخیر بازار ارز را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود، اما با ایفای نقش فعال بانک مرکزی، بازار ارز ثبات نسبی را تجربه کرده است. موثر واقع شدن اقدامات سیاست‌گذار ارزی، ثمره اقدامات بنیادینی است که بانک مرکزی طی یکسال گذشته در بازار پول و ارز انجام داده است. راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا، تعمیق بازار رسمی ارز و تامین و تخصیص ارز مورد نیاز کالا و خدمات فعالیت‌های مختلف اقتصادی، از جمله مواردی است که منجر به تحقق این امر شده است. در کنار این موارد، افت شدید انتظارات تورمی به واسطه اجرای سیاست تثبیت اقتصادی را می‌توان محور اصلی ثبات ارزی در یک کریدور مشخص دانست. سیاست تثبیت اقتصادی موجب تعدیل انتظارات تورمی کارگزاران اقتصادی شد و همین امر باعث شد تا در هنگام شوک‌های بیرونی، اثرپذیری بازار کالا و خدمات در برابر التهابات بازار ارز به شدت محدود و تقریباً بی‌اثر شود.

بررسی روند شاخص قیمت گروه‌های مختلف کالایی نیز موید همین امر است که به واسطه تامین ارز مورد نیاز مواد اولیه، واسطه‌ای و نهایی با نرخ‌های مشخص مرکز

حضور فرزین در بانک مرکزی منشاء تحول شد

- رویکرد جدید بانک مرکزی این امید را ایجاد کرده که نظارت بر ترانزنامه بانک ها به صورت مستمر انجام شود و بانک مرکزی احاطه بیشتری بر بانک ها داشته باشد
- بانک مرکزی با بهره گیری از توان تخصصی نظام بانکی تلاش کرده تا اجازه دست اندازی قانون گذار و حتی دولت را به منابع بانک ها ندهد
- در دوره اخیر که آقای فرزین سکان بانک مرکزی را در دست گرفت منشاء تحولی بوده و توانسته وضعیت باثباتی را شکل دهد

حیدر مستخدمین حسینی

معاون اسبق بانک مرکزی



از سوی دیگر، بانک مرکزی با بهره گیری از توان تخصصی نظام بانکی تلاش کرده تا اجازه دست اندازی قانون گذار و حتی دولت را به منابع بانک ها ندهد و باعث ناترازی نشود. چرا که عامل اصلی در ناترازی بانک ها قوانینی است که به ضرر بانک ها و در واقع به ضرر مردم تصویب می شود و تحت عنوان تسهیلات تکلیفی بر عهده بانک ها قرار می گیرد.

پیشنهاد می کنم مقامات بانک مرکزی دوره های آموزشی چند ساعته برای نمایندگان مجلس در

یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی، نظارت بر بانک ها در راستای رفع ناترازی ها است. بانک مرکزی در گذشته به صورت مقطعی ترانزنامه بانک ها را نظارت می کرد، اما با رویکرد جدیدی که در بانک شکل گرفته و سیاستی که اتخاذ شده این امید را ایجاد کرده که نظارت بر ترانزنامه بانک ها به صورت مستمر و در دوره های کوتاه هفتگی انجام شود و بانک مرکزی احاطه بیشتری بر بانک ها داشته باشد.

ضرورت دارد
تشریح کنیم
آثار سوئی
که تاکنون بر
اقتصاد اعمال
شده ناشی از
این بوده که
جایگاه نظارت
بانک مرکزی در
حوزه نقدینگی
و پایه پولی را
فراموش کردیم

کمیسیون‌های مختلف، به خصوص کمیسیون اقتصادی و کمیسیون برنامه و بودجه بگذارند و اهداف و سیاست‌های پولی را تشریح کنند که اگر سیاست پولی استقلال خودش را از دست بدهد موجب ناترازی در بانک‌ها می‌شود و ناترازی در بانک‌ها موجب ناترازی در کل اقتصاد می‌شود. ناترازی در بانک‌ها می‌تواند به شرکت‌های تسهیلات‌گیرنده انتقال پیدا کند و شرکت‌های تسهیلات‌گیرنده ناترازی خودشان را به مصرف‌کننده‌های تولیدات خود انتقال خواهند داد. بنابراین می‌بینیم از یک نقطه ساده تا کجا آثار سوئی را از خود به جا می‌گذارد. بنابراین ضرورت دارد تشریح کنیم آثار سوئی که تاکنون بر اقتصاد اعمال شده ناشی از این بوده که جایگاه نظارت بانک مرکزی در حوزه نقدینگی و پایه پولی را فراموش کردیم و این‌ها را به بیراهه کشانده‌ایم که این مسائل شکل گرفته است.

برای جلوگیری از بروز ناترازی، نکته کلیدی این است که تسهیلات تکلیفی بر عهده بانک‌ها گذاشته نشود. نقطه آغازین در ناترازی بانک‌ها تسهیلات تکلیفی است که بهانه مقدماتی را به بانک‌ها می‌دهد که ناترازی را گسترش دهند. وقتی مجلس و دولت این زمینه را برای بانک‌ها به وجود می‌آورند، آنها هم مشتاق می‌شوند که به سهم خودشان و با اختیاراتی که دارند به این ناترازی دامن بزنند. مثلاً از اضافه برداشت استفاده کنند و آن را جدی نگیرند و به عنوان یک نقطه قرمز اصلی در حوزه فعالیت خود ندارند.

اما اگر بانکی در شرایط ناتراز قرار گرفت باید به آن کمک کرد و بانک مرکزی تسهیلات تکلیفی به بانک ندهد و اگر اضافه برداشت دارد، مهلت معقولی به بانک بدهد تا خودش را متعادل کند. این کار یک شبه نمی‌شود و قطعاً بانک مرکزی هم یک شبه این کار را برای آنها انجام نمی‌دهد. باید از قبل بدانند و اطلاع بدهد و به آنها ابلاغ کند و مدتی به آنها مهلت بدهند تا خودشان را تصحیح کنند.

بانک مرکزی در سال گذشته سه موسسه را منحل

کرد، اما سهم منابع این موسسات نسبت به کل سپرده‌های بانک‌ها رقم کوچکی است. بانک مرکزی باید جدی‌تر وارد این مقوله شود، چرا که بانک‌ها خلق پول می‌کنند و این اقدام باید تحت کنترل بانک مرکزی قرار بگیرد، در غیر اینصورت می‌تواند به ناترازی کلان کشور منجر شود.

نظام بانکی مانند خون در بدن است، اگر خون خوب گردش نکند انواع و اقسام بیماری‌ها را به دنبال خود می‌آورد. بانک در اقتصاد هم همین نقش را دارد و اگر بانک سلامت کار نکند، موجب ناترازی در کلان اقتصاد کشور خواهد شد. بنابراین بانک مرکزی باید از افراد متخصص و گاردان بهره بگیرد تا بتواند شرایط اقتصادی بسیار وخیمی که در آن قرار داریم را مدیریت کند. قانون خوبی تصویب شده که اختیار بانک مرکزی را افزایش داده و به استقلال نزدیک شده و قدم مثبتی بوده، اما در کنار آن نیاز است افراد خبره برای اجرا و پیاده کردن این قانون به کار گرفته شوند تا حذف ناترازی بانک‌ها محقق شود.

در دوره اخیر که آقای فرزین سکان بانک مرکزی را به دست گرفت، منشاء تحولی بوده و توانسته در این مدت در شرایطی که هر روز التهاب سیاسی و شوک‌های درونی و بیرونی داشتیم، وضعیت باثباتی را شکل دهد.

در حوزه ارزی با ترندهایی که به کار رفته، نرخ ارز با توجه به التهابات سیاسی کشور که با آن مواجه بوده، در شرایط نسبتاً ثباتی قرار گرفت. در حوزه نقدینگی و رشد پایه پولی هم برای سال ۱۴۰۳ می‌بینیم تحرک خوبی صورت گرفته که توانسته افزایش معناداری را به این حوزه‌ها وارد نکند. اینها نکات مثبتی است که بانک مرکزی توانسته اعمال کند. یک نکته کلیدی هم این است که همکاری بانک‌ها با مدیریت بانک مرکزی انجام می‌شود و مدیریت بانک را پذیرفته‌اند و تبعیت می‌کنند. بنابراین با این همکاری جمعی می‌توان به اهداف بالاتری هم دسترسی پیدا کرد، در شرایطی که قانون جدید بانک مرکزی هم در مرحله اجرایی قرار گرفته است.

بـرش



بانک‌های ناسالم، باعث ناترازی اقتصاد می‌شوند

نظام بانکی مانند خون در بدن است، اگر خون خوب گردش نکند انواع و اقسام بیماری‌ها را به دنبال خود می‌آورد. بانک در اقتصاد هم همین نقش را دارد و اگر بانک سلامت کار نکند، موجب ناترازی در کلان اقتصاد کشور خواهد شد. بنابراین بانک مرکزی باید از افراد متخصص و گاردان بهره بگیرد تا بتواند شرایط اقتصادی بسیار وخیمی که در آن قرار داریم را مدیریت کند.

عبدالمجید پورسعید، مدیرعامل بانک ایران زمین در گفت و گو با تازه های اقتصاد:

شفافیت نظام بانکی در دوره اخیر افزایش یافت

- یکی از اقدامات مهم بانک مرکزی در دولت سیزدهم، کنترل رشد نقدینگی بوده است
- کاهش رشد نقدینگی به طور مستقیم بر تورم اثرگذار است و باعث افزایش ارزش پول ملی خواهد شد
- تلاش در جهت شفافیت بانکی و اقتصادی مهم ترین دستاورد بانک مرکزی بوده است



در سال جاری با
افزایش فروش
نفت
درآمدهای
دولت هم
افزایش پیدا
کرده و در این
شرایط است که
انتظارات تورمی
نیز کاهش پیدا
می کند

بی انضباطی بانکها در اضافه برداشت
از بانک مرکزی، یکی از مهم ترین
عوامل ناترازی شبکه بانکی است و
براین اساس، اجرای برنامه کنترل
رشد ترازنامه بانکها و مؤسسات مالی
اعتباری از برنامه های اولویت دار بانک
مرکزی در دوره اخیر بوده است. بانک
مرکزی با رصد هفتگی اضافه برداشت
بانکهای تحت نظارت، اخذ وثیقه در
قبال اضافه برداشت، ساماندهی و
اصلاح یا ادغام مؤسسات و بانکهای
ناسالم، پایش و نظارت بر عملکرد
بانکها و اجرای سیاستهای احتیاطی
کنترل تورم و نقدینگی توانست رشد
نقدینگی را از بالای ۴۰ درصد به حدود
۲۳ درصد برساند و نرخ تورم نیز به تبع
آن کاهش چشمگیری یافت. در اینبار با
عبدالمجید پورسعید، مدیرعامل بانک
ایران زمین به گفت و گو پرداختیم که در
ادامه می خوانید:

نرخ رشد نقدینگی از سطوح بالای ۴۰ درصد در سالهای اخیر به کانال ۲۳ درصد در اردیبهشت امسال رسید. تحلیل شما از روند کاهش رشد نقدینگی چیست؟

همانطور که می دانید یکی از مولفه های
مهم اقتصادی هر کشور، رشد میزان
نقدینگی آن است. این مسئله در صورتی
که درست مدیریت نشود، باعث رکود تورمی
عمیق با بازه بزرگ زمانی، کاهش ارزش ذاتی
پول ملی در برابر دیگر ارزها در میان مدت
و بلندمدت، افزایش نرخ کالا و خدمات،
کوچک تر شدن سفره خانوار و شکاف
طبقاتی بین دهک های جامعه خواهد شد.
از اینرو یکی از اقدامات مهم بانک مرکزی در
دولت سیزدهم، کنترل و کاهش این مولفه
اقتصادی بوده است.

کاهش نرخ رشد نقدینگی، نشان دهنده
این مسئله است که بانک مرکزی با اجرای
سیاست های پولی و گذر از اثرات تحریم
در کشور، شرایط را برای ثبات اقتصادی
و همچنین رشد تولید فراهم آورده که
امید است با ادامه این روند در دولت
چهاردهم، شاهد اثرات مثبت آن در
کشور باشیم. به صورت کلی، کاهش رشد
نقدینگی به طور مستقیم بر روی تورم

اثرگذار است. این مسئله باعث افزایش
ارزش پول ملی، کاهش تورم و رشد تولید
خواهد شد.

بانک مرکزی پیش بینی کرده که نرخ تورم در پی کاهش نرخ رشد نقدینگی در مسیر کنترل قرار خواهد گرفت. تحلیل شما در این باره چیست؟

نقدینگی و سرعت گردش پول، دو مولفه ای
است که به طور همزمان بر تورم اثر دارند و
با کاهش نرخ رشد نقدینگی و سیالیت پول
توسط بانک مرکزی، به نوعی شاهد کنترل
تورم خواهیم بود. همچنین در سال جاری،
با افزایش فروش نفت، درآمدهای دولت هم
افزایش پیدا کرده و در این شرایط است که
انتظارات تورمی نیز کاهش پیدا می کند.

یکی از مهم ترین چالش های در بخش بانکی، رفع ناترازی بانکها و لزوم جلوگیری از بروز ناترازی است. تا چه میزان کنترل های ترازنامه ای را در بهبود عملکرد بانکها موثر می دانید؟

در کشور ما معمولاً تامین مالی برعهده
بانکهاست که این خود نشان از اهمیت
نقش بانکها در اقتصاد و تولید کشور
دارد. اما در سالهای گذشته، به جهت
فشار تحریم ها و اثر مستقیم آن بر بانکها،
همچنین تعیین تکلیف برخی مؤسسات
ناتراز و واگذاری آنها به سایر بانکها، شاهد
ناترازی هایی در این بخش مهم اقتصاد
بودیم. بانک مرکزی به عنوان سیاست گذار
پولی کشور و همچنین ناظر بر عملکرد
بانکها همواره سعی داشته است با حفظ
ثبات، سیاست هایی را اتخاذ کند که ضمن
کاهش اثرات تورمی، ناترازی بانکها را
کاهش دهد و آنها را به استانداردهای جهانی
نزدیک کند. در این زمینه، یکی از اقدامات
مهم کنترل ترازنامه ای بانکها است که
این موضوع باعث کاهش رشد نقدینگی
در کشور شده است. در این خصوص، یکی
از تلاش های بانک مرکزی واگذاری اموال
مازاد بانکها برای نقدپذیری ترازنامه ای آنها
است که در سالهای اخیر به درستی با دوری
از حاشیه ها مدیریت شده است و ادامه آن
می تواند شرایط بانکها را بهبود بخشد.

اساساً بانک مرکزی به عنوان اقدامات پیشگیرانه در بروز ناترازی، چه استانداردهایی را باید برای بانکها قرار دهد؟

معمولاً ناترازی بانکها از تسهیلات تکلیفی، بدهکاران بانکی، مطالبات بانکها از دولت، اموال مازاد و داراییهای منجمد و... ناشی می شود، که در این حالت ارتقاء شفافیت ترانزنامه ای، حرکت براساس استانداردهای تعریف شده بانک مرکزی و همچنین اجرای صحیح قانون جدید بانک مرکزی، می تواند به این موضوع کمک کننده باشد.

نظارتها در زمینه جلوگیری از بروز ناترازی در کجاها باید اتفاق بیفتد و بانک مرکزی تمرکز نظارتی خود را در چه حوزههایی باید قرار دهد؟

بانک مرکزی به عنوان رگولاتور شبکه بانکی باید با الزام بانکها به واگذاری اموال مازاد و مولدسازی داراییها، اخذ وثیقه از اضافه برداشت بانکها و الزام بانکهای ناتراز به افزایش سرمایه، اقدامات نظارتی خود را برای بهبود شرایط انجام دهد.

در صورتی که بانکی به هر دلیلی در شرایط ناترازی قرار بگیرد، آنگاه کدام دسته اقدامات برای بازگشت به شرایط تراز باید انجام شود؟

به نظر می رسد گامهای انجام شده باید به صورت پلکانی باشد. هر چند شرایط بانکها در کشور ما متفاوت است، برخی از آنها به دلیل واگذاری موسسات به آنها دچار ناترازی شده اند و برخی دیگر به دلیل تسهیلات تکلیفی و سیاستهای تعیین شده، شرایط نامساعدی پیدا کرده اند. مسلماً برای همه

اینها نمی توان یک نسخه واحد پیچید. اما به دلیل اثرگذاری بانکها در حوزههای مختلف، باید شرایطی فراهم شود که بتوان از تمام ظرفیت آنها در جهت بهبود و بازگشت به ریل اقتصاد کشور استفاده کرد. همچنین انتشار داده ها نیز می تواند به شفافیت اقتصاد کشور کمک کند. این شفافیت برای فعالان اقتصادی بسیار اهمیت دارد و نشان می دهد اقتصاد به سمت و سوی ثبات و آرامش پیش می رود.

بانک مرکزی یک سازمان تخصصی است که تصمیمات فنی برای کنترل اقتصاد ایران اتخاذ می کند. این رویکرد چگونه باید توسط دولت چهاردهم پیگیری شود؟

همه اقدامات انجام شده را نمی توان به طور مطلق مثبت یا منفی قلمداد کرد. بسیاری از این اقدامات در شرایط خاص سیاسی و اقتصادی اتخاذ می شود که دارای زمان بوده و با گذر آن زمان، شرایط تغییر می کند. اما مسلماً دولت چهاردهم باید اقدامات مثبت را تقویت و مسیر صحیح را تا اخذ نتیجه مثبت ادامه دهد.

از نظر شما بهترین اقدامات بانک مرکزی در یکسال اخیر که نیازمند نگاه ویژه و پیگیری در دولت چهاردهم است، کدام بوده و چه اقداماتی باید دنبال شود؟

تلاش در جهت شفافیت بانکی و اقتصادی، مهم ترین دستاورد بانک مرکزی بوده است. این شفافیت می تواند به فعالین اقتصادی کمک کند که بهترین تصمیم را بگیرند و همچنین شرایط را برای حضور بیشتر سرمایه گذاران داخلی و خارجی فراهم آورد.

بانک مرکزی به عنوان رگولاتور شبکه بانکی باید با الزام بانکها به واگذاری اموال مازاد و مولدسازی داراییها، اخذ وثیقه از اضافه برداشت بانکها، الزام بانکهای ناتراز به افزایش سرمایه، اقدامات نظارتی خود را برای بهبود شرایط انجام دهد

واگذاری اموال مازاد بانکها برای نقدپذیری ترانزنامه ای

یکی از تلاشهای بانک مرکزی واگذاری اموال مازاد بانکها برای نقدپذیری ترانزنامه ای آنهاست که در سالهای اخیر به درستی و بادوری از حاشیه ها مدیریت شده است و ادامه آن می تواند شرایط بانکها را بهبود بخشد.



تازه های اقتصاد کتاب "جهانی که رسانه ها می سازند" را مرور کرد

رد پای رسانه ها در تحولات اقتصادی

- قدرت رسانه در شکل دادن به تصورات و انتظارات مبتنی بر اعتبار و اعتماد است
- هر آنچه درباره جامعه و جهانی که در آن زندگی می کنیم می دانیم، از طریق رسانه هاست
- نظام رسانه به لطف رسانه های اجتماعی و محتوای تولید شده توسط کاربران گشوده تر شده است

۱۰



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

سال‌هاست
که بانک‌های
مرکزی و
دولت‌های
جهان برای
مهار تورم
اقدام به رصد
انتظارات تورمی
می‌کنند

عمومی شود و با این کار، اولویت‌های سیاسی و اقتصادی را مشخص می‌کنند. آنها هم تعیین می‌کنند که مردم به چه چیزهایی فکر کنند و هم تعیین می‌کنند که مردم چگونه به آن چیزها نگاه کنند. هر آنچه دربارهٔ جامعه و دربارهٔ جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، می‌دانیم، از طریق رسانه‌هاست. به اعتقاد برخی اندیشمندان، نظارت بر نظام اجتماعی، کارکرد اصلی رسانه‌هاست. این ارزیابی در شرایط معاصر ممکن است اندکی اغراق‌آمیز به نظر برسد، زیرا نظام رسانه به لطف رسانه‌های اجتماعی و محتوای تولیدشده توسط کاربران گشوده‌تر شده است. اما تردیدی وجود ندارد که روزنامه‌ها، تلویزیون، رادیو و رسانه‌های دیجیتالی همچنان کانال‌های اطلاعاتی اصلی در هر جامعه‌ای هستند. به عبارت دیگر، اگرچه رسانه‌ها ابرقدرتی دوره‌های قبل را ندارند، ولی همچنان حضور و تأثیر قابل توجهی دارند.

نحوه تأثیر رسانه‌ها بر انتظارات

رسانه‌ها به شیوه‌های مختلف بر انتظارات افراد اثر دارند. داده‌های رسانه‌ای می‌توانند تأخیر زمانی در دسترسی به اطلاعات و رویدادهای جدید را برای متخصصان جبران کنند و در شکل دادن به انتظارات ایفای نقش کنند. همچنین بازنمایی تحولات سیاسی، اجتماعی یا فناوریانه که بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد، توسط رسانه‌ها انجام می‌شود و انتظارات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاخص‌های مبتنی بر رسانه برای پیش‌بینی تورم، سرمایه‌گذاری، چرخه‌های تجاری و اندازه‌گیری عدم قطعیت مالی استفاده می‌شود. محتوای رسانه‌ای در اندازه‌گیری روایت‌های اقتصادی که نگرش‌های غالب را منعکس می‌کند هم مفید است. ضمن اینکه گزارش‌های اقتصادی غالب، قدرت شکل دادن به دستور کار سیاسی را دارند. این مطالب ما را به این نتیجه می‌رساند که به‌روز کردن اطلاعات، یعنی میزان مصرف رسانه‌ای بر تغییر یا عدم تغییر انتظارات اثر دارد.

اهمیت انتظارات در این است که پیش‌بینی‌ها را شکل می‌دهند و به‌روز بودن اطلاعات می‌تواند با واقعی‌تر کردن انتظارات، موجب افزایش دقت پیش‌بینی‌ها شود. اما وقتی مفهومی در ذهن انسان‌ها جا بیفتد، با وجود تغییرات محیطی یا محاسباتی، به سختی تغییر می‌کند. انسان‌ها در برابر محتواها از جمله اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای کاملاً گزینش‌گرانه رفتار می‌کنند. برای همین آنها

سال‌هاست که بانک‌های مرکزی و دولت‌های جهان برای مهار تورم، اقدام به رصد انتظارات تورمی می‌کنند. در همین خصوص، اقتصاددانان نیز با ترکیب علوم مختلف، روش‌های متعددی را برای اندازه‌گیری انتظارات ابداع کرده‌اند که هم اکنون توسط بانک‌های مرکزی دنیا استفاده می‌شود.

در کشور ما نیز بحث انتظارات و تأثیر مستقیم آن بر رفتار اقتصادی مردم و تورم، به خصوص در سال‌های اخیر برجسته شده است. انتظارات از سرچشمه‌های مختلفی تغذیه می‌کند که یکی از مهم‌ترین آنها، اخبار و اطلاعات رسانه‌ها به عنوان تولیدکننده آن است.

با توجه به اهمیت این موضوع، انتشارات موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز در کتاب جدید خود با عنوان "جهانی که رسانه‌ها می‌سازند" به نقش رسانه‌ها در احساسات و انتظارات اقتصادی پرداخته است.

رسانه‌ها و انتظارات اقتصادی

در علم اقتصاد، سه نظریه درباره شکل‌گیری انتظارات وجود دارد: اول، انتظارات منحصراً بر اساس تجربه قبلی ایجاد می‌شوند. مثلاً انتظارات در مورد تورم را می‌توان از چگونگی توسعه سطح قیمت‌ها در گذشته استنتاج کرد. دوم، انتظارات در فرآیند سازگاری شکل می‌گیرند. آنها به‌طور مداوم تصحیح می‌شوند، زیرا رشد واقعی قیمت‌ها (یا پیامدهای اقتصادی دیگر) افشا می‌شوند. سوم، انتظارات منطقی هستند و بر اساس بهترین اطلاعات موجود ایجاد می‌شوند. این اطلاعات توسط افراد متخصص یا به وسیله کارشناسان و همچنین تجارب پیشین فرد تولید می‌شوند و نحوه ترکیب اینها دقیقاً مشخص نیست. وقتی اطلاعات جدید اندکی وجود دارد، تجربه گذشته غالب است. اما هنگامی که اطلاعات جدید مهم باشند، اطلاعات جدید انتظارات را تعیین می‌کند. اطلاعات جدید باید تحریک‌کننده و دامنه‌دار باشد تا بر تأثیرات تجربه قبلی غلبه کند.

اغلب گفته می‌شود که رسانه‌های جمعی، از طریق گزارش رویدادهای منفی و نشانه‌های شوم دورنمای بد، انتظارات، به ویژه انتظارات از آینده‌ای فقیر را ایجاد می‌کنند. اما باید یادآوری کرد که روزنامه‌نگاران همچون دروازه‌بانان مراقب هستند که چه اطلاعاتی وارد حوزه

از همه اطلاعات بهره نمی گیرند. آنها بخشی از خبر یا گزارش را انتخاب می کنند و در بیشتر مواقع، بخشی که انتخاب کرده اند در راستای تقویت باورهای قبلی شان است. گویی به نظر نمی رسد که اطلاعات جدید توان زیادی برای تغییر دیدگاه قبلی مخاطبان داشته باشند. ممکن است این موضوع در تعارض با قاعده "بیز" به نظر برسد که بر اساس آن، افراد با دریافت اطلاعات جدید، تصمیمات گذشته خود را تعدیل می کنند. اما بر اساس قاعده بیز، افراد در مواجهه با اطلاعات جدید با "سرعت اندکی"، انتظارات قبلی خود را برای پیش بینی آینده تعدیل می کنند. پیش بینی کنندگان دارای باورها یا انتظاراتی هستند که به باورهای گذشته آنها متصل شده و به راحتی تمایل به تغییر ندارند. در نتیجه، همواره بخشی از اطلاعات جدید را در پیش بینی های خود در نظر نمی گیرند و به اطلاعات قدیمی پایبند می مانند.

در علم اقتصاد به این ویژگی، چسبندگی اطلاعات گفته می شود. آنها اطلاعات خود را در فواصل گسسته به روز می کنند، اما نمی توانند اطلاعات جدید و مربوط را در این فواصل مشارکت دهند. بر اساس الگوی اطلاعات چسبنده، پیش بینی شرایط جاری مبتنی بر اطلاعات گذشته صورت می گیرد. چسبندگی اطلاعات در شکل دهی به انتظارات کارگزاران اقتصادی و تصمیم گیری های بنیادینی که پویایی اقتصاد کلان را تعیین می کنند، چون مصرف یا پس انداز، قیمت گذاری کالا یا خدمات، استخدام یا اخراج نیروی کار نقش دارند. مطالعاتی در ایران وجود دارد که نشان می دهد چسبندگی یکی از روش هایی است که نشان می دهد رسانه ها بر انتظارات افراد اثر می گذارند و آنها را در مورد چیزهایی که دیگران درگیر آن هستند، آگاه می سازند که به نوبه خود بر انتظارات تأثیر می گذارد و رفتار را تغییر می دهد. فرد ممکن است برخی مسائل را بی اهمیت بداند یا حتی غلط تعبیرشان کند، اما با این وجود، به دلیل این باور که دیگران آنها را مهم می دانند و مطابق با آن عمل می کنند، رفتار خود را متناسب می سازند. به طور معمول، افراد تأثیر اخبار را بر خود دستکم می گیرند و تأثیر آن را بر دیگران بیش از حد ارزیابی می کنند. اما در واقعیت، حتی افراد دارای دانش تخصصی در برخی زمینه ها، مانند مدیران تجاری، سرمایه گذاران یا کارآفرینان، تحت تأثیر اخبار اقتصادی قرار می گیرند، زیرا تأثیر سوم شخص

معمولاً با فاصله اجتماعی افزایش می یابد. افرادی که موقعیت اجتماعی بالایی دارند و ارتباط مستقیم اندکی با شهروندان معمولی دارند، عمدتاً با خواندن یا تماشای اخبار می فهمند که چه چیزی برای مردم عادی مهم است و چه رفتارهایی دارند. با توجه به اینکه فراز و نشیب توجه به موضوعات مختلف توسط مردم می تواند پیامدهای اقتصادی واقعی به همراه داشته باشد، پژوهشگران با گنجاندن داده های خبری در تحلیل های اقتصادی، می کوشند تا عواملی را که برای عموم اهمیت دارد و تحرکاتی را در کشور پدید می آورد، در نظر بگیرند.

قدرت رسانه ها!

قدرت رسانه در شکل دادن به تصورات و انتظارات مبتنی بر اعتبار و اعتماد است. پارادوکس اخبار به عنوان یک محصول این است که کاربران آن را خریداری می کنند و بخشی از بودجه زمانی خود را به آن اختصاص می دهند، بدون اینکه بتوانند کیفیت آن را از قبل قضاوت کنند. معنای اصلی اخبار این است که کاربران از چیزهایی مطلع می شوند که قبلاً نمی دانستند. عدم تقارن اطلاعاتی بین روزنامه نگاران و خوانندگان یکی از ویژگی های اصلی اخبار است که در سطح نهایی، آن را به یک تجربه خوب تبدیل می کند. مردم ناچارند برای شناخت مهم ترین موضوعات و روایت صحیح مرتبط ترین رویدادها و حقایق به رسانه ها تکیه کنند. اعتماد در طول زمان با استفاده مکرر از یک برند رسانه ای و با مشاهده اینکه دیگران از چه برندهایی استفاده می کنند و به آنها اعتماد دارند، ایجاد می شود. به همین دلیل است که نام های معتبر روزنامه نگاری چاپی و تلویزیونی همچنان منابع اصلی خبری در اینترنت هم هستند. در بسیاری از کشورها در دهه های اخیر، اعتماد به رسانه ها کاهش یافته است و وضعیت شکننده ای دارد که ممکن است به خاطر کاهش کیفیت رسانه ها یا افزایش شکاکیت مخاطبان و یا به هر دلیل دیگری باشد. ارتباط این وضعیت با اقتصاد در این است که اگر اعتبار رسانه ها کاهش یابد و اگر اعتماد به رسانه ها در طول زمان تغییر کند، تأثیرات کمتری بر شکل گیری انتظارات خواهند داشت و برعکس. تجربه نشان می دهد که میزان آزادی و استقلال رسانه ها، میزان حرفه ای بودن روزنامه نگاران و عملکرد رسانه ها در میزان اعتماد مخاطبان نسبت به آنها نقش دارد.

در میزگردی با حضور نواب روسای اتاق‌های مشترک ایران و روسیه و ایران و ازبکستان مطرح شد:

پیمان پولی با روسیه اثر تحریم‌ها را کاهش می‌دهد



صانعی:

- از الزامات بهره‌مندی از پیمان‌های دوو چند جانبه پولی و بانکی، ایجاد فهم و زبان مشترک در داخل است
- از ظرفیت بانک‌های ایرانی در خارج از کشور به درستی استفاده نکرده‌ایم

یکتا:

- پیمان‌های پولی می‌تواند کمک بزرگی به اقتصاد کند، اما ما ابزار استفاده از آن را آماده نکرده‌ایم
- بازار ایران از چند مولفه قوی برخوردار است که برای هر سرمایه‌گذاری، در هر موقعیتی از جهان بسیار جذاب است

۱۳



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

زمانی که
تحریم‌های
روسیه شروع
شد، بخش
عمده‌ای از
سرمایه‌گذاران
روس که راه
تجارت‌شان
با اروپا و غرب
بسته شده بود
به کشورهای
همسایه و
کوچک‌سرا زیر
شدند، اما ما
ابزاری نداشتیم
که این‌ها را جذب
کنیم

۱۴



• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

پیمان پولی دوجانبه بین ایران و روسیه به عنوان یک ابزار مالی و تجاری، یک پیمان دوسر برد تلقی می‌شود. این پیمان، این مزیت را در تجارت ایجاد می‌کند که دو طرف در تبادل کالا و خدمات از واحد پولی مشترک دو کشور، بدون نیاز به تبدیل پول به دیگر ارزهای جهان‌روا مانند دلار یا یورو استفاده کنند. این نوع از پیمان‌ها می‌تواند از تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی بین‌المللی که ممکن است برای یک یا هر دو طرف وجود داشته باشد، جلوگیری کند. با این روش، دو کشور می‌توانند تجارت و همکاری‌های اقتصادی خود را حفظ و تقویت کنند. پیمان پولی دوجانبه بین ایران و روسیه نشان از روابط تجاری و اقتصادی مثبت بین دو کشور دارد و می‌تواند به توسعه همکاری‌های بین‌المللی و تبادلات اقتصادی بین آنها کمک کند. هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد برای بررسی عمیق‌تر اثرات این پیمان پولی و ایجاد آن در جهت توسعه تجارت ایران با روسیه، میزگردی را با حضور روشنعلی یکتا، نایب رییس اتاق ایران و روسیه و علیرضا صانعی، نایب رییس اتاق مشترک ایران و ازبکستان برگزار کرد که مشروح آن در ادامه آمده است.

پیمان‌های پولی چه نقشی در کاهش هزینه مبادلات بین ایران و سایر کشورها و تسهیل روندهای تجاری خواهد داشت؟

صانعی: از الزامات بهره‌مندی
از پیمان‌های دوجانبه و
چندجانبه پولی و بانکی،
ایجاد فهم و زبان مشترک در



داخل است، به طوری که سازمان‌هایی که در امر صادرات یا تبادلات تجاری با کشور مقصد ذی‌نفع هستند، باید نسبت به آن پیمان متعهد باشند و برایشان اهمیت داشته باشد. بنابراین در جهت استفاده از مزیت‌های این پیمان‌ها باید در داخل کشور مواردی را طراحی و موانعی را تسهیل کنیم.

نکته بعدی این است که ببینیم رویکردمان در پیمان‌ها شرکت‌های بزرگ ایرانی هستند یا شرکت‌های کوچک و متوسط مدنظر است. وجود ابزارهای مالی و تنوع برای تبادلات بانکی تاثیرگذار است، اما بالتبع برای شرکت‌های

صانعی:

• اگر رویکرد در پیمان‌های
پولی به سمت استفاده
شرکت‌های کوچک
و متوسط باشد، تاثیر
بیشتری خواهد داشت

کوچک بهتر است و تاثیرگذاری بالاتری دارد. ما با بازار ۸۰۰ میلیارد دلاری روسیه طرف هستیم و بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط و دانش‌بنیان می‌توانند از مزیت‌های این بازار بزرگ استفاده کنند. قطعاً اگر رویکرد در پیمان‌ها، شرکت‌های متوسط و کوچک باشند، تاثیرگذاری بیشتری دارد.

این پیمان‌ها همیشه با محوریت بانک‌های مرکزی دو کشور منعقد می‌شود و قطعاً می‌تواند کاهش هزینه‌ها را به همراه داشته باشد، اما باید به این موضوع هم فکر کنیم که صنعت ما طی سال‌های گذشته شاهد بخشنامه‌های خلق‌الساعه متعددی در خصوص واردات، صادرات، گمرک و مسائل مالی بوده است. مثلاً در خصوص رفع تعهد ارزی طی شش ماه گذشته اتفاقی که افتاده این است که صادرکنندگان ما مجبور هستند، بالای ۶۰ درصد رفع تعهد کنند. به طور مثال، تولیدکننده خطوط ماشین‌آلات یک قراردادی را با طرف خارجی منعقد می‌کند و قرار است خریدار در بازه زمانی بلندمدت به فروشنده پول را پرداخت کند، اما ما در داخل باید طی ۹ ماه بالای ۶۰ درصد رفع تعهد انجام دهیم. با توجه به شرایط حاکم بر کشور و تحریم‌ها و مشکلات ارزی نیاز است قانون‌گذار نسبت به برخی موارد تسهیل‌گری کند و انعطاف بیشتری داشته باشد، همه این موارد دانه‌های تسبیح هستند که به هم متصل است. در مجموع باید گفت می‌توان از پیمان دوجانبه یا چندجانبه استفاده کرد، در صورتی که بتوانیم خودتحریمی‌های داخلی را رفع کنیم.

یکتا: پیمان‌های پولی
می‌تواند کمک بزرگی به
اقتصاد کند، اما ما ابزار
استفاده از آن را آماده



نکرده‌ایم و به همین دلیل بارها صحبت‌هایی در این باره شد، اما اجرایی نشد. زمانی که تحریم‌های روسیه شروع شد، بخش عمده‌ای از

یکتا:

● تورم مستمر بالای ۴۰ درصد و نبود ثبات در قوانین و بخشنامه‌ها موجب شده جذب سرمایه‌گذاری خارجی با مشکل مواجه شود

سرمایه‌گذاران روس که راه تجارت‌شان با اروپا و غرب بسته شده بود، به کشورهای همسایه و کوچک سرازیر شدند، اما ما ابزاری نداشتیم که اینها را جذب کنیم و زیرساخت‌هایمان آماده نبود. تورم بالای ۴۰ درصد را در این سال‌ها تجربه کردیم و ثبات قوانین نداشتیم، مناطق آزاد از کاربری خود خارج شدند و بنابراین جذب سرمایه‌گذار صورت نگرفت. آنچه در وهله اول به فوریت نیاز داریم، جذب سرمایه‌گذار خارجی است. روسیه دارای ظرفیت‌های بزرگ بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران بزرگ است و پیمان‌های پولی امکان استفاده از این ظرفیت را در اقتصاد و صنعت ما فراهم می‌کند. مورد بعدی، کریدور شمال - جنوب است که هنوز تکمیل نشده است. هنوز زیرساخت‌هایمان آماده نیست، وگرنه در این شرایط سرمایه‌گذاران روسیه و آسیای میانه، استقبال بسیار زیادی می‌کردند. معتقدم همه اینها به پیمان‌های پولی برمی‌گردد که چه زمانی اتفاق می‌افتد.

صانعی: در بیشتر کشورهای همسایه، بیش از ۲۰ سال است که شعبات بانک‌های



ایرانی دایر هستند، در حالی که بسیاری از کشورها طی کمتر از ۱۰ سال گذشته به این فکر افتاده‌اند که دنبال تبادلات دوسویه بروند. به طور مثال، بانک‌های ایرانی در عراق و ترکیه و امارات شعبه دارند و در ازبکستان بیش از ۱۰ سال است بانک صادرات شعبه دارد، اما متأسفانه از ظرفیت‌های این بانک‌ها استفاده نکرده‌ایم. می‌توانستیم به نحوی اعتباری را برای بانک‌های ایرانی خارج از کشور در نظر بگیریم که تجار، صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران از آن بهره‌مند شوند.

یک مسئله‌ای که فراموش می‌کنیم کاهش ریسک است. در منطقه غرب آسیا حضور داریم و عموماً تنش‌هایی در منطقه وجود دارد. ما به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه همیشه باید به سمتی

برویم که هم تنش‌زدا باشیم و هم با کشورها تبادلات داشته باشیم. چون به صادرات نیاز داریم و فهم مشترک در کشورمان به وجود آمده که پیشران توسعه اقتصادی در کشور صادرات است. سهم شرکت‌های دانش‌بنیان در صادرات کمتر از دو درصد است که واقعا برای کشوری که در حال برنامه‌ریزی و ایجاد پایگاه‌های متنوع و توسعه زیرساختی شرکت‌های دانش‌بنیان است تأسف‌بار است.

تجربیات تلخ، درس‌های خوبی برای بهره‌مندی در آینده می‌دهند. حدود ۶ سال پیش موردی برای قطر به وجود آمد و کشورهای منطقه منا قطر را برای یک بازه زمانی تحریم کردند، اما متأسفانه از آن فرصت بی‌بدیل هم نتوانستیم استفاده کنیم، چون زیرساخت‌های توسعه در کشورمان تعریف نشده و اگر تعریف شده براساس مقتضیات زمانی خودمان سراغ آنها می‌رویم و بعد فراموش می‌کنیم.

طی سه سال گذشته، جنگ اوکراین و روسیه فرصت‌های بیشماری را برای کشور ما به وجود آورد. کریدور شمال - جنوب یکی از فرصت‌های بسیار حیاتی در بُعد سیاست، امنیت، اقتصاد، و تبادلات تجاری است و باید مقداری تمرکز تفکری روی حوزه‌های مختلف داشته باشیم و البته درخواستم این است که شعبات بانک‌های ایرانی که در کشورهای همسایه داریم را فعال‌تر کنیم و از مزایای آنها حتی برای تبادلات و سرمایه‌گذاری‌های کوچک استفاده کنیم.

اگر ریسک سرمایه‌گذاری در ایران کاهش یابد و موانع برداشته شوند، چه میزان سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند شکل بگیرد؟

یکتا: بازار ایران از چند مولفه قوی برخوردار است که برای هر سرمایه‌گذاری در هر موقعیتی از جهان بسیار



جذاب است. یکی از آنها نیروی انسانی است که نیروی انسانی و متخصصان خوبی داریم، ثانياً هزینه ایجاد اشتغال در ایران بسیار پایین است و در تولید هزینه‌های پایینی را می‌توانیم برای آن کشورها ایجاد کنیم. به همین دلایل، اکنون بسیاری از کشورها به صورت چرخ خاموش در ایران کار می‌کنند و ریسکش را پذیرفته‌اند. زیرساخت‌های کشور در بخش نفت و گاز، معادن، حمل و نقل و ... مدت‌هاست که ارتقا نیافته است که اگر به این موارد رسیدگی کنیم،

روسیه دارای ظرفیت‌های بزرگ بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران بزرگ است و پیمان‌های پولی، امکان استفاده از این ظرفیت را در اقتصاد و صنعت ما فراهم می‌کند

در بیشتر
کشورهای
همسایه، بیش
از ۲۰ سال است
که شعبات
بانک‌های
ایرانی دایر
هستند، در
حالی که
بسیاری از
کشورها طی
کمتر از ۱۰ سال
گذشته به این
فکر افتاده‌اند
که دنبال
تبادلات دوسویه
بروند



صانعی: بخش خصوصی

عموماً جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که امنیت اقتصادی باشد. دوستان اقتصادی ما



همیشه می‌گویند پول از جایی فرار می‌کند که امنیت اقتصادی نداشته باشد. قطعاً بخش خصوصی همیشه ریسک می‌کند. در حال حاضر، ایران بیش از ۱۰۰ دفتر نمایندگی در کل دنیا دارد، اما اگر به تاریخ نگاه کنیم اولین حضور ایرانیان توسط تجار بوده است که به کشورهای دور رفته‌اند، همیشه تجار پرچم‌دار کشور ما برای حضور به عنوان اولین‌ها در کشوری بوده‌اند، قطعاً ریسک هم دارند، اما امنیت اقتصادی در مقصد بسیار مهم است.

در خصوص روسیه، نقدی به این تفکر دارم. متأسفانه در دو دهه گذشته طی برش‌های تاریخی در ایران تمرکز مبادله یا فعالیت اقتصادی و تجاری را روی یک کشور گذاشته‌ایم. مثلاً در دهه گذشته قبل از روسیه، عراق محوریت تمرکز بخش تولیدی، بازرگانی و سیاسی کشور ما بود. چند سال رشد خوبی داشتیم، اما یکسری موانع خارج از حیطه فعالیت‌های اقتصادی مانند بحث‌های سیاسی و جنگ به وجود آمد و برخی تبادلات قفل شد. به عنوان یک فعال اقتصادی که هم در بخش تولید و هم در بخش صادرات و واردات کار می‌کنم، پیشنهادم این است که سیاست‌گذار در حوزه سرمایه‌گذاری و اقتصاد سیاسی و روابط تجاری بین کشورها فرابخشی نگاه کند. نباید در برش‌هایی از تاریخ فقط تمرکزمان روی برخی

بسیار درآمدزا خواهد بود. اکنون که روسیه در تحریم قرار دارد، بهترین فرصت برای جذب سرمایه‌گذاری است، منتهی باید همه ابزارهای لازم را فراهم کنیم که این اتفاق بیفتد. ثبات قوانین نداریم تا آنها اعتماد کنند، در بخشی از کارهایمان تصمیماتی گرفته می‌شود که در هیچ جای دنیا این اتفاق نمی‌افتد، به خصوص برای سرمایه‌گذاران و تجار. یکی از مشکلاتی که در بخش دولتی داریم این است که ناترازی مدیران داریم. کسانی گمارده می‌شوند که اصلاً با شغل و جایگاه هیچ سنخیت و تجربه‌ای برای کار ندارند. این مدیران با بخش خصوصی همگن و همراه نیستند. اگر عالمان بخش اقتصادی برمسند کار بنشینند و حاکمیت و نظارت و تسهیل‌گری کنند، قطعاً همه کشورها می‌آیند. در بدترین مناطق آفریقا با وجود خطرات بسیار، افراد در معادن طلا سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه‌گذار ریسک‌پذیر است و فعال اقتصادی ریسک با زندگی‌اش عجین است، ولی در کشور ما یکسری موارد را نمی‌توان پیش‌بینی کرد که ناخودآگاه هم نیست و اگر این شرایط تغییر نکند با پیمان‌های پولی هم جذب سرمایه‌گذاری رخ نمی‌دهد.

ظرفیت سرمایه‌گذاری روسیه برای ایران بالای ۵۰ میلیارد دلار است، اما مهم این است که آیا می‌توانیم این سرمایه‌ها را جذب کنیم؟ یکی از مدیران اقتصادی به من ماموریت داد و آنها را آوردم حتی برای ۳۰۰ میلیون دلار هیچ چیزی روی میز نبود. دوماً برای این موضوع کار کردم و اتفاقی نیفتاد. ما ناترازی مدیریتی داریم.

ظرفیت
سرمایه‌گذاری
روسیه برای
ایران بالای ۵۰
میلیارد دلار
است، اما مهم
این است که آیا
می‌توانیم این
سرمایه‌ها را
جذب کنیم؟



میدان ترانزیت ایران باشد گردش مالی و سوئیفت انجام نمی‌شود. به تازگی حتی ترانزیت از ایران باشد و اسناد حمل به نام ایران یا مهر ترانزیت ایران باشد، بانک مبدأ اقدام به ارسال حواله نمی‌کند. بنابراین باز هم به پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه برمی‌گردیم که در صورتی که به اجرا برسد و ارگانش صحیح اجرا شود، در حل مسائل تحریمی بسیار مفید خواهد بود.

پیمان‌های پولی اتفاق مثبتی هستند، اما پیش‌شرط آنها ثبات پولی و مالی داخلی است و سیاست‌های داخلی اهرمی است که درصد موفقیت پیمان‌های پولی را افزایش می‌دهد، عملکرد بانک مرکزی در یک سال گذشته در خصوص کاهش ناترازی بانک‌ها و پیش‌بینی‌پذیر شدن بازارها و تسهیل روند تجارت تجار و کاهش نوسانات نرخ ارز تا چه اندازه در ثبات بازار داخلی موثر بوده و چه تاثیری روی پیمان‌های ارزی دارد؟

یکتا: از سال ۹۲ که پیمان‌های ارزی بیشتر شکل گرفتند و برای ما الزام شد که از آنها استفاده کنیم، حرکت‌ها بیشتر سینوسی و قائم به فرد بوده و



از کشورها باشد. در حال حاضر، کشورهای منطقه منارا داریم که سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را حتی در کشورهای آسیای میانه و اوراسیا انجام می‌دهند. طی دو سال اخیر، پیمان نامه خوبی در منطقه اوراسیا داشتیم و بیش از چند صد گروه محصول ما با تعرفه‌های پایینی وارد کشورهای اوراسیا می‌شوند. منطقه آسیای میانه را داریم که به عنوان قلب تپنده نوظهور در دنیا در حال شناخته شدن است. کشورهایمانند قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان که اشتراکات تاریخی و فرهنگی با آنها داریم و بنابراین باید تمرکز و نگاه ویژه‌ای به آنها داشته باشیم. از سوی دیگر کشوری مانند ازبکستان طی ۱۰ سال گذشته همواره رشد اقتصادی مثبت داشته و می‌توان با ازبک‌ها سرمایه‌گذاری مشترک انجام داد. یا کشورهایمانند افغانستان و پاکستان را در همسایگی داریم، اما تاکنون نتوانسته‌ایم از ظرفیت‌های آنها استفاده کنیم. مسئله بعدی کریدورهای بین‌المللی است. امروز در دنیا یک جنگ پنهان در ایجاد کریدورها به وجود آمده و کشورهای همسایه ما مانند ترکیه، هند، عربستان، امارات و کشورهای ترک زبان همسایه، کریدورهای جدیدی را شکل داده‌اند. اینها مواردی هستند که شاید امروز جزو اولویت‌های فکری ما نباشد، اما در آینده قطعاً آسیب‌زاست. یکی از تحریم‌های جدیدی که به سوئیفت و تبادلات بانکی الصاق شد، این است که بانک‌هایی که می‌خواهند تبادلات بانکی از طریق دلار انجام دهند، اگر چنانچه

امروز در دنیا
یک جنگ
ناآشکار در
ایجاد کریدورها
به وجود آمده
و کشورهای
همسایه ما
مانند ترکیه
هند، عربستان
امارات و
کشورهای
ترک زبان
اطراف ایران
کریدورهای
جدیدی را شکل
داده اند

۱۸



• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

اینکه چه کسانی رییس کل و معاون بانک مرکزی بوده اند. هیچ وقت یک دورنمایی برای خودمان ندیدیم که به آن دست پیدا کنیم. متأسفانه بانک مرکزی قائم به فرد بوده و بعضاً افرادی به بانک مرکزی آمده اند که در حد این جایگاه نبوده اند. اما در این دوره کارهای خوبی انجام شد با این حال انتظاراتمان از آقای فرزین و تیم شان بیشتر است. تیم فعلی، تیم خوبی هستند و تجربه خوبی از اقتصاد روسیه دارند. بانک مرکزی باید به رسالت اصلی خودش برگردد و ارزش تک نرخی را پیگیری کند. برای اینکه به ثبات برسیم، باید نرخ واحد ارزی داشته باشیم. بنابراین ابتدا باید حکمرانی بانک مرکزی در اقتصاد کشور رخ بدهد. برای عبور از تحریم ها، پیمان های پولی فرصت های خوبی است، اما تا زمانی که زیرساخت ها مانند ارزش تک نرخی رخ ندهد، این اتفاق ممکن نیست. باید شفافیت مالی داشته باشیم، ثبات مالی، ثبات ارزش و ثبات نرخ پولی نیاز داریم و تا به اینها نرسیم و همه از آن برخوردار نباشند، همه مکانیزم ها با مشکل مواجه خواهند شد.

صانعی: یکی از ارکان مهم تغییرات توسعه ای اقتصادی، وجود منابع مفید است. در دوره کنونی با توجه به اینکه



در سه سال اخیر شاهد رشد فروش نفت در کشور بودیم، انتظار می رفت تصمیمات سخت را بگیریم و به سمت تک نرخی شدن ارزش برویم. اختلاف ناشی از ارزش نیمایی و ارزش بازار آزاد، رانت زار و فساد انگیز است و رانتی که ایجاد می کند غالباً تأثیر منفی در بخش خصوصی و جامعه گذاشته است. امروز شاید تک تک ما به عنوان فردی از جامعه که وارد شهر می شویم برای خرید نیازهای روزمره تأثیر نرخ نیمایی روی کالاها را نمی بینیم و کشور باید به این سمت برود که تصمیم سخت تک نرخی شدن ارزش را بگیرد و این یکی از نیازمندی ها و درخواست های بخش خصوصی از بانک مرکزی است.

در بُعد سرمایه گذاری باید در وهله اول اجازه ندهیم سرمایه گذاران داخلی به خارج از ایران بروند و سرمایه های فکری و مالی از کشور خارج نشود و در وهله دوم نیز بستری را ایجاد کنیم که سرمایه گذاران خارجی به کشور ما بیایند. نکته مهم تر این است که فقط به کشورهای خاص فکر نکنیم، ۱۵ کشور همسایه داریم و تعدادی غیرمستقیم با ما هم مرز هستند که تجار هر کدام نیازهای مختلفی دارند و نوع نگاه

و رویکردشان متفاوت است. ما به کشورهای آسیای میانه برای سرمایه گذاری چابهار و به کشورهای اوراسیا کریدور شمال - جنوب و به کشورهای هم مرز غربی، توسعه بندرهای جنوبی را پیشنهاد می کنیم. امیدواریم بانک مرکزی با بهره مندی از تفکرات سایر بخش ها و به ویژه بخش خصوصی، در این زمینه کمک کننده باشد.

سال ۱۴۰۲ ثبات ارزی داشتیم. در طرف تقاضا محدودیت ایجاد کردیم و به دنبال آن نوسانات ارزی کاهش یافت. در حال حاضر، از زمانی که برای تخصیص ارزش واردات ثبت درخواست می کنیم تا زمانی که کد شناسه بدهند، ۲۰ مرحله وجود دارد. امسال و اواخر سال گذشته بعضاً پیش می آمد بیش از ۴ ماه شرکت ها و افراد حقیقی و حقوقی برای تخصیص ارزش انتظار می کشیدند. این کنترل و سرکوب تقاضاست. شاید این مهارت های بانک مرکزی است، کاری به بد و خوب بودن اقدام نداریم و به روندها اشاره می کنیم.

در خصوص سرمایه گذاری خارجی در ایران، زمانی که سرمایه گذار خارجی می خواهد در شهرک های صنعتی در ایران و مناطق آزاد سرمایه گذاری کند، قطعاً کالا یا خدماتی که تولید می کند در ایران مصرف نخواهد شد و بخشی یا تمام آن را به کشور دیگری صادرات می کند. آیا می توانیم به آن شرکت خارجی بگوییم باید رفع تعهد ارزی کند؟ بعد از اتفاقات سال ۹۶، اصلاحات منفی در نظام پولی، بانکی و گمرکی کشور به وجود آمد و شاهد ارسال بخشنامه های خلق الساعه بودیم که مشکلاتی را برای صادرات ایجاد کرد.

نیاز است بانک مرکزی با تمام ذی نفعان اقتصادی، تولیدی و صنعتی در کشورمان در خصوص موانع و مشکلات همفکری کند. یکی از پیشنهاداتی می تواند این باشد که برای رفع تعهدات ارزی، شرکت های کوچک و متوسط یا شرکت های دانش بنیان معافیت در نظر بگیرند و یا مشوق های صادراتی بهتری برای صادرکنندگان در نظر بگیرند. ۸۰ درصد اقتصادمان دولتی است، بیش از ۵۰ درصد ارزش آوری کشورمان در اختیار پتروشیمی ها، خصولتی ها و شرکت های دولتی است. امیدوارم بانک مرکزی هم برای مشکلات مستقل فکر کند و هم در خصوص مسائل مشترک مانند سرمایه گذاری، تولید، بازرگانی، صادرات و واردات، صدای بخش خصوصی شنیده شود.

پروفسور "مکسول مک کومبز" استاد دانشگاه تگزاس آمریکا
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

رسانه‌ها مسیر تصمیمات اقتصادی مردم را تعیین می‌کنند

- انتشار اخبار اقتصادی به صورت کارشناسی توسط بانک مرکزی ایران ایده‌ای خلاقانه و ضروری است
- رسانه‌ها می‌توانند در ایجاد اولویت‌های فکری مخاطبان مؤثر باشند
- مردم بیشتر درک خود از وضعیت اقتصادی را از طریق قرار گرفتن گذرا و تصادفی با اخبار اقتصادی به دست می‌آورند
- سیاست رسانه‌ای توسط بانک‌های مرکزی که باعث انتشار گسترده و مفصل برنامه‌ها می‌شود، یک ایده نوآورانه است



شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه رسانه‌ها دیدگاه افراد را در خصوص مشکلات مهمی که جامعه با آن مواجه است شکل می‌دهند

پروفسور "مکسول مک‌کومبز" استاد دانشگاه تگزاس و واضع "نظریه برجسته‌سازی" معتقد است یک سیاست رسانه‌ای توسط بانک‌های مرکزی که باعث انتشار مقالات گسترده و مفصل در تمام جنبه‌های اقتصاد می‌شود، یک ایده نوآورانه است. این امر باعث افزایش قابل توجه جریان اطلاعات به عموم مردم می‌شود که فراتر از انتشارات مطبوعاتی معمول و اعلامیه‌های رسمی سیاست است. "مکسول مک‌کومبز" و "دونالد شاو" از اساتید شناخته شده ارتباطات و رسانه در دنیا به شمار می‌روند. آنها واضع نظریه برجسته‌سازی (Agenda-setting theory) هستند و در مقاله "کارکرد برجسته‌سازی مطبوعات"، مهندسی افکار عمومی توسط رسانه‌ها را تشریح کرده و نشان داده‌اند که رسانه‌ها در قالب گزارش‌های خبری، خط خودشان را پیش می‌برند.

نظریه برجسته‌سازی اشاره به تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش ما و تعیین اولویت‌های ذهنی با بزرگ کردن بعضی از رویدادها در قالب خبر و گزارش دارد. رسانه‌ها (چه صوتی و تصویری از نوع رادیو و تلویزیون و چه نوشتاری مثل روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی و...)، با تمرکز بر بعضی از رویدادها، تلاش می‌کنند بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر بگذارند و یک موضوع را برجسته کنند.

فرضیه برجسته‌سازی از اوایل دهه ۱۹۷۰، یکی از مفاهیم اصلی در نظریه‌های ارتباطات بوده است. این فرضیه مهم است، زیرا حاکی از شیوه‌ای است که رسانه‌ها می‌توانند بر جامعه اثر داشته باشند و این جایگزینی به منظور تغییر نگرش صورت می‌گیرد. همچنین شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه رسانه‌ها، دیدگاه افراد را در خصوص مشکلات مهمی که جامعه با آن مواجه است شکل می‌دهند. ممکن است مسائل و مشکلاتی که در رسانه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است همان‌هایی نباشد که در واقعیت است. همچنین شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه هر چند رسانه‌ها تغییر نگرشی که ایجاد می‌کنند اندک است، با استفاده از مفهوم زمینه‌چینی، می‌توانند نفوذ مهمی اعمال کنند (مانند نفوذ بر انتخابات ریاست جمهوری). شواهد مربوط به برجسته‌سازی قطعی و

فراگیر نیست، اما شواهد تأییدکننده کافی وجود دارد که بگوییم این مفهوم را باید جدی بگیریم. رسانه‌ها البته نمی‌توانند "چگونه فکر کردن" را به مخاطبین تحمیل کنند. مخاطبان هوشیار از این توان برخوردارند که بر مبنای منطق و دیدگاه انتقادی خود، دست به انتخاب بزنند، اما می‌توانند (و توانسته‌اند) تعیین کنند که مردم درباره "چه موضوعی" فکرشان مشغول باشد و چه چیز مسئله ما بشود. توجه داشته باشیم که اولویت‌ها، همیشه توسط زمینه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی تعیین نمی‌شود. برجسته‌سازی یعنی این اندیشه که رسانه‌های خبری با ارائه خبرها، موضوعاتی را که عامه راجع به آنها فکر می‌کنند، تعیین می‌نمایند. با برجسته‌سازی و تکرار اخباری که بخشی از واقعیت را دارد و نیمه پنهانش از نظرها محو است، افکار عمومی مهندسی و مسائل اولویت‌بندی می‌شوند.

در جریان مبارزات انتخابات ریاست جمهوری و رقابت بین جیمی کارتر و رونالد ریگان در سال ۱۹۸۰، مطبوعات چند روز قبل از انتخابات، توانستند با برجسته‌سازی موضوع آزادی کارکنان سفارت آمریکا در ایران، آن را به اولویت ذهنی مردم آمریکا و نمونه‌ای از بزرگترین شکست‌های مدیریتی کارتر تبدیل کنند و باعث شکست وی و پیروزی ریگان در انتخابات شوند.

افزودن آگاهی عمومی از این موضوع در جریان انتخابات، یکی از شیوه‌هایی است که از طریق آن، رسانه‌های جمعی می‌توانند بر عامه مردم تأثیر بگذارند.

با استفاده از شواهد به دست آمده از این مطالعه، شاو و مک‌کومبز، به این نتیجه رسیدند که رسانه‌ها می‌توانند در ایجاد اولویت‌های فکری مخاطبان مؤثر باشند. یعنی به مخاطبان بگویند، درباره چه چیزی فکر کنند و پاسخ بگویند.

در ادامه گفت‌وگوی اختصاصی هفته‌نامه "تازه‌های اقتصاد" با پروفسور "مکسول مک‌کومبز" استاد دانشگاه تگزاس آمریکا و واضع نظریه برجسته‌سازی را می‌خوانید. "مک‌کومبز" از صاحب‌نظران و اندیشمندان علم ارتباطات و استاد دانشگاه تگزاس آمریکا است. کتاب اخیر مک‌کومبز "رسانه‌های جمعی و افکار عمومی" نام دارد. او استاد دانشگاه‌های کارولینای شمالی و UCLA آمریکا نیز بوده است.

مخاطبان
هوشیار از
این توان
برخوردارند
که بر مبنای
منطق و دیدگاه
انتقادی خود
دست به
انتخاب بزنند

**اینکه نفوذ رسانه‌ها
به تصمیمات کلان
سیاست‌گذاران در همه
حوزه‌ها، به ویژه اقتصادی
و پولی کشیده شده است را
چگونه باید تفسیر کنیم؟**

پوشش خبری جامع اقتصاد و سیاست پولی باید به همه جنبه‌های این حوزه‌ها شامل پیامدهای مثبت و منفی در فضای فعلی و واکنش مردم به این پیامدها گسترش یابد. توضیح کامل موضوعات پیچیده، مانند وضعیت اقتصاد و سیاست‌های پولی مرتبط، شامل تعداد زیادی از جنبه‌های متمایز است که می‌تواند موضوع اخبار باشد. برای مثال، یک تحلیل عمیق از پوشش خبری بین‌المللی سال اول جنگ عراق، ۳۱ جنبه متمایز از اقدام نظامی و دیپلماسی بین‌المللی تا تأثیر بر غیرنظامیان عراقی را شناسایی کرد.

برای سیاست‌گذاران، تغییرات در واکنش مردم به تصمیمات سیاستی عنصر مهمی است که باید در کنار داده‌های سخت اقتصادی که هسته چشم‌انداز آنها را مشخص می‌کند، در نظر بگیرند. رسانه‌های خبری می‌توانند منبع ارزشمندی از بینش در رابطه با "تساویر" که توسط مردم دریافت می‌شود، باشند.

**اساسا رسانه‌ها چه تأثیری بر
تصمیم‌گیری‌های کل جامعه
دارند؟ مشاهده می‌شود که
این آثار حتی در تصمیمات
فدرال رزرو، بانک مرکزی
اروپا و نهادهای پولی مختلف
کشورهای وجود دارد.**

تأثیر رسانه‌های خبری بر عموم مردم در درجه اول بر دو حوزه متمرکز است. آنچه که

**با افزایش میزان ارتباطات در
جهان، تأثیر رسانه‌ها بر افکار
عمومی افزایش یافته است. آیا
این افزایش وابستگی به اخبار
خوب است یا بد؟**

افزایش اطلاعات دقیق و تفصیلی، یک سرمایه اجتماعی عمده است که بستر مناسبی را برای شکل‌گیری افکار عمومی فراهم می‌کند. متأسفانه گسترش کانال‌های خبری در اینترنت هم منجر به افزایش اخبار دقیق و مفصل (با جزئیات) و هم سیل اطلاعات نادرست و اخبار جعلی شده است. سازمان‌های خبری بزرگ در سراسر جهان به اخلاق مسئولیت اجتماعی ادامه می‌دهند، اما انبوهی از سازمان‌های حاشیه‌ای این کار را نمی‌کنند. مبارزه با این سیل اطلاعات غلط، مستلزم جریان مداوم اطلاعات دقیق است. نیم قرن تحقیق علوم اجتماعی در سراسر جهان در مورد نقش رسانه‌های خبری در شکل‌گیری افکار عمومی نشان می‌دهد که حجم وسیعی از پوشش خبری برای شکل‌گیری افکار عمومی سالم در مورد موضوعات کلیدی روز، ضروری است. در مورد وضعیت اقتصادی معاصر، مخاطبان اصلی برای اطلاعات دقیق در مورد وضعیت اقتصاد و سیاست پولی نسبتاً اندک هستند و عمدتاً از افرادی تشکیل شده‌اند که به طور حرفه‌ای با اقتصاد درگیر هستند. عموم مردم بیشتر درک خود از وضعیت اقتصادی کنونی را از طریق قرار گرفتن گذرا و تصادفی با اخبار اقتصادی به دست می‌آورند. تکرار این مواجهه است که یک چشم‌انداز، هرچند تا حدودی محدود، در اقتصاد ایجاد می‌کند. همانطور که "والتر لیمپن" در کتاب کلاسیک خود، "افکار عمومی" اشاره کرد، تمایز واضحی بین "دنایای بیرون و تصاویر موجود در سرما" وجود دارد.



بانک مرکزی باید سیاست‌ها را به مردم توضیح بدهد

در شرایطی که واکنش منفی قابل توجهی به سیاست کنترل تورم وجود دارد، بانک‌های مرکزی و رسانه‌های خبری باید به تفصیل توضیح دهند که چرا این سیاست به عنوان برنامه صحیح تلقی می‌شود و مدت آثار آن چقدر خواهد بود. بخشی از توضیح باید شامل بحث در مورد چرایی اتخاذ نشدن سیاست‌های جایگزین باشد. رسانه‌های خبری می‌توانند نقش مهمی را در اینجا ایفا کنند و به دیدگاه‌های مختلف گوش دهند.

برجسته‌سازی
یعنی این
اندیشه که
رسانه‌های
خبری با
ارائه خبرها
موضوعاتی را
که عامه راجع
به آنها فکر
می‌کنند، تعیین
می‌نماید

۲۲



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

عموم مردم به عنوان مهم‌ترین مشکلات که در حال حاضر با آن مواجه هستند تلقی می‌کنند و دوم، "تساویر" این موضوعات در ذهن آنها است. در تحقیقات گسترده جهانی در مورد این نقش دستور کار رسانه‌های خبری در شکل‌گیری افکار عمومی، این دو حوزه محوری هستند. کدام مسائل و مشکلات مورد توجه مردم قرار گرفته است؟ و اینکه چه وجوهی از این مسائل و مشکلات، دیدگاه عموم را نسبت به این مسائل و مشکلات مشخص می‌کند. در واقع، رسانه‌های خبری به عنوان نوعی بر موضوعات و مسائل مورد توجه عموم مردم تأکید می‌کنند. رسانه‌های خبری هر روز بر تعدادی از موضوعات مهم تأکید می‌کنند و در قالب اخبار، معمولاً چند جنبه را در بیشتر بخش‌ها گزارش می‌کنند. در طول یک تا دو ماه از این تصمیمات روزانه انباشته شده توسط رسانه‌های خبری، الگویی در بین مردم شکل می‌گیرد که موضوعات آن برای عموم به برجسته‌ترین موضوعات تبدیل می‌شود. رسانه‌ها مسائل را مطرح می‌کنند و مردم تصمیم می‌گیرند، اما ترتیب موضوعات مهم در بین مردم به میزان بالایی با رتبه‌بندی این موضوعات در اخبار هفته‌های قبل مطابقت دارد. به طور معمول، دستور کار مسائل عمومی جامعه محدود به یک تا سه موضوع است که طنین خاصی در بین مردم دارد. کلید این تحول افکار عمومی، زیاد بودن و حجم پوشش خبری مسائل در روزنامه‌ها، کانال‌های تلویزیونی، مجلات و اینترنت است.

یک مسئله مهم این است که رسانه‌ها بر انتظارات جامعه تأثیر می‌گذارند و اخبار می‌توانند سیاست کنترل تورم را به چالش بکشند. برای مدیریت این فضا چه باید کرد؟

گزارش گسترده اقتصاد و سیاست پولی باید شامل جزئیات عمیقی از نحوه واکنش مردم باشد. این شامل نگرش‌ها، نظرات و انتظارات در مورد محیط اقتصادی معاصر و توضیحاتی برای این پاسخ‌ها بر اساس مصاحبه‌های گسترده با مردم است. به طور خلاصه، تمام جنبه‌های دستور کار اقتصادی، باید با تکیه بر منابع نهادی و عموم مردم به تفصیل ارائه شود. در شرایطی که واکنش

منفی قابل توجهی به سیاست کنترل تورم وجود دارد، بانک‌های مرکزی و رسانه‌های خبری باید به تفصیل توضیح دهند که چرا این سیاست به عنوان برنامه صحیح تلقی می‌شود و مدت آثار آن چقدر خواهد بود. بخشی از توضیح باید شامل بحث در مورد چرایی اتخاذ نشدن سیاست‌های جایگزین باشد. رسانه‌های خبری می‌توانند نقش مهمی را در اینجا ایفا کنند و به دیدگاه‌های مختلف گوش دهند.

آیا باید کنترل رسانه‌ها و انتشار اخبار مثبت و صحیح را بخشی از روند اقدام بانک‌های مرکزی برای کنترل انتظارات تورمی در بازارها بدانیم؟ آیا بانک‌های مرکزی در این زمینه نیاز به سیاست رسانه‌ای دارند؟

کنترل رسانه‌ها با هدف انتشار و تفسیر یک دستور کار گسترده که تمام جنبه‌های سیاست اقتصادی را پوشش می‌دهد، متفاوت است. سازمان‌های خبری باید تمام جنبه‌های دستور کار و جنبه‌های جدید را در صورت بروز پیدا کنند. یک سیاست رسانه‌ای توسط بانک‌های مرکزی که باعث انتشار گسترده برنامه‌ها در تمام جنبه‌ها می‌شود، یک ایده نوآورانه است. این امر باعث افزایش قابل توجه جریان اطلاعات در بین عموم مردم می‌شود که فراتر از انتشارات مطبوعاتی معمول و اعلامیه‌های رسمی سیاست است. به نوبه خود، گزارش‌های سازمان خبری می‌تواند مبتنی بر مضامین مقالات بانک مرکزی باشد و دامنه و افزونگی اطلاعات ارائه شده به مردم را افزایش دهد. به طور گسترده‌تر، ممیزی دامنه کامل مجموعه اطلاعاتی که می‌تواند در دسترس عموم قرار گیرد می‌تواند وظیفه یک انجمن حرفه‌ای باشد، نوعی هیات نظارت متشکل از روزنامه‌نگاران ارشد و اقتصاددانان دانشگاهی. مزیت افزودن بانک‌های مرکزی به عنوان منبع ارائه اطلاعات دقیق برای عموم مردم، در دسترس بودن گزارش‌های ظرفیتی است که جنبه‌های متعدد اقتصاد و سیاست پولی را پوشش می‌دهد. پنج دهه تحقیق شیوه تعیین دستور کار و صداها مطالعه از هر قاره، براهیمت تصاویر دقیق در اذهان عمومی تأکید می‌کند.

محمد مهدی رئیس‌زاده، مشاور بانکی اتاق بازرگانی ایران
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

رفع ناترازی بانک‌ها بدون هماهنگی همه دستگاه‌ها امکان‌پذیر نیست



- ناترازی در کل مجموعه‌های اقتصادی وجود دارد که نشان می‌دهد برای حل آن باید مسئله را فراقوه‌ای دید
- انتظار اینکه بانک مرکزی به تنهایی با ابزار نظارتی و پیشگیرانه جلوی ناترازی‌ها را بگیرد، انتظار نادرستی است
- برای حل ناترازی‌ها باید در جهت خروج از تورم‌های بالا سیاست‌گذاری و حرکت کرد

۲۳



اقتصاد تازه‌ها

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

سال‌های
متمادی بحث
افزایش سرمایه
بانک‌ها به
ویژه بانک‌های
دولتی مطرح
بوده، ولی
انجام نشده و در
نتیجه ابزاری که
می‌تواند به رفع
ناترازی کمک
کند به کار گرفته
نشد

شکی نیست که تسهیلات تکلیفی و
بارتأمین کسری بودجه دولت، یکی
از مشکلات عمده نظام بانکی ما و از
اصلی‌ترین دلایل ناترازی بانک‌های کشور
است. در کنار آن، عوامل دیگری نیز در
ناترازی بانک‌ها نقش دارند که کفایت
سرمایه نامناسب، ضعف مدیریتی و
ایرادات مدل‌های کسب و کار بانکی از آن
جمله‌اند. بانک مرکزی در دو سال گذشته
تاکید فراوانی بر حرکت به سمت اصلاح
نظام بانکی و پایان دادن به ناترازی‌ها
انجام داده و از طریق اقدامات نظارتی،
کنترل‌های ترانزنامه‌ای و انحلال موسسات
ناتراز، تلاش کرده تا نظام بانکی را به سمت
تراز شدن پیش‌تریش ببرد. در همین زمینه
با محمدمهدی رئیس‌زاده، مشاور بانکی
اتاق بازرگانی ایران به گفت‌وگو پرداختیم
که در ادامه می‌خوانید:

سال گذشته اقداماتی از سوی بانک مرکزی در قالب کنترل ترانزنامه نظام بانکی صورت گرفت. تا چه میزان کنترل ترانزنامه را در بهبود عملکرد بانک‌ها موثر می‌دانید؟

یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی نظارت بر
بانک‌های عامل و بخش عمده آن نیز نظارت
بر ترانزنامه است. اما علل بروز ناترازی باید
آسیب‌شناسی شود. یک مورد نسبت کفایت
سرمایه بانک‌هاست، سال‌های متمادی بحث
افزایش سرمایه بانک‌ها، به ویژه بانک‌های
دولتی مطرح بوده ولی انجام نشده و در نتیجه
ابزاری که می‌تواند به رفع ناترازی کمک کند،
به کار گرفته نشده است. دوم ارائه سرویس و
خدمات بانکی است که درآمدهای این بخش
متناسب با هزینه‌ها نیست. در همه جای دنیا
بانک‌ها واسطه مبادله پول هستند و هزینه و

کارمزدی که می‌گیرند متناسب با خدمتی است
که ارائه می‌دهند، اما در ایران کارمزدها پایین
است و درآمدهای بانک از این ناحیه آسیب
می‌بیند. نکته سوم این است که فعالیت‌هایی
عکس جریان سیستم بانکی دنیا در ایران انجام
می‌شود. در همه جای دنیا گردش و جوه خلق
اعتبار می‌کند، اما در ایران روال کار به نحوی
شده که تنها گردش و معدل موجودی کافی
نیست و رسوب موجودی هم باید باشد و این
کاملاً عکس جریانی است که باید در یک سیستم
بانکی وجود داشته باشد.

به عنوان اقدامات پیشگیرانه در بروز ناترازی‌ها، بانک مرکزی چه استانداردهایی را باید برای بانک‌ها پیش‌بینی کند؟

سیستم بانکی جدا از سیستم اقتصادی کشور
نیست، طی چند دهه تورم‌های بالایی را در
کشور شاهد هستیم که باید در جهت مبارزه با آن
حرکت کرد. تنها سیاست پولی نیست، سیاست
ارزی و مالی هم باید همراه باشد. متأسفانه
در سیستم اقتصادی ما اگرچه گفته می‌شود
همه یکپارچه و متحد هستند، اما بعضاً شاهد
هستیم که سازمان برنامه در تنظیم بودجه‌ها
و برنامه‌های پنج‌ساله حرف خودش را می‌زند
و وزارت اقتصاد که باید متولی اقتصاد باشد و
اتلاف بین سیستم پولی و مالی را برقرار کند،
نقشش در این مورد ضعیف است و یا بانک
مرکزی به دلیل محدودیت‌ها و تحریم‌هایی که
با آن مواجه است، در مورد سیاست‌های ارزی
جزیره‌ای عمل می‌کند.

کابینه اقتصادی باید در جهت یک هدف واحد
هم‌اندیشی و اقدام کنند، در غیر این‌صورت
نمی‌توان ناترازی بانک‌ها را بدون توجه به
سیاست‌های مالی، مالیاتی، بودجه‌ای و تجاری
برطرف کرد. ناترازی در کل مجموعه‌های
اقتصادی وجود دارد که نشان می‌دهد برای

بـرـش



علل بروز ناترازی بانک‌ها باید آسیب‌شناسی شود

یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی نظارت بر بانک‌های عامل و بخش عمده آن نیز نظارت
بر ترانزنامه است. اما علل بروز ناترازی باید آسیب‌شناسی شود. یک مورد نسبت کفایت
سرمایه بانک‌هاست، سال‌های متمادی بحث افزایش سرمایه بانک‌ها، به ویژه بانک‌های
دولتی مطرح بوده، ولی انجام نشده و در نتیجه ابزاری که می‌تواند به رفع ناترازی کمک
کند، به کار گرفته نشده است.



در ایران
کارمزدها
پایین است
و درآمدهای
بانک از این
ناحیه آسیب
می بیند



وقتی یکسری افراد با هوش بالا و مسلط به تئوری های روز به کار گرفته شوند که اندک تجربه بنگاه داری و بانکداری نداشته باشند، همین مسئله ایجاد مشکل می کند. باید در بخش آموزش و تجهیز نیروی بانک مرکزی سرمایه گذاری شود تا بتواند جوابگوی نیازهای کشور باشد. روی مسئله خروج از تحریم تاکید دارم، چرا که باعث می شود بسیاری از کارهایی که در آن محدودیت داریم را راحت تر انجام دهیم و با توجه به پتانسیلی که در نیروی انسانی تحصیل کرده کشور وجود دارد، می توانیم به گذشته که هاب و مرکز بانکداری منطقه بودیم برگردیم. آن زمان از کشورهای اطراف برای آموزش بانکداری به کشور ما می آمدند.

شفاف سازی عملکرد نظام بانکی چقدر در رفع ناترازی ها موثر است؟

یکی از مهم ترین مسائل، شفاف سازی و مبارزه با فساد است و تا زمانی که فساد در سیستم باشد همین مسائلی که رسانه ای می شود به وجود می آید. برای اینکه شفافیت ایجاد شود باید از تحریم خارج شویم، تا زمانی که در تحریم هستیم شفافیت ممکن است باعث استفاده دشمن شود. ابتدا مسئله تحریم باید حل شود، سپس بانک مرکزی تبدیل به یک اتاق شیشه ای شود تا مردم همه اطلاعات را ببینند که در این صورت از بروز فساد جلوگیری می شود و حل مسائل بعدی را به دنبال خواهد داشت.

حل آن باید مسئله را فراقوه ای دید. اینکه انتظار داشته باشیم بانک مرکزی به تنهایی با ابزار نظارتی و پیشگیرانه، جلوی ناترازی ها را بگیرد، آرزوی درستی نیست و باید در کنار بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه و تمام وزارتخانه های اقتصادی و در نهایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان قرار بگیرند و دست به دست هم دهند. همچنین باید سعی کنیم از حالت تحریم خارج شویم. دوزدن تحریم ها هزینه های زیادی را تحمیل می کند و زیان آن اول متوجه بخش خصوصی شده و سپس بنگاه های اقتصادی و خصولتی ها و نهادهای عمومی را نیز شامل می شود.

با توجه به شرایط موجود، اقداماتی که از سوی بانک مرکزی صورت گرفت، مانند انحلال موسسه نور، توسعه و کاسپین، چه اثراتی خواهد داشت؟

اینها قدم های مثبتی بود. باید به صورت آرام و تدریجی این اقدامات انجام شود و دقت کنیم جوی ایجاد نشود که به ناآرامی و نگرانی سپرده گذاران دامن بزند. باید با دوراندیشی، قبل از اینکه مسئله ای را رسانه ای کنیم، از همه جهات تصمیم گرفته شود. همچنین با توجه به تکنولوژی جدید باید بررسی کنیم که آیا این تعداد بانک و شعبه را نیاز داریم؟ کسانی که به عنوان ناظر در بانک مرکزی قرار می گیرند، باید دارای تجربه بانکی باشند.



سعید عسگرزاده، عضو اتاق بازرگانی ایران در گفت و گو با تازه های اقتصاد:

بانک مرکزی چوب جادو ندارد که مسائل را یکباره حل کند

- آنچه که اسمش را تثبیت می گذاریم به معنای ثابت شدن قیمت ارز در یک عدد خاص نیست
- نباید انتظار داشته باشید بانک مرکزی کل مسائل را بایک چوب جادو حل کند
- آقای فرزین و همکارانشان، استعداد، دانش و توانایی درک فوت کوزه گری را دارند



باید اقدامات
به شکلی باشد
که ضربه پذیری
اقتصاد از بازار
غیررسمی ارز به
حداقل ممکن
برسد

مثبت ارزیابی می کنید و اینکه ادامه این روند چقدر می تواند به بخش تولید کمک کند؟

آنچه که اسمش را تثبیت می گذاریم به معنای ثابت شدن قیمت ارز در یک عدد خاص نیست، مراد از تثبیت در وهله اول افزایش پیش بینی پذیری بازار ارز است، یعنی اینکه ما مدل های مختلف نرخ ارز را نداشته باشیم. حالا اینکه این نرخ کجا می ایستد، اتفاقا بانک مرکزی می خواهد مدیریت کند که جای درست خود قرار بگیرد و تأثیر زیادی در کالاهای مورد مصرف برای مردم نداشته باشد. حال اگر بخواهد این اتفاق بیفتد، یک رویکردی می خواهد. من فکر می کنم جای یک بخش هایی در کشور ما خالی است، شرکت هایی که خدمات مدیریت صادرات یا خدمات مدیریت واردات ارائه می دهند، جایشان خالی است. شاید اگر اینها بودند می توانستند خیلی به بانک مرکزی کمک کنند و می توانستند تقاضای ارز را برای واردات متمرکز کنند و یا با مصرف کننده نهایی بازارسازی می کردند، کاری که به نظرم در سازمان توسعه تجارت باید دنبال شود و امروز مغفول مانده است.

در راستای کاهش نوسانات نرخ ارز یکسری اقدامات صورت گرفت و در دستور کار بانک مرکزی است. اینگونه برنامه ها تا چه حد توانسته به قابلیت پیش بینی پذیر شدن بازارها کمک کند؟

حتما مؤثر بوده، ولی هنوز با ایده آل فاصله دارد. در کشور تورم بالایی داریم و در این شرایط بانک مرکزی بازیگر اصلی نیست، یعنی شما نباید انتظار داشته باشید بانک مرکزی کل مسئله را با یک چوب جادو حل کند. این کار، یک کار منسجم است و حاصل تلاش وزارتخانه های مهمی مثل وزارت امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و دستگاه های مرتبط با تولید و تجارت و مباحث مالی و اقتصادی در کنار بانک مرکزی به عنوان متولی بخش پولی و بانکی است. این چند اقدام با هم می تواند یک مقدار آن آرامش را در کسب و کار برای بازرگانان، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ایجاد کند که طبیعتا پیش بینی پذیری هم بعد از آن ایجاد خواهد شد.

بانک مرکزی به عنوان نهاد سیاست گذار در بازار پول و ارز کشور، برخی اقدامات پایه ای و اساسی را برای بهبود شرایط تجاری کشور در دو سال گذشته دنبال کرده است. از ایجاد مرکز مبادله ارز و طلا با رویکرد فعال سازی فرماندهی ارزی کشور تا تعیین نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی و دارو و همچنین تقویت همکاری ها با فعالان اقتصادی و تجاری کشور به منظور استخراج مهم ترین نیازهای آنها. مجموعه اقدامات بانک مرکزی در دوره اخیر، میزان پیش بینی پذیری و قابلیت برنامه ریزی برای بخش تجاری کشور را افزایش داده و به اعتقاد اغلب فعالان بخش خصوصی، تثبیت نرخ ارز و مهار نوسانات در این بازار، امکان برنامه ریزی بهتری را برای آنها فراهم کرده است. در این زمینه با سعید عسگرزاده، عضو اتاق بازرگانی ایران گفت و گویی انجام شده که در زیر می آید:

در یک سال اخیر بانک مرکزی تلاش کرده نقش فعال تری را در حمایت از تولید و توسعه صنعتی کشور داشته باشد، برخی اقدامات هم در راستای آرامش بخشی به بازار، خصوصا بازار ارز انجام شده است. به عنوان یک فعال اقتصادی، در خصوص عملکرد یک سال گذشته بانک مرکزی چه نظری دارید؟

بانک مرکزی حداقل در سال ۱۴۰۲ عملکرد قابل قبول و خوبی داشته است. شاید یکی از مهم ترین نکاتی که می توان به آن اشاره کرد، این است که درک خوبی از مناسبات کسب و کار و تولید داشت و به صورت مطلق در ارتباط با موضوعات تصمیم نگرفت. بیشترین درخواست فعالان اقتصادی این است که همین مدل عقلانیت کماکان بر بانک مرکزی حاکم باشد و کمک به رشد تولید از اولویت خارج نشود و سال ۱۴۰۳ نیز سال خوبی برای بخش تولید و تجارت باشد.

اقداماتی نظیر سیاست تثبیت را در کمک به توسعه صنعتی و گسترش تجارت کشور چقدر



بانک مرکزی
می خواهد
مدیریت کند که
نرخ ارز در جای
درست خود قرار
بگیرد

**یکی از اقداماتی که در
راستای کاهش هزینه های
تجار و تجمیع نیازهای ارزی
کشور صورت گرفت، ایجاد
مرکز مبادله ارز و طلا بود،
به نظر شما ایجاد فرماندهی
ارزی در این مرکز و حذف
تدریجی بازار غیررسمی تا
چه اندازه می تواند برای
فعالان اقتصادی نوعی اقدام
حمایتی باشد؟**

به نظر من اقدام خوبی است. وقتی
مشکلی برای ما پیش می آید، در راستای
برداشتن عواملی که آن مشکل را
ایجاد کرده تلاش نمی کنیم. همیشه
می خواهیم مشکل را حل کنیم، برای
حل مسئله فرمول ارائه کنیم، حتما اینها
حرکات خوبی هستند، ولی اینکه از اساس
ببینیم چرا این اتفاق افتاده و دنبال آن
مسئله اصلی برویم و حلش کنیم، قطعا
بدانید راه نجات کشور در تقویت تولید و
تجارت است. برخی مواقع پیشنهاداتی
برای بهبود امور در بخشی از اقتصاد ارائه
می شود، اما چون اقتصاد به شکل یک
اکوسیستم است، تاثیر تصمیمات در سایر
بخش ها نیز نمودار می شود.

**بانک مرکزی به دنبال این
است که اثر بازار غیررسمی
ارز را در اقتصاد ایران کاهش
دهد. حال اگر زمینه کمرنگ
شدن بازار غیررسمی ایجاد
نشود و اثر آن بر تولید افزایش
یابد، هزینه های آن چه
خواهد بود؟**

اگر بازاری ایجاد شود و اتفاقا از طرف جمعی

از مردم هم از آن استقبال شود و در قالب
بازار غیررسمی، کانال های تلگرامی ارز
و ...، خرید و فروش صورت بگیرد، باید
برای حذف آن، مردم را با ساختارهای
بازار رسمی ارز آشنا کنیم. اگر تفاوت نرخ ها
در بازار رسمی و غیررسمی معنادار شود،
می تواند آسیب بزند. بنابراین باید به
سمت حذف بازارهای غیررسمی در این
شرایط پیش برویم که قطعا مورد مخالفت
بخشی از واردکنندگان خواهد بود و هر
کسی که از این بازار نفعی داشته باشد و
یا موافق شفافیت نباشد، با آن مخالفت
خواهد کرد. بنابراین باید اقدامات به
شکلی باشد که ضربه پذیری اقتصاد از بازار
غیررسمی ارز به حداقل ممکن برسد. به
نظر می رسد آقای فرزین و همکارانشان،
استعداد، دانش و توانایی درک فوت
کوزه گری را دارند، فقط کافی است ما به
عنوان فعال اقتصادی، به عنوان کسی که
به صورت عملیاتی درگیر مسائل صادرات
و تجارت هستیم، نشانه هایی را بدهیم که
حواسشان را به این نکات جلب کنیم.

**توصیه یا پیشنهادی دارید که
چگونه نقش بانک مرکزی در
حمایت از تولید می تواند
افزایش پیدا کند؟**

در موضوعات مختلف امکان دارد یکسری
افرادی باشند که بیش از اندازه، مسائلشان
را پُررنگ و شلوغ می کنند. بانک مرکزی
باید این ذکاوت را داشته باشد که به کدام
حرف ها و بحث ها اهمیت بیشتری بدهد.
اگر بانک مرکزی می خواهد موفق شود، به
نظرم باید بیشتر به آن بخش هایی توجه
کند که بدون سروصدا، شلوغ کردن و اتهام
زدن می توانند به بانک مرکزی کمک کنند.

بُرش



تثبیت به معنی حذف مدل های مختلف نرخ ارز است

آنچه که اسمش را تثبیت می گذاریم، به معنای ثابت شدن قیمت ارز در یک عدد خاص
نیست، مراد از تثبیت در وهله اول افزایش پیش بینی پذیری بازار ارز است، یعنی اینکه
ما مدل های مختلف نرخ ارز را نداشته باشیم. حالا اینکه این نرخ کجا می ایستد، اتفاقا
بانک مرکزی می خواهد مدیریت کند که جای درست خود قرار بگیرد و تأثیر زیادی در
کالاهای مورد مصرف برای مردم نداشته باشد.

۲۸



اقتصاد

شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳

احمد عزیزی، مدیرعامل اسبق بانک های ملی و مسکن
در گفت و گو با تازه های اقتصاد:

دخالت در امور بانک مرکزی اثر بخشی سیاست ها را نابود می کند

- کوشش برای جلب اعتماد عمومی و افزایش اعتبار نهادهای مالی از جمله بانک مرکزی از واجبات است
- کسی نمی تواند و نباید در امور و شئون بانک مرکزی، دخالت عملیاتی داشته باشد
- در سرمایه گذاری خارجی به عنوان یک پیش نیاز، اعتبار نهادهای سیاست گذار اقتصادی مطرح است



وجود
مشکلات در
سیاست‌گذاری
اثربخشی
استفاده از
مدیریت
ترازنامه را
محدود می‌کند

بانک مرکزی در هر کشوری به عنوان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نهاد سیاست‌گذار در بازار پول و ارز مطرح است و در صورت لطمه دیدن اعتبار و استقلال بانک مرکزی، امکان اعمال کنترل‌های مهم در اقتصاد از جمله کنترل نرخ تورم، نرخ ارز و ... از بین خواهد رفت و آسیب عدم امکان انجام وظایف و مأموریت‌های بانک مرکزی، به کل اقتصاد وارد خواهد شد. بنابراین در اغلب کشورها، حريم تخصصی و نحوه تصمیم‌گیری بانک مرکزی برای استفاده از ابزارها و شیوه‌ها به منظور نیل به اهداف، مورد احترام است. با این وجود، دخالت‌های غیرتخصصی، تحمیل مقررات و دستورالعمل‌ها و یا انواع تسهیلات تکلیفی و اقدام به تعیین شیوه عمل برای نظام بانکی، به اعتبار و کارکرد بانک مرکزی لطمه خواهد زد. در این زمینه با احمد عزیزی، مدیرعامل اسبق بانک‌های ملی و مسکن کشور گفت‌وگویی انجام شده که در زیرمی‌آید:

از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری پولی و ارزی کشور، دخالت در امور بانک مرکزی و فشار برای محدود کردن این نهاد کلیدی است. آسیب‌ها و هزینه‌های خروج بانک مرکزی از ریل سیاست‌گذاری را چه می‌دانید؟

به طور خلاصه می‌توان گفت که در این زمینه جهان به یک اجماع نسبتاً مطلق رسیده است. اجماع اجمالی نیست که بگوییم اما و اگر و شاید و این چیزها در آن باشد. معلوم است نهاد سیاست‌گذار پولی، مسئول ثبات پولی و مالی کشور است و اینها خیلی مشخص است که چه مشخصاتی باید داشته باشند و نداشتن آن مشخصات که فی‌الجمله استقلال، توانایی نهادی، اعتبار نهادی، توانایی سازمانی، ساختاری و تحلیلی و خلاصه جلو رفتن با مقتضیات روز است، چه آسیب‌هایی خواهد داشت. از این بین، اینهایی که عرض کردم کم و بیش ترتیب و توالی دارند و شرط اول و مهم‌ترین، همان استقلال بانک مرکزی است که اگر تأمین نشود، به طور مختصر می‌توان گفت دچار مشکل خواهیم شد.

تا چه میزان اصلاح قانون بانک مرکزی را موثر می‌دانید و آیا بانک مرکزی از این طریق، امکان مدیریت بهتری در بازار پول و ارز کشور به دست خواهد آورد؟

من از جمله کسانی هستم که کم و بیش در این فرایند (اصلاح قانون بانک مرکزی)، توسط اشخاص مختلف من جمله خود بانک مرکزی مورد مشورت بوده‌ام و نظراتم را عرض کردم و به طور خلاصه معتقد هستم که این قانون، قانون مناسبی برای برآورده کردن نیازهای یک بانک مرکزی مناسب و نسبتاً مستقل نیست و اولیای قانون‌گذاری کشور هم در قبال و معرض این سوال و این ایراد بنده که قرار گرفتند، نظرشان این است که قانون اساسی موجود کشور اجازه استقلال مرسوم و متداول بانک مرکزی را نمی‌دهد. البته یک جاهایی اختیارات بانک مرکزی افزایش پیدا کرده است، مثلاً مهم‌ترین آن در بخش نظارت بر بانک‌ها است به این معنا که به تأمین ثبات مالی بانک‌ها کمک شود و همچنین یک بخشی از بازار مالی، یعنی بازار پول که باید زیر نظر بانک مرکزی باشد. البته در زمینه استقلال بانک مرکزی، کاملاً بانک را وابسته به نهادهای بالادستی دولتی و مراجعی که اتفاقاً باید از آنها مستقل باشد، قرار می‌دهد. در زمینه استفاده از ابزار کنترل ترازنامه نیز باید گفت که گرچه موفقیت‌هایی در این زمینه حاصل شده است، ولی به موازات آن مشکلاتی که در مدیریت و سیاست‌گذاری بخش پولی کشور وجود داشته است، حتی اثربخشی استفاده از مدیریت ترازنامه را هم محدود می‌کند و اگر بخواهیم از این مشکلات نام ببریم، انواع و اقسام دخالت‌ها و سیاست‌های دستوری که به نظام بانکی تحمیل می‌شود، قابل ذکر است.

به نظر شما آیا می‌شود گفت در صورت تقویت اعتبار و شهرت بانک مرکزی، میزان جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز افزایش پیدا خواهد کرد؟

پاسخ اجمالی به این سوال حتماً مثبت است و ولی این باید در خود سیاست جذب سرمایه خارجی و در ذیل آن سیاست‌گذاری تعریف شود. در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یک پیش‌نیاز، اعتبار نهادهای سیاست‌گذار اقتصادی وجود دارد و اگر این اعتبار و اعتماد تأمین شود، در حقیقت جذب سرمایه خارجی محصول فرعی آن

تجدید نظر در
ساختار
روش ها
سیستم ها
ابزارهای مورد
استفاده و
نزدیک شدن
به روش های
مرسوم و
متداول
بین المللی
اعتبار بانک
مرکزی را تقویت
می کند

و سیاست گذاری پولی و نحوه انتقال این سیاست ها به بدنه بخش پولی، مالی و بانکی کشور را نیز باید خود انتخاب کند، حتی اگر ما بخواهیم یک گام پیش تر برویم، علاوه بر بازار پول، باید بازار سرمایه برای ثبات نهایی و حفظ ثبات بازارها، به صورت یکپارچه با بازار پول و نهادهای پولی یک جا دیده شوند، چون بین آنها می تواند دادوستد و بده بستان وجود داشته باشد، چیزی که در ادبیات تخصصی به آن آربیتراژ می گوئیم. بنابراین اگر بانک مرکزی هدف تورم را تامین کرد، دیگر ما کاری نداریم به اینکه چه ابزاری را دارد استفاده می کند و اگر تامین نکرد، تیم مدیریتی اش را تغییر می دهیم که هدف تورمی را بتوانیم تامین کنیم. در حقیقت همه تکالیف، دستورات دیگر و دخالت های دیگری که دارد انجام می شود، بی مورد و ناصواب است. کسی نمی تواند و نباید در امور و شئون بانک مرکزی، دخالت عملیاتی داشته باشد. استقلال بانک مرکزی حداقل به معنای استقلال مطلق عملیاتی بانک مرکزی در انتخاب روش ها و ابزارهای رسیدن به هدف است، بله، هدف را می تواند دولت تعیین کند و بانک مرکزی پاسخگو است و باید نسبت به آن اهداف پاسخگو نیز باشد، در نتیجه پاسخگو و دموکراتیک بودن نهاد پولی و بانک مرکزی اینطور می تواند تامین شود، ولی ما داریم روزمره در همه شئون نظام بانکی و بانک مرکزی دخالت می کنیم و تمام ایرادات و در حقیقت سرریز همه مشکلات مدیریتی و غیرمدیریتی کشور را روی دوش بانک مرکزی و نهادهای بانکی می گذاریم.

توصیه شما به بانک مرکزی در راستای تقویت اعتبار و جایگاه این نهاد و جذب اعتماد عمومی به طور کلی چه می تواند باشد؟

من توصیه تجدید نظر در ساختار، روش ها، سیستم ها، ابزارهای مورد استفاده و نزدیک شدن به روش های مرسوم و متداول بین المللی از جمله استانداردهای بین المللی، استانداردهای گزارشگری مالی، استانداردهای ضد پولشویی و انواع و اقسام استانداردهای حتی داوطلبانه ای که در نظام بانکی جهان و حتی کشورهای اسلامی مانند ترکیه و مالزی و... را دارم. ولی در هر شرایطی، اصلاح جزئی هم می تواند باعث تقویت اعتبار بانک مرکزی شود و بانک مرکزی برای تقویت توان سازمانی و تحلیلی خود موارد بسیاری وجود دارد که می تواند انجام دهد.

خواهد بود و طبیعی است وقتی که در بقیه وظایف مانند کنترل تورم و ثبات نهادهای مالی، ثبات بازارهای مالی و... دچار نقصان و ضعف باشیم در این بخش دچار مشکل خواهیم شد. به دلیل وجود مشکلات مختلف، در رتبه بندی نسبت به بقیه موارد، فعلا موارد مقدم تر و مهم تر از اعتبار بانک مرکزی و بانک ها وجود دارد. بنابراین در اولویت های اول، اقدامات دیگری نیاز است که بعدا نوبت به اعتبار بانک مرکزی برسد. البته فارغ از همه شرایط بین المللی و داخلی، هر نکته مثبتی هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم دارد، در نتیجه کوشش برای جلب اعتماد عمومی و افزایش اعتبار نهادهای مالی از جمله بانک مرکزی از واجبات است.

نقش مجلس و ارکان مختلف دولت را در راستای تقویت اعتبار و جایگاه بانک مرکزی چگونه می بینید؟

به نظر من، کلا مراجع بیرونی در اظهارات یا سیاست گذاری ها و تصمیم ها، باعث نقصان اعتبار بانک مرکزی می شوند. تجربه بنده این است که ما نهاد بسیار مهمی مثل بانک مرکزی را داریم، ولی نهادهای دیگر حاکمیتی به این نهاد نه اعتماد دارند و نه احترام می گذارند و در حقیقت شیوه رفتار کشور با نظام بانکی و به خصوص بانک مرکزی، یک حالت بدوی و ابتدایی به خودش گرفته است. البته منظور بنده این نیست که بانک مرکزی پاسخگو نباشد، ولی پاسخگویی بانک مرکزی یک روش و رسم و استاندارد در دنیا دارد و آن هم خلاصه می شود در اینکه اهداف را برای بانک مرکزی تعیین کنند و عملیات و استقلال عملیاتی کامل به بانک مرکزی، برای نیل به این اهداف داده شود.

نهادهایی در اجزای عملیاتی که در صلاحیت بانک مرکزی است و در صلاحیت تخصصی، علمی و حتی قانونی آنها نیست، دخالت می کنند و خیلی وقت ها قانونا هم چنین صلاحیتی را ندارند، اما انواع دخالت ها را می کنند و در حقیقت بانک مرکزی یک نهادی شده است برای سرریز همه مشکلات و ایراداتی که نهادهای دیگر دارند. اگر اعتبار بانک مرکزی بخواهد احیا شود، باید در امور عملیاتی بانک مرکزی و نظام بانکی هیچ دخالتی صورت نگیرد. فقط می توانند به بانک مرکزی بگویند که تورم باید کنترل شود، بعد باید بانک مرکزی آن را جواب بدهد و برای اینکه به آن برسد باید ابزارها را خودش انتخاب کند، شیوه مدیریت



بانک مرکزی به خوبی بحران‌ها را مدیریت کرد



محسن احتشام

عضو اتاق بازرگانی ایران

را ایجاد کند و نباید از بانک مرکزی برای این کار توقع داشته باشیم. در مجموع به عنوان یک فعال اقتصادی معتقدم با توجه به شرایط سختی که در پیش بوده، بانک مرکزی عملکرد خوبی داشته و وضعیت را به خوبی مدیریت کرده است. تا زمانی که فعال اقتصادی نتواند به راحتی در بازارهای جهانی پولی جابه جاکند، ایجاد تغییرات عمده در مراودات سخت است و تراز تجاری کشور واقعیت‌های زیادی را نشان می‌دهد. با این حال، بانک مرکزی در این شرایط سخت سیاسی و اقتصادی کشور، جلوی خیلی از هیجانات را گرفت که می‌توانست نرخ ارز را به صورت هیجانی نوسان دهد. اما باید این موضوع را نیز در نظر گرفت که تفاوت نرخ ارز نمایانگر نرخ مرکز مبادله ارزی با نرخ بازار ارز زیاد است که این اختلاف زیاد نرخ ارز در این بازارها، مشکلات زیادی را برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده و باید فاصله نرخ مرکز مبادله با نرخ بازار کاهش پیدا کند. از طرفی نیز باید اجازه واردات بیشتری به صادرکنندگان کالاهای استراتژیک داد تا صادرکننده بتواند با ارز صادراتی خود کالاهای بیشتری را وارد کند و واردات کالاهایی در حیطه فعالیت کاری و محصول صادراتی خود انجام دهد، با تنوع بخشی به روش‌های برگشت ارز حاصل از صادرات می‌توان به صادرکنندگان کمک بیشتری کرد. با این شرایط بهترین سیاستی که بانک مرکزی می‌تواند اعمال کند این است که تفاوت نرخ ارز را از بین ببرد، اکنون امکان تک نرخ کردن ارز فراهم نیست، اما با کاهش فاصله نرخ ارز بین مرکز مبادله و بازار کمک زیادی به صادرکنندگان می‌شود. در حال حاضر، قیمت‌ها با نرخ بازار سنجیده می‌شود و با نرخ مرکز مبادله سنجیده نمی‌شود، این واقعیتی است که باید براساس آنها تصمیم‌گیری کرد. اگر در کنار این موارد، جلسات بانک مرکزی با بخش خصوصی افزایش پیدا کند و تعامل و هم‌افزایی بین آنها بالا برود، قطعاً شاهد رفع بسیاری از مشکلات اقتصادی خواهیم بود. بهترین کاری که بانک مرکزی می‌تواند انجام دهد ثبات نرخ ارز است، ثبات نرخ ارز بهترین گزینه برای پیش‌بینی آینده، سرمایه‌گذاری و صادرات است. بانک مرکزی برای برگشت ارز حاصل از صادرات نیز باید در تعدادی از کشورها تسهیلاتی ایجاد کند تا صادرکننده ارز خود را در آنجا به کارگزار بانک مرکزی تحویل و در کشور ریال آن را دریافت کند.

بانک مرکزی با وجود مشکلاتی که در حوزه اقتصادی وجود داشته، توانسته به خوبی اوضاع را مدیریت کند. توقعات صادرکنندگان، واردکنندگان و فعالان اقتصادی به جاست، اما همه ما باید شرایط را درک کنیم و قضاوت منصفانه‌ای داشته باشیم. بانک مرکزی خیلی خوب توانست بحران‌هایی که در اثر تنش‌های سیاسی ایجاد شد را مدیریت و از افزایش هیجانی قیمت ارز تا جای ممکن جلوگیری کند. طبق اصل مهم مدیریتی که اصل وحدت فرماندهی است، فرمانده سیاست پولی و ارزی باید بانک مرکزی باشد. گاهی افرادی غیرمتخصص در این زمینه‌ها اظهار نظر می‌کنند که به بازار هیجان می‌دهند و فعالان اقتصادی را دچار مشکلات می‌کنند. ما خواهان ثبات نرخ ارز و شرایط اقتصادی هستیم و در شرایط ثبات می‌توانیم سرمایه‌گذاری و صادرات کنیم و حتی سرمایه‌گذار نیز دعوت کنیم. از بانک مرکزی می‌خواهیم با وجود مشکلات زیادی که فعالان اقتصادی در حوزه داخلی و بین‌المللی دارند، درباره عملکرد آنها منصفانه و براساس واقعیت‌ها قضاوت کند. روش‌های برگشت ارز حاصل از صادرات با بسته بودن مراودات بانکی، کاری نشدنی است و مسئولان بانک مرکزی باید فکری اساسی برای رفع این مشکل کنند. روش‌های برگشت ارز حاصل از صادرات در بخش کشاورزی به خصوص زعفران که با معاش بیش از ۷۵۰ هزار خانواده در حاشیه کویر سروکار دارد، با مشکلات زیادی مواجه است. رقبای زیادی از جمله کشور افغانستان وارد خرچ تولید و بازار زعفران شده اند و بخشی از زعفران ایران به دلیل محدودیت‌های بانکی کشور، به نام افغانستان به کشورهای دیگر صادر می‌شود، بازار پسته نیز مانند زعفران وضعیت خوبی ندارد. فعالان اقتصادی خواهان تجدیدنظر در روش‌های برگشت ارز حاصل از صادرات محصولات کشاورزی هستند تا از زیست‌بوم کشور بازگردد، حذف محدودیت‌ها از سوی بانک مرکزی، می‌تواند ارزآوری بیشتری برای کشور داشته باشد. در حال حاضر، بانک مرکزی شرایط بسیار سختی را مدیریت می‌کند و تأمین ارز و نقدینگی واحدهای تولیدی توسط بانک مرکزی برای این نهاد مشکلات و چالش‌های زیادی دارد. نقدینگی این روزها به جای تولید و صادرات به بخش‌های غیرمولد مانند ملک و سکه سرانبرشته و وزارت امور اقتصادی و دارایی باید انگیزه برای ورود نقدینگی به بخش‌های مولد

بانک مرکزی برای تحقق اهداف خود نیاز به استقلال دارد

- منطق اقتصادی تصمیمات بانک مرکزی نباید از طریق افرادی خارج از بانک تحت الشعاع قرار بگیرد
- نبود اختیارات کافی، بانک مرکزی را در اجرای برنامه‌ها با مشکل مواجه می‌کند
- دولت و مجلس نباید استقلال بانک مرکزی را زیر سوال ببرند

سیدعزیز آرمن

اقتصاددان



بخواید در این چارچوب‌ها و ساختارهای موجود هم عمل کنید، نیاز به استقلال تصمیم‌گیری دارد.

آنطور که مشاهده می‌شود، استقلال در بانک مرکزی ما بسیار اندک و تحت الشعاع همان دستورات بیرونی است و خود این کمبود اختیار، بانک مرکزی را در اجرا با مشکل مواجه می‌کند که یک نمونه آن بحث تسهیلات تکلیفی و معوقات بانکی است که حجم بالایی دارد. بحث دیگر اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی است که به همان عدم استقلال بر می‌گردد، یعنی اگر مدیران موجود بانک مرکزی هم کاملاً متخصص و عزم‌شان برای اجرای قانون جزم باشد، باز هم نمی‌توانند از عهده شرایطی که به آنها تحمیل می‌شود برآیند.

دولت و مجلس نباید استقلال بانک مرکزی را زیر سوال ببرند. بانک مرکزی باید در چارچوب آن اهدافی که در برنامه آمده است، دستش باز باشد، اگر قانون یا دستوری برخلاف آزادی عمل بانک مرکزی باشد و از طرف مجلس یا دولت تحمیل شود، نه تنها اعتبار بانک مرکزی را زیر سوال می‌برد بلکه کارایی آن را نیز خدشه‌دار می‌کند.

به طور کلی، یکی از مبانی نظری ایجاد بانک مرکزی در کشورهای مختلف از همان ابتدا، استقلال بانک مرکزی عنوان شده است، به این دلیل که کنترل تورم به عنوان مهم‌ترین هدف و وظیفه بانک مرکزی، موضوعی کاملاً تخصصی است و دستوری نمی‌تواند انجام شود.

شاید هیچ بانک مرکزی در جهان استقلال مطلق نداشته باشد و بانک‌های مرکزی تحت تأثیر مصالح کشورها و حاکمیت‌ها، سیاست‌گذاری می‌کنند، اما باید خواسته‌های حاکمیت در چارچوب امکانات بانک مرکزی باشد تا سیاست‌گذار هم بنا بر تخصص و با استفاده از ابزار در اختیار خود، بتواند به آن پاسخ دهد.

حال اگر کسی بخواید از بیرون سیستم بانک مرکزی، آن چارچوب نظری را تغییر داده و منطق اقتصادی را تحت الشعاع قرار دهد، خود به خود معضلات زیادی پیش می‌آید، از جمله همین مشکلاتی که ما الان کم و بیش با آنها مواجه هستیم، البته همه معضلاتی که با آن مواجه هستیم چه تورم یا بحث نوسانات زیاد نرخ ارز، ناشی از استقلال یا عدم استقلال نیست، عوامل ساختاری دیگری هم وجود دارد، ولی بالاخره با وجود آن عوامل ساختاری، اگر بانک مرکزی

۳۳



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

زمان بازسازی وجهه بانک مرکزی است

- یک سیاست درست اقتصادی اگر توسط بانک مرکزی بی اعتبار انجام شود، حتما با شکست مواجه خواهد شد
- بانک مرکزی اهداف نه چندان بزرگ قابل تحقق را مورد توجه قرار دهد، تا به کمک آن اعتبار خود را بالا ببرد

علی نادری شاهی

پژوهشگر حوزه پول و بانک



اعتماد و سرمایه گذاری می کند، اما اگر در همان سیاست های ارزی نوسانات شدیدی وجود داشته باشد، ریسک سرمایه گذار داخلی و خارجی را بالا می برد.

یک بانک مرکزی معتبر می تواند انتظارات را در جامعه شکل دهد، اما وقتی افرادی وجهه و اعتباری دارند، اما در زمینه ای تخصص ندارند و درباره اش صحبت می کنند، مردم را تحت تاثیر قرار می دهند و کسانی که دنبال کننده آن فرد هستند، معمولاً دچار خطا می شوند. در نتیجه انتظاراتی به نحو اشتباه و ناقصی شکل می گیرد که این انتظارات اشتباه به دلیل اعتباری که آن افراد دارند، منجر به تحقق برخی اتفاقات در اقتصاد کلان به صورت واقعی می شود و این کار بانک مرکزی را که می خواهد بر اساس اصولی پیش برود، دچار آسیب می کند.

یکی از مواردی که اعتبار بانک مرکزی را از بین می برد، نوسانات ارزی است. فارغ از اینکه قیمت ارز چقدر باشد، در صورت نوسانات شدید و بی ثباتی بازار نمی توان اعتبار بانک مرکزی را زیاد کرد. بانک مرکزی نیاز دارد که یک دوره ای ثبات ایجاد شود و در آن دوره ثبات به بازسازی وجهه خود بپردازد. در دوره پرتلاطم راهکاری که به نظر می رسد قدم های کوچکی است که تحقق آن دور از دسترس نیست، چرا که محقق نشدن وعده ها تیشه ای بر اعتبار بانک مرکزی است. بهترین کار این است بانک مرکزی اهداف قابل تحقق نه چندان بزرگ را مورد توجه قرار دهد.

شرط بسیار مهم اثرگذاری سیاست های بانک مرکزی اعتباری است که رئیس کل و مجموعه نهاد باید داشته باشند. یک سیاست درست اقتصادی که حتی همه اقتصاددان ها بر آن اجماع داشته باشند، اما توسط بانک مرکزی بی اعتبار انجام شود، حتماً با شکست مواجه خواهد شد. اعتبار بانک مرکزی در بلندمدت به این دلیل دچار خدشه می شود که سخنانی از بانک مرکزی شنیده می شود که در عمل خلاف آن اتفاق می افتد. بنابراین به تدریج فعالان اقتصادی به این نتیجه می رسند که صحبت های مسئولان بانک مرکزی را نباید جدی گرفت. طبیعتاً برگرداندن اعتبار از دست رفته سخت است و باید به تدریج برگردد. اصلاحات کوچک و هدف گذاری های نه چندان بزرگ که بانک مرکزی بتواند به آن اهداف برسد، راه حل این مسئله است. اگر رئیس بانک مرکزی بگوید تورم ۵۰ درصد سال بعد ۱۰ درصد خواهد شد، قدم بزرگی است که انجام نمی شود و اعتبار را متزلزل تر می کند، اما کاهش تورم ۵۰ درصد به ۱۰ درصد طی سه چهار سال با ارائه برنامه معقول است و در بلندمدت امکان رخ دادن آن وجود دارد.

اگر اعتبار بانک مرکزی کشور بیشتر باشد، علاوه بر فعالان اقتصادی، سرمایه گذاران خارجی هم بیشتر اعتماد می کنند. اگر بانک مرکزی سیاست ارزی را اعلام کند که پایدار باشد و خود بانک مرکزی هم یک نهاد معتبر باشد که بتوان روی آن حساب کرد، سرمایه گذار خارجی هم

۳۴



● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

نرخ تلگرامی دلار ملاک عمل نیست

- بانک مرکزی باید بتواند بخش غیراقتصادی بازار ارز را کمرنگ کند
- با خروج بخش غیراقتصادی، رفتار متقاضیان واقعی مانند تولیدکنندگان و تجار در بازار قابل پیش بینی خواهد بود
- ابزارهایی مانند نرخ بهره، انتشار اوراق، سرمایه گذاری در مسکن و لیزینگ ها را می توان برای خروج نقدینگی از بازار ارز استفاده کرد

سیاوش غیبی پور

کارشناس اقتصادی



مرکزی نیز تاثیرگذار است و نرخ بهره یک متغیر بسیار مهم در تغییرات نرخ ارز است که گاهی می تواند اهرم مثبت و گاهی منفی باشد. متغیر پنهانی در ارز داریم که بخش غیراقتصادی جامعه است، افرادی که ارز نیاز ندارند، اما وقتی التهاب ایجاد می شود بخشی از اموال و سپرده های خود را به ارز تبدیل می کنند. اگر بانک مرکزی بتواند این بخش غیراقتصادی بازار ارز را کمرنگ کند و مشوق هایی مانند نرخ بهره و اوراق، سپرده گذاری بلندمدت و کوتاه مدت و سرمایه گذاری در مسکن و لیزینگ ها را ایجاد کند، متقاضیان واقعی مانند تولیدکنندگان و تجار در یک محدوده خاصی رفتارشان قابل پیش بینی است. از سوی دیگر، بانک مرکزی باید ثبات در تصمیم گیری داشته باشد. درست است یکسری از تصمیمات آتی و ضربتی است، اما قوانینی که قبلاً وضع کرده اند، باید با ثبات باشد. در اینستاگرام و تلگرام هر روز قیمت دلار را اعلام می کنند، اما این قیمت گذاری ها معمولاً واقعی نیست. مراجعی که قیمت گذاری می کنند باید اصالت داشته باشند، تا بتوان به آن استناد کرد.

ارزش گذاری ارز همواره به سه عامل تولید داخلی، نرخ تورم و شرایط خارج از کشور، یعنی مبادلات سیاسی و اقتصادی بستگی دارد. اصولاً به طور سنتی می گوئیم عرضه و تقاضا قیمت تعادلی ایجاد می کند، اما ارزش گذاری بسیاری از کالاها در نظام چهاربخشی که شامل خانوار، بنگاه اقتصادی، دولت و بخش خارجی است، شکل می گیرد و هر کدام از این عوامل می تواند اثرات کاهشی و افزایشی بر قیمت ها داشته باشد.

اقتصاد ما نفتی و دولتی است و نوسان قیمت نفت از اهرم های اساسی تعیین نرخ ارز است. در سال هایی که تقاضای جهانی برای نفت بالا بوده شرایط مطلوبی داشتیم، اما وقتی به ساختار داخلی و کارکرد صادرات غیرنفتی برمی گردیم توانمندی رقابت با کشورها را نداریم و مشکلات ایجاد می شود. جنگ و تحریم تاثیرات مستقیم بر ارز دارند و می توانند ارزش پول ملی ما را کاهش و افزایش دهند. در شرایط فعلی کارکردهایی که می تواند نرخ ارز را تعیین کند، یکی ساختار بودجه ای کشور است و میزان کسری بودجه می تواند بر تعادل پولی موثر باشد. سیاست های بانک



علی درویشی، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

مسیرهای سلطه مالی بر بانک مرکزی باید مسدود شود

- رابطه ارزی بانک مرکزی و دولت باید قطع شود تا جلوگیری از سلطه مالی از این مجرای پیگیری شود
- تعیین نرخ سود بانکی و بین بانکی باید به طور کامل به کمیته بازار باز بانک مرکزی سپرده و هرگونه تعیین نرخ سود توسط هر شورای بالادستی ممنوع شود
- در دوراهی سخت و ناگزیر انتخاب بین افزایش بدهی دولت یا بانک‌ها به بانک مرکزی، قاعدتا مورد اول کم‌هزینه‌تر است
- هماهنگی سیاست‌گذار تجاری با سیاست‌گذار پولی-ارزی باید تنگاتنگ و در مدار پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای کشور باشد



۳۶



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

یکی از راه‌های دستیابی به سیاست‌های پولی موثر این است که سیاست پولی و مالی در راستای انضباط بخشیدن به سیاست مالی دولت با هم هماهنگ باشد. دیگر راهکار مهم در اصلاح جهت‌گیری سیاست پولی، اولویت دادن به هدف تورمی در تنظیم سیاست‌های پولی و پاسخگو شدن بانک مرکزی در تحقق هدف تورمی است. اصلاح نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی بانک‌ها و گذر به شرایط رقابت و مکانیسم بازار از جمله راهکارهای دیگری است که در اصلاح جهت‌گیری سیاست پولی مورد توجه قرار می‌گیرد. بهبود ابزارهای اعتباری بین‌بانکی و تقویت بازار بین‌بانکی، تقویت نظارت بانک مرکزی در مدیریت منابع و مصارف بانک‌ها به ویژه در تسهیلات دهی بانک‌ها به بخش‌های مختلف بر اساس بازدهی و توجیه اقتصادی فعالیت‌های اقتصادی، ساماندهی بازار پول و موسسه‌های اعتباری و تقویت نظارت بانک مرکزی بر عملکرد این موسسات از مهم‌ترین اقدامات ضروری در این مسیر است. در همین زمینه با علی درویشی، کارشناس مسائل اقتصادی به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید:

نقش و جایگاه سیاست‌گذاری پولی در اقتصاد ایران بر کسی پوشیده نیست و این مهم بر عهده بانک مرکزی است. نکته مهم و چالش‌برانگیز، عدم هماهنگی سایر سیاست‌ها با سیاست پولی است. در این زمینه چه باید کرد؟

جهت افزایش اختیارات، اثرگذاری و قدرت اجرایی بانک مرکزی در حوزه تدوین و اجرای سیاست‌های پولی، لازم است تا در ابتدا برخی اختیارات پولی از نهاد بالادستی و گاه موازی شورای پول و اعتبار گرفته شود و به صورت دائمی به شورایی متشکل از تعدادی اقتصاددان خبره پولی تحت عنوان کمیته سیاست پولی (مانند کمیته بازار باز در بسیاری از کشورها) در بانک مرکزی اعطا شود. از سوی دیگر به علت اهمیت بسیار زیاد سیاست ارزی در ایران، تمرکز در تصمیم‌گیری برای حوزه‌های ارزی و پولی از امور واجب و بسیار لازم برای افزایش استقلال بانک مرکزی و کاهش اثرپذیری آن از تصمیم‌های

احتمالی در بخش‌های دیگر حاکمیت است. در حقیقت بانک مرکزی باید نهادی مستقل، با بدنه کاملاً کارشناسی و مدیریت مقتدر و آگاه به امور باشد. تنها در این زمان است که بانک مرکزی با توجه به اختیارات تام و تمام در حوزه پول و ارز، وظیفه پاسخگویی به هر آنچه که در این حوزه رخ می‌دهد را دارد (تناسب بین اختیارات و وظائف).

در اقتصاد ایران علاوه بر سیاست پولی، سیاست مالی نیز داریم که باید با سیاست پولی هم‌راستا و مکمل قرار گیرد. اگر این دو بال سیاست‌گذاری بر ضد هم عمل کنند، چه هزینه‌هایی برای اقتصاد ایران به همراه خواهد داشت؟

در ابتدا بیان این نکته خالی از لطف نیست که اگر سیاست‌های پولی و مالی در زمان‌هایی خاص در جهت خلاف یکدیگر حرکت کنند، لزوماً به معنای اعوجاج و ناهماهنگی نیست، چرا که می‌تواند طبق برنامه‌ای از پیش تعیین شده و با هدفی خاص اجرا شده باشد. مشکل آنجایی است که هیچ هماهنگی بین دولت (سازمان برنامه و بودجه و یا وزارت اقتصاد) به عنوان نهادهای متولی سیاست مالی و بانک مرکزی به عنوان نهاد متولی سیاست پولی مشاهده نشود و هر کدام جزیره‌ای عمل کنند. اولین مشکلی که در این زمان به وجود می‌آید، خنثی شدن یک سیاست توسط سیاست دیگر است. برای مثال، اجرای سیاست افزایش نرخ سود در زمان اوج انتشار اوراق دولتی توسط نهاد سیاست‌گذار پولی، نه تنها جذابیت این اوراق و اسناد حاکمیتی را در بازار کاهش می‌دهد، هزینه تمام‌شده تأمین مالی دولت را به شدت افزایش داده (چرا که عملاً نرخ بهره حقیقی به سمت مثبت‌تر شدن پیش رفته است) و دولت بیش از پیش با مشکل کسری بودجه خود دست به گریبان می‌شود. مثال دیگر، فشار گاه و بی‌گاه دولت به بانک‌های دولتی یا نیمه‌دولتی در جهت اعطای تسهیلات تکلیفی بابت موارد متعدد تعهدات دولت است. این فشار از سمت دولت به بانک‌ها، کسری ذخایر بانک‌ها در بازار بین‌بانکی را موجب شده، در صورت نبود بانک‌های دیگری برای کمک به بانک‌های درگیر، آنها مجبور به استقرار از بانک مرکزی در سقف کریدور نرخ بهره (گرانترین حالت ممکن استقراض در بازار

تمرکز در تصمیم‌گیری برای حوزه‌های ارزی و پولی از امور واجب و بسیار لازم برای افزایش استقلال بانک مرکزی و کاهش اثرپذیری آن از تصمیم‌های احتمالی در بخش‌های دیگر حاکمیت است



الزام بانک
مرکزی به خرید
هرگونه ارزی از
دولت، جز
به خواست خود
بانک مرکزی
و صلاحدید
کمیته
سیاست پولی
وارزی، باید
ممنوع شود

بین بانکی) می شوند که به شدت شکنندگی
این گروه از بانک ها را افزایش می دهد. اینها
نمونه هایی از چندین اثر منفی این عدم
هماهنگی در اقتصاد است.

**اغلب درباره سلطه
سیاست های مالی بر
سیاست های پولی سخن گفته
می شود. کسری بودجه و فشار
به بانک ها برای جبران آن،
تسهیلات تکلیفی به بانک ها،
دستور تغییر نرخ تسهیلات و...
از جمله مسائلی است که عنوان
می شود از ناحیه سلطه سیاست
مالی بر پولی وارد می شود. در
این زمینه چگونه باید راهکار
پیدا کرد؟**

در گام نخست باید رابطه ارزی بانک مرکزی و
دولت قطع شود. این گلوگاه، مهم ترین بخش
ارتباط نهاد مالی و پولی با یکدیگر است و
سلطه مالی اتفاقا باید از این مجرا پیگیری شود.
بنابراین در اولین اقدام، الزام بانک مرکزی به
خرید هرگونه ارزی از دولت، جز به خواست خود
بانک مرکزی و صلاحدید کمیته سیاست پولی
و ارزی، باید ممنوع شود. در این حالت بانک
مرکزی به عنوان یک بازیگر (البته پرقدرت) بازار
ارز هر زمانی که تشخیص دهد خرید یا فروش ارز
از دولت می تواند به اجرای سیاست مدنظرش
کمک کند، اقدام به معامله ارزی با دولت
خواهد کرد. گام بعدی، سپردن کامل تعیین
نرخ سود بانکی و بین بانکی به کمیته بازار باز
بانک مرکزی است. هرگونه تعیین نرخ سود
توسط هر شورای بالادستی باید ممنوع شود و
نرخ سود مورد نظر سیاست گذار پولی نیز، در
اثر عملیات بانکی و کشف نرخ حاصل از عرضه
و تقاضای وجوه، تعیین شود. در حقیقت اگر
بانک مرکزی معتقد به بهینه بودن نرخ می ماند
است، باید هزینه آن را هم از طریق تنظیم
منابع ریالی خود در بازار بین بانکی بپردازد تا
سازوکار بازاری بازار پول حفظ شده و تابع سود
و زیان بانک مرکزی برای رسیدن به نرخ A نیز
مشخص شود (بدین معنا که چقدر هزینه داد
تا توانست نرخ مورد نظر خود را در بازار اعمال
کند).
گام دیگر نیز قاعده مند کردن بخش های
تکلیفی بود چه نسبت به سیستم بانکی است.
در دوراهی سخت و ناگزیر انتخاب بین افزایش
بدهی دولت به بانک مرکزی و بانک های تجاری

به بانک مرکزی، قاعدتا مورد اول از جهاتی
کم هزینه تر است، چرا که دولت بر خلاف
بانک ها، قدرتی در خلق پول ندارد، فلذا
بدهکار بودن این نهاد به بانک مرکزی کمتر
موجب افزایش حجم پول می شود (در مقایسه
با قدرت خلق پول بانک ها). بنابراین دولت
در افزایش انتشار اوراق و غلتاندن این اوراق
برای هدایت اعتبار و سرازیر نمودن اثرات این
افزایش اعتبار در صنعت و بخش های غیر جاری
نباید تردید کند.

**یک مسئله دیگر، سیاست های
تجاری کشور است که به نظر
می رسد در این بخش نیازمند
هماهنگی با سیاست های پولی
است. جزیره ای عمل کردن و
برخلاف سیاست پولی رفتن
در سیاست های تجاری، چه
عوارضی خواهد داشت؟**

در زمانی که سیاست قطعی و واضح کشور
تشویق صادرات است، سیاست های انقباضی
پولی و افزایش هزینه تمام شده تامین مالی
بنگاه ها، توان بنگاه ها در افزایش ظرفیت
تولید، افزایش صادرات و همچنین افزایش
هزینه در بخش تحقیق و توسعه را با چالش های
جدی روبه رو می کند. در این موقع است که
بیش از هر زمانی، هماهنگی سیاست های
پولی، ارزی و تجاری احساس می شود. البته
که نباید سیاست گذار دچار سوء تفاهم شده
و اداره هر سه این سیاست ها را در یک بخش
تجمیع کند، لکن هماهنگی سیاست گذار
تجاری با سیاست گذار پولی - ارزی باید تنگاتنگ
و در مدار پیشبرد برنامه های توسعه ای کشور
باشد. اگر بناسست سیاست پولی انقباضی اتخاذ
شود، لزومی ندارد در همه بخش های اقتصاد
به یک اندازه اعمال شود و بانک مرکزی و دولت
در تعامل با یکدیگر و طبق برنامه سیاست
صنعتی کشور، برخی صنایع و بخش های
خدماتی هدف (که استراتژی توسعه کشور بر
این بخش ها استوار است) را می توانند مستثنی
اعلام کنند تا هم سیاست های تورمی بانک
مرکزی خدشه دار نشود و هم سیاست های
تجاری دچار اخلال نشود. لازم به ذکر است که
نیاز به بازبینی و اصلاح اساسی فرایندهای تهیه
و تنظیم کتابچه مقررات واردات و صادرات و
نحوه تعرفه گذاری در کشور به منظور جلوگیری
از تصمیمات خلق الساعه و احیاناً رانتی، بیش
از پیش احساس می شود.

کارشناسان خبره حوزه پولی و بانکی معتقدند که اگر سیاست‌های تجاری و مالی برخلاف سیاست‌های پولی باشد، دیگر نمی‌توان منتظر توفیق سیاست‌های بانک مرکزی به عنوان نمونه در کنترل تورم و یا نقدینگی بود. در این زمینه چه باید کرد؟ آیا می‌توان سیاست تجاری و مالی را به صورت جزیره‌ای دنبال کرد، سپس بانک مرکزی تورم را کنترل کند؟

در کشورهای توسعه یافته، در برخی بخش‌ها مانند سیاست پولی، جزیره‌ای عمل کردن هم می‌تواند تا حدودی منجر به نتیجه مدنظر سیاست‌گذار شود، اما شرایط نهادی و ساختاری آن کشورها به لحاظ دیوان‌سالاری و همراهی بدنه اجرایی حاکمیت، قابل مقایسه با شرایط حال حاضر ساختار قدرت در ایران نیست. از دید بنده، به لحاظ استراتژیک، سیاست صنعتی ماموریت‌محور (Mission-Oriented Industrial policy) مرتبه بالاتری از اهمیت را نسبت به سیاست پولی و مالی و تجاری دارد. در حقیقت این سه‌گانه لوازم‌رسیدن به یک موفقیت صنعتی در پایان دوران برنامه‌ریزی‌تضمین می‌کنند. بنابراین وظیفه این ابزار (مالی و پولی) کمک به کشور برای رسیدن به سطحی از توسعه صنعتی است. برون‌داد توسعه صنعتی می‌تواند افزایش صادرات، جایگزینی واردات و یا هر دو باشد. اینجاست که یک سیاست تجاری هماهنگ می‌تواند روند و فرآیند را بسیار تسهیل نماید. بنابراین جزیره‌ای عمل کردن در ایران امری اشتباه است و از سویی نیز بالا برنده هزینه‌های مالی و اجتماعی برنامه‌های توسعه‌ای و در گاهی موارد خنثی‌کننده اثرات دیگر سیاست است. در نتیجه، ابتدا باید استراتژی واقع‌گرایانه سیاست صنعتی ماموریت‌محوری (با توجه به همه محدودیت‌های حال حاضر کشور) تدوین شود و سیاست‌های پولی و ارزی و تجاری در راستای سرعت گرفتن این سیاست‌ها و کاهش اثرات منفی آن عمل کنند.

چه پیشنهادی برای هماهنگی سیاست‌های کشور در بخش مالی، پولی و تجاری دارید؟

پیشنهاداتی را جهت هماهنگ‌سازی

سیاست‌های مالی، پولی، تجاری و صنعتی می‌توان مطرح کرد که عبارتند از:

۱. مشخص کردن هدف از ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های مالی، پولی و تجاری (ایجاد و پیگیری یک سیاست صنعتی ماموریت‌محور با تعامل بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی)

۲. تجمیع نهاد سیاست‌گذار پولی و ارزی و سلب کامل اختیارات شورای پول و اعتبار و تبدیل این نهاد به یک نهاد صرفاً ناظر و مستقل از بانک مرکزی

۳. تعیین سازوکار مشخص ارزی کشور و خارج نمودن کشور از وضعیت بلاتکلیفی ارزی

۴. تک‌نرخ کردن ارز و اعطای یارانه نقدی به اقشار آسیب‌پذیر از افزایش نرخ ارز در برخی اقلام کالایی

۵. تجمیع نهاد سیاست‌گذار مالی و تجاری

۶. اصلاحات اساسی در بخش جاری بودجه و کاهش موارد وردیف‌های غیرضرور

۷. بررسی همه پروژه‌های در دست اقدام کشور، پالایش این طرح‌ها و انتخاب مهم‌ترین و نزدیک‌ترین طرح‌های در دست اقدام که به استراتژی توسعه ماموریت‌محور کشور نزدیکی و قرابت بیشتری دارند.

۸. افزایش سهم مخارج عمرانی از کل بودجه کشور و تلاش در جهت هدایت دقیق منابع برای اصابت اعتبارات عمرانی به بخش‌های برگزیده و حیاتی

۹. افزایش استقلال سیاست‌گذار پولی و اعطای اختیارات لازم جهت معرفی ابزار کاهش ریسک در راستای افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد کشور

۱۰. همکاری نهادهای متولی پولی و بانکی در جهت تشویق بانک‌ها به هدایت اعتبار به سمت بخش‌ها، طرح‌ها و پروژه‌هایی که در استراتژی توسعه کشور نیز دارای اولویت‌اند و از طرف دیگر اعطای مشوق‌های ویژه به سرمایه‌گذاران و کارآفرینانی که در بخش‌های مذکور اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

۱۱. تدوین استراتژی توسعه صنعتی بومی برای هریک از مناطق آزاد (براساس سیاست صنعتی سرزمین اصلی) با اولویت تسهیل‌گری در بخش تجاری نسبت به سرزمین اصلی

۱۲. اجتناب از اتخاذ اهداف کمی غیرواقعی برای سیاست‌های مختلف همچون صنعتی، تجاری، پولی و مالی بدون توجه به شرایط حال حاضر کشور، و تمرکز بر اهداف قابل دسترس و شدنی (Feasible)

دولت در افزایش انتشار اوراق و غلتاندن این اوراق برای هدایت اعتبار و سرازیر نمودن اثرات این افزایش اعتبار در صنعت و بخش‌های غیرجاری نباید تردید کند



پیشنهاد رهاسازی بازار ارز عملی نیست

- تورم در اقتصاد ایران در بلندمدت ناشی از افزایش رشد نقدینگی و گردش مازاد بر رشد اقتصادی واقعی است
- بخش قابل توجهی از ماندگاری تورم نسبتاً فاحش در اقتصاد را در شوک های ارزی باید جستجو کرد
- پیشنهاد رهاسازی ارز و آزادسازی اقتصاد به رئیس جمهور چهاردهم که توسط برخی نخبگان دانشگاهی ارائه شده، واقعا جای تعجب دارد

سید محمد کاظم رجائی

عضو هیات علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)



مقام معظم رهبری سال گذشته را سال «مهار تورم و رشد تولید» نام گذاری و تأکید کردند که افزون بر شعار «جهش تولید و مشارکت مردمی»، شعار سال گذشته برای امسال هم هست. به عبارت دیگر، همچنان مهم ترین مسئله در اقتصاد کشور تورم است. پرسش این است که چگونه سیاست های اقتصادی کشور باعث ماندگاری تورم شده است؟

جهت ضرورت مهار تورم لازم است بر این نکته تأکید کنم که هزینه تورم حدود ۳۰ تا ۴۰ درصدی برای یک نظام اسلامی و مردمی بسیار سنگین است. هزینه گرانی معیشت مردم، کاهش ایمان و از دست دادن دین، «من لامعاش له لامعاد له»، حذف امر به معروف و نهی از منکر،

کاهش مشارکت اجتماعی، کوچک شدن سفره محرومان، قربانی شدن عدالت، کاهش سرمایه گذاری و غیر اقتصادی شدن تمام طرح های با نرخ سود کمی بالاتر از نرخ تورم و سرانجام کاهش اقتدار نظام اسلامی است. همچنین باید توجه داشت که تورم، رشد مداوم میانگین وزنی ۴۷۴ قلم کالا و خدمت است. طبقات متوسط به پایین عمده درآمدها را صرف مواد غذایی و مسکن می شود و تورم عمده خوراکی ها و مسکن از متوسط تورم کشور بیشتر است. از اینرو، به دلیل فشار بر معیشت طبقات محروم، مهار تورم اولویت ویژه پیدا می کند. برای حل مسئله به طور طبیعی، ابتدا باید ریشه های اصلی تورم را شناخت. همچنان که باید میان تورم بلندمدت، کوتاه و میان مدت تفاوت قائل شد.

در یک سال
گذشته بانک
مرکزی توانسته
با کنترل
ترازنامه، حدود
یک درصد
ضریب فزاینده
را کاهش دهد
که جای تقدیر
دارد

قاعده‌مند شود به گونه‌ای که سیاست‌گذار خود مطابق با قاعده خاصی هر از گاهی نرخ ارز را افزایش دهد، سبب ماندگار شدن شوک طرف عرضه و افزایش دائمی قیمت‌ها و در نتیجه پویایی تورم می‌شود، از اینرو، بخش قابل توجهی از ماندگاری تورم نسبتاً فاحش در اقتصاد را در شوک‌های ارزی باید جستجو کرد.

با شوک ارزی، از سویی هزینه واردات افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با افزایش نرخ تسعیر ارز با لایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها قیمت پایه نهاده‌های تولید شده توسط آنها افزایش می‌یابد، انتظارات تورمی پس از شوک ارزی هم به مدد می‌آید و زمینه افزایش تورم و تداوم آن را فراهم می‌سازد. با افزایش تورم، اقتصاد به نقدینگی بیشتر نیاز پیدا می‌کند، نظام بانکی وارد چرخه خلق اعتبار می‌شود و بدون داشتن قدرت مؤثر بر هدایت اعتبار ایجاد شده، مجدد افزایش نقدینگی منتهی به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده و در نتیجه کشور دچار یک مارپیچ تورمی ناشی از نرخ ارز می‌شود و جریان ادامه می‌یابد. از اینرو، تثبیت و مدیریت سمت عرضه و تقاضای نرخ ارز و تغییر این نرخ حداکثر به میزان رشد بهره‌وری و رشد واقعی اقتصاد، ضروری است. بر این نکته تأکید می‌کنم که مکانیسم بازار شامل ارز نمی‌شود، همچنان که شامل انرژی و حتی خدمات ضروری پزشکی نیز نمی‌شود. تئوری اقتصاد نیز، میان نخود و لوبیا و کالایی مانند برق، بنزین، ارز و امثال اینها تفاوت جدی قائل می‌شود. تعبیر مکانیسم بازار ارز تعبیر دقیقی نیست. از اینرو، پیشنهاد رهاسازی ارز و آزادسازی اقتصاد به رئیس‌جمهور چهاردهم که توسط برخی نخبگان دانشگاهی ارائه شده، واقعا جای تعجب دارد.

انشاءالله که شوک‌های متعددی که در لایحه برنامه هفتم بود در مجلس و شورای نگهبان تغییر کرده باشد، در غیر اینصورت مدیران در بانک مرکزی حتما توجه جدی دارند که بذر تورم با قانونی کردن این شوک‌ها در برنامه هفتم کاشته شده است. همچنان که در قانون بودجه نیز بذر تورم کاشته شده است. برای مثال، در لایحه بودجه ۱۴۰۳ مبلغ ۱۳۰۶۵ میلیارد یورو با نرخ تسعیر ۳۱۰۰۰ تومان برای واردات کالاهای اساسی در نظر گرفته شده بود که مجلس شورای اسلامی این مبلغ را به ۱۰ میلیارد یورو کاهش داد. از اینرو، برای مهار تورم تغییراتی در این بندها ضروری است.

تورم در اقتصاد ایران در بلندمدت ناشی از افزایش رشد نقدینگی در گردش مازاد بر رشد اقتصادی واقعی است. فقدان سیاست هدایت اعتبارات هدفمند، همچنین روش‌های جایگزین افزایش نقدینگی و فقدان ساختارهای اطلاعاتی شفاف و منسجم در کشور، سبب شده تا سیاست‌گذار نتواند بر گردش نقدینگی در بخش‌های نامولد اقتصادی نظارت لازم را داشته باشد. در این میان، کنترل سهم هر یک از عوامل (دولت، شبکه بانکی و بانک مرکزی) در رشد پایه پولی و کنترل خلق پول بانکی حائز اهمیت است. مطابق با آمارهای رسمی، متأسفانه سهم بانک‌ها به خصوص بانک‌های خصوصی در افزایش پایه پولی روبه رشد بوده است. همچنین ضریب فزاینده نقدینگی نیز سهم بالایی در رشد نقدینگی دارد. این ضریب که در اوایل دهه ۸۰ حدود ۴ بوده، در اواخر دهه ۹۰ به حدود ۸ رسیده است. البته در یک سال گذشته بانک مرکزی توانسته با کنترل ترازنامه، حدود یک درصد ضریب فزاینده را کاهش دهد که جای تقدیر دارد. انتظار ما از بانک مرکزی کنترل جدی عوامل اصلی در رشد پایه پولی، یعنی بانک‌های خصوصی است.

با تلاش مسئولان، رشد نقدینگی از حدود ۴۳ درصد به حدود ۲۴ کاهش یافته که جای تشکر دارد، اما سوال این است که با کاهش رشد نقدینگی، چرا تورم به همان میزان کاهش نداشته است؟ پاسخ این است که کنترل رشد نقدینگی در کشوری که اقتصاد آن در اشتغال کامل باشد و گردش نقدینگی آن کنترل شده و راه سفته‌بازی بسته باشد، موجب کنترل تورم خواهد شد، اما در کشور ما که در شرایط اشتغال کامل نیست، نقدینگی به سرعت در بازارهای نامولد گردش می‌کند و لزوماً کنترل نقدینگی موجب کاهش تورم نمی‌شود، همچنان که نشده است. تورم کشور ما به خصوص از سال ۹۷ به بعد، عمدتاً حاصل از شوک‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت ناشی از افزایش هزینه‌های تولید است که اکثراً منشاء آن افزایش نرخ ارز رسمی مؤثر، بوده است.

بدیهی است که اگر شوک ناشی از افزایش نرخ ارز رسمی مؤثر، یکبار اتفاق بیفتد و دیگر تکرار نشود، تنها در یک بازه کوتاه‌مدت منجر به افزایش قیمت‌ها شده و در میان و بلندمدت اثرات شوک بر افزایش قیمت‌ها تخلیه می‌شود، اما اگر این شوک طرف عرضه





ادامه مسیر گشایش های بانکی در دولت جدید

تحقق الزامات دیپلماسی بانکی در دولت چهاردهم

- آزادسازی منابع ارزی مسدود شده در کشورهای دیگر، یکی از مهم ترین دستاوردها بود
- دولت چهاردهم باید موضوع انطباق نقشه ارزی و تجاری کشور را در دستوکار خود قرار دهد
- توسعه مسیرهای تسویه مالی خارج از حوزه تحت سیطره غرب، به خصوص طی یک سال و نیم اخیر به طور جدی در بانک مرکزی پیگیری شد

۴۲



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

یکی از
مهم‌ترین
حوزه‌هایی
که دولت
جدید باید
به آن بپردازد
تعاملات مالی
خارجی کشور
است

مثل "هند" و "پاکستان" هم عضو این اتحادیه هستند. اخیراً نیز "بلاروس" تقاضای عضویت در این اتحادیه را مطرح کرده است و از روسیه نیز دعوت می‌کنیم که به اتحادیه بپیوندد، چرا که این اتحادیه ظرفیت بسیار خوبی برای توسعه همکاری میان ایران و روسیه را فراهم می‌کند.

اقدام کشورهای غربی در اعمال تحریم علیه اقتصاد روسیه و بخش مالی این کشور، این فرصت را در اختیار ایران قرار داد تا ضمن افزایش مناسبات مالی خود با همسایه شمالی، همکاری‌های اقتصادی در تمام زمینه‌ها از جمله تجارت و سرمایه‌گذاری‌های مشترک را بیش از هر زمان دیگری ارتقا دهد. اکنون دیگر این تنها ایران نیست که با مشکل تحریم‌های بانکی دست و پنجه نرم می‌کند. اعمال تحریم علیه بخش مالی روسیه، این کشور را ناگزیر از یافتن راه‌های جایگزین برای تسویه مبادلات مالی کرده است. تحریم بخش مالی اقتصاد بزرگی چون روسیه، راه‌اندازی سازوکارهای تسویه جایگزین را بیش از هر زمان دیگری سرعت می‌بخشد و بدین ترتیب تأثیر تحریم بر بخش مالی کشور را به مرور کمرنگ خواهد کرد.

بر همین اساس، دیپلماسی مالی بانک مرکزی برای به سرانجام رسیدن هرچه سریعتر این سازوکار جایگزین طی یک سال و نیم اخیر پُررنگ‌تر شده است. با توجه به نیاز جدی روسیه به رهایی از سازوکارهای تسویه تحت سلطه غرب، تداوم پیگیری دیپلماسی بانک مرکزی با این کشور در دولت جدید ضروری خواهد بود. همچنین استفاده از ظرفیت پیمان‌های بریکس و شانگهای برای توسعه مسیرهای مالی جایگزین، از دیگر اقدامات بانک مرکزی در ماه‌های گذشته بوده که لازم است در دولت جدید با جدیت پیگیری شود.

یکی از مهم‌ترین مسائل حوزه ارزی، انطباق نقشه ارزی و تجاری است. این موضوع هم تاکنون در دولت و بانک مرکزی در حال پیگیری بوده است اما تا حصول نتیجه، راه بسیاری باقی است. برای حصول نتیجه لازم است هم نقشه ارزی کشور دچار تغییر شود و هم نقشه تجاری به سمت تعادل ارزی گردش کند. به بیان دقیق‌تر، تغییر مبادی واردات به کشورهای طرف پیمان پولی و همچنین کشورهای با واردات گسترده از ایران، بخشی از اقدامات لازم برای انطباق نقشه ارزی و تجاری است. همچنین تغییر سازوکار تسویه، خصوصاً تسویه با ارزهای محلی، بخش دیگری از اقدامات لازم برای انطباق نقشه ارزی و تجاری است که لازم است در دولت جدید پیگیری شود.

دولت چهاردهم به زودی کار خود را آغاز می‌کند و برنامه‌های خود را در حوزه‌های مختلف به اجرا می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که دولت جدید باید به آن بپردازد، تعاملات مالی خارجی کشور است. از آنجا که یکی از نقاط تمرکز تحریم، انسداد مجاری بانکی و مالی کشور است، گشایش مسیرهای جایگزین برای توسعه هرچه بیشتر تعاملات مالی با دیگر کشورها، از مهم‌ترین نیازهای کشور در سال‌های گذشته بوده است.

توسعه مسیرهای تسویه مالی خارج از حوزه تحت سیطره غرب، به خصوص طی یک سال و نیم اخیر به طور جدی در بانک مرکزی پیگیری شده است. بانک مرکزی در این مدت، دیپلماسی بانکی را بیش از هر دوره دیگری در دستور کار خود قرار داد. همکاری تنگاتنگ بانک مرکزی با دیگر دستگاه‌های دولت به ویژه وزارت امور خارجه برای گسترش مناسبات مالی و بانکی با کشورهای دیگر، دستاوردهایی را برای کشور به ارمغان آورده و همچنین سنگ بنای گسترش مناسبات مالی و بانکی با دیگر کشورها را گذاشته است. آزادسازی منابع ارزی مسدود شده در کشورهای دیگر، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این تلاش‌ها بوده است. با این حال، در حوزه مناسبات مالی و بانکی، بخش بزرگی از کار باقی مانده است.

طی هفته‌های اخیر، رئیس کل بانک مرکزی به منظور توسعه مناسبات پولی و بانکی میان ایران و روسیه به سن پترزبورگ سفر کرد. محمدرضا فرزین در کنفرانس مالی روسیه که با حضور خانم نابیولینا، رئیس بانک مرکزی روسیه و جمعی از فعالان اقتصادی این کشور برگزار شد، از لزوم دوری جستن کشورها از سازوکارهای مالی تحت سلطه غرب سخن گفت.

فرزین با تأکید بر ضرورت توسعه همکاری‌های بانکی میان دو کشور ایران و روسیه و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای منطقه‌ای و ارزهای محلی برای دوری جستن از سلطه دلار بر مبادلات مالی بین‌المللی، خواستار تشکیل نهادی مشابه FATF میان کشورهای عضو بریکس شد. رئیس کل بانک مرکزی، همچنین بر آمادگی ایران برای در اختیار قرار دادن امکانات فنی به منظور عضویت روسیه در اتحادیه پاپایای آسیایی تأکید کرد.

وی افزود: اتحادیه پاپایای آسیایی (ACU) فرصت بسیار خوبی برای حذف دلار از معاملات میان کشورهای عضو است که هم اکنون کشورهایی





هدف گذاری تورمی زمینه ساز ثبات اقتصادی

چرا هدف گذاری تورمی مهم است؟

- هدف گذاری تورمی، امکان افزایش ثبات اقتصادی را فراهم می کند
- چارچوب سیاست پولی، یک لنگراسمی برای اقتصاد فراهم می کند
- لنگراسمی متغیری است که سیاست گذاران می توانند از آن برای کاهش سطح قیمت ها استفاده کنند

امیرحسین موسوی
پژوهشگر اقتصادی

۴۴



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

با توجه به اعلام کانال ۳۰ درصد به عنوان نرخ تورم هدف سیاست گذار پولی در سال ۱۴۰۲ و ورود نرخ تورم نقطه به نقطه به کانال ۳۱ درصد در انتهای سال، هدف گذاری تورمی بانک مرکزی در سال گذشته محقق شد.

در سال های اخیر، بسیاری از بانک های مرکزی و سیاست گذاران پولی، سیاست هدف گذاری تورم را برای کنترل افزایش سطح عمومی قیمت ها اتخاذ کرده اند. در این چارچوب، بانک مرکزی یک نرخ تورم پیش بینی شده یا "هدف" را تخمین زده و عمومی می کند و سپس با استفاده از ابزارهایی مانند تغییرات نرخ بهره، تلاش می کند تورم واقعی را به سمت آن هدف هدایت کند. از آنجایی که نرخ های بهره و نرخ تورم تمایل دارند در جهت مخالف حرکت کنند، اقدامات احتمالی بانک مرکزی برای افزایش یا کاهش نرخ بهره تحت سیاست هدف گذاری تورم شفاف تر می شود. همچنین هدف گذاری تورمی، امکان افزایش ثبات اقتصادی را فراهم می آورد.

با توجه به قرار گرفتن در آستانه روی کار آمدن دولت چهاردهم، به نظر می رسد تداوم هدف گذاری تورمی و رشد نقدینگی برای مهار پایدار تورم امری ضروری است. بانک مرکزی در سال ۱۴۰۲ نرخ رشد نقدینگی ۲۵ درصد را به عنوان نرخ هدف خود مشخص کرد و در پایان سال با تحقق نرخ رشد ۲۴،۳ درصدی، عملکردی متناسب با اهداف سیاستی خود به نمایش گذاشت. همچنین کانال ۳۰ درصد به عنوان رقم هدف سیاست گذار پولی به عنوان هدف گذاری تورم در سال ۱۴۰۲ تعیین شده بود که ورود نرخ تورم نقطه به نقطه به کانال ۳۱ درصد، موفقیت نسبی بانک مرکزی را در رسیدن به اهداف مدنظر خود نشان می دهد. بانک مرکزی در سال ۱۴۰۳ نیز با تکیه بر تجربه موفق خود در سال ۱۴۰۲، نرخ ۲۳ درصد با تلورانس دو درصدی را به عنوان نرخ رشد نقدینگی هدف و ورود تورم به کانال ۲۰ درصد در انتهای سال به عنوان نرخ هدف گذاری تورمی بانک مرکزی اعلام کرده است.

تعیین لنگر اسمی نرخ ارز

به طور کلی، چارچوب سیاست پولی یک لنگر اسمی برای اقتصاد فراهم می کند. لنگر اسمی متغیری است که سیاست گذاران می توانند از آن برای کاهش سطح قیمت استفاده کنند. یکی از

لنگرهای اسمی که بانک های مرکزی در گذشته استفاده می کردند، پگ کردن ارزش پول داخلی به ارزش پول یک کشور با تورم پایین بوده است. اما این رویکرد به این معنی است که سیاست پولی کشور اساساً همان سیاست پولی کشوری است که به آن وابسته است و توانایی بانک مرکزی را برای پاسخگویی به شوک هایی مانند تغییر شرایط تجاری (ارزش صادرات یک کشور نسبت به واردات آن) یا تغییر در نرخ بهره واقعی از بین می برد. در نتیجه، بسیاری از کشورها شروع به اتخاذ نرخ های ارز منعطف کردند که آنها را وادار به یافتن یک لنگر جدید کرد.

پس از آن بسیاری از بانک های مرکزی شروع به هدف قرار دادن رشد عرضه پول برای کنترل تورم کردند. این رویکرد در صورتی کاراست که بانک مرکزی بتواند عرضه پول را به خوبی کنترل کند و رشد پول به طور پایدار با تورم در طول زمان مرتبط باشد. در نهایت، هدف گذاری پولی موفقیت محدودی داشت، زیرا تقاضا برای پول ناپایدار شد که اغلب به دلیل نوآوری در بازارهای مالی بود. در نتیجه، بسیاری از کشورهایی که نرخ های ارز انعطاف پذیر داشتند، بر اساس درک خود از پیوندها یا "مکانیسم انتقال" از ابزارهای سیاست بانک مرکزی (مانند نرخ بهره) به تورم، مستقیم تر تورم را هدف قرار دادند.

هدف گذاری تورم چگونه کار می کند؟

هدف گذاری تورم حداقل در تئوری ساده است. بانک مرکزی مسیر آتی تورم را پیش بینی می کند و آن را با نرخ تورم هدف (اعدادی که دولت معتقد است برای اقتصاد مناسب است) مقایسه می کند. تفاوت بین پیش بینی و هدف تعیین می کند که چقدر سیاست پولی باید تعدیل شود. برخی از کشورها اهداف تورمی را با دامنه های متقارن در حدود یک نقطه میانی انتخاب کرده اند، در حالی که برخی دیگر فقط نرخ هدف یا حد بالایی را برای تورم شناسایی کرده اند. یکی از مزیت های اصلی هدف گذاری تورمی این است که عناصر "قوانین" و "اختیار" را در سیاست پولی ترکیب می کند. این چارچوب اختیار محدود دو عنصر متمایز را ترکیب می کند: یک هدف عددی دقیق برای تورم در میان مدت و یک پاسخ به شوک های اقتصادی در کوتاه مدت.

این رویکرد به جای تمرکز بر دستیابی به هدف همیشه، بر دستیابی به هدف در میان مدت معمولاً در یک افق دو تا سه ساله تأکید کرده است. این امر به سیاست گذار اجازه می دهد

تداوم
هدف گذاری
تورمی و رشد
نقدینگی برای
مهار پایدار
تورم در دولت
چهاردهم امری
ضروری است

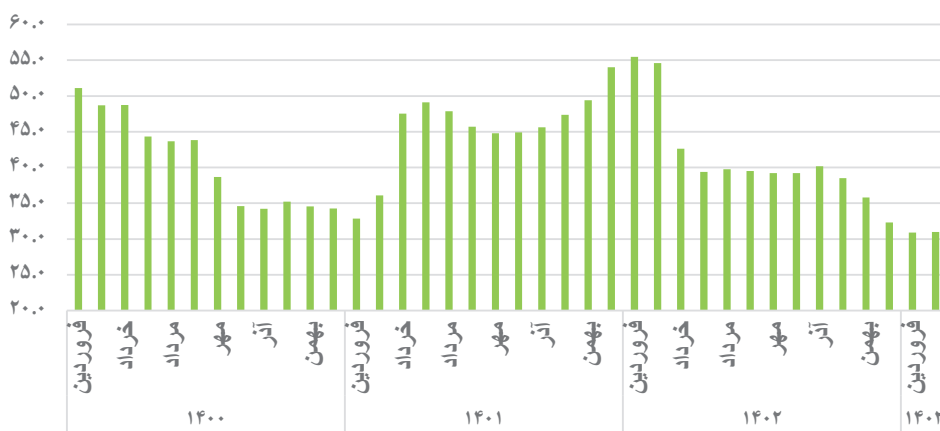


نرخ رشد نقدینگی



▲ نمودار ۱- نرخ رشد نقدینگی

نرخ تورم



▲ نمودار ۲- نرخ تورم

مستقل از نفوذ دولت باشد، اما باید در انتخاب ابزارهای دستیابی به نرخ تورمی که دولت مناسب می‌داند آزاد باشد. ملاحظات سیاست مالی نباید سیاست پولی را تحت الشعاع قرار دهد. دومین موضوع تمایل و توانایی مقامات پولی برای هدف‌گذاری نکردن سایر شاخص‌ها مانند دستمزد، سطح اشتغال یا نرخ ارز است. با تکیه بر این دو الزام اساسی، یک کشور می‌تواند هدف‌گذاری تورمی را به عنوان محور سیاست پولی خود قرار دهد.

تا به اهداف دیگر در کوتاه‌مدت بپردازد. بنابراین، هدف‌گذاری تورم چارچوبی شبیه به قانون رافراهم می‌کند که در آن بانک مرکزی این اختیار را دارد که به شوک‌ها واکنش نشان دهد.

لازمه‌های هدف‌گذاری تورمی

هدف‌گذاری تورم نیازمند دو مولفه است. اولین مورد این است که بانک مرکزی بتواند سیاست‌های پولی را با درجاتی از استقلال انجام دهد. هیچ بانک مرکزی نمی‌تواند کاملاً

۴۶



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●



آمارهای جدید از وضعیت دریافت تسهیلات دستگاه‌ها

چگونه سلطه مالی مسیر رفع ناترازی بانک‌ها را می‌بندد؟

- دستگاه‌ها و نهادهای ناتراز، با دریافت تسهیلات از بانک‌ها، ناترازی خود را به شبکه بانکی منتقل می‌کنند
- مجموع تسهیلات اعطا شده به دستگاه‌های دولتی در کل سال گذشته، حدود ۲۴۴ همت بود
- اجرای سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها اثرنابسامانی سیاست مالی را عیان کرد

حمید کمار

پژوهشگر اقتصادی

۴۷



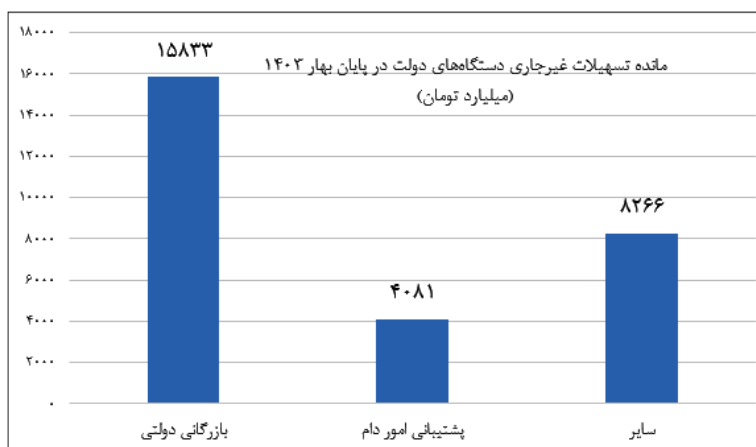
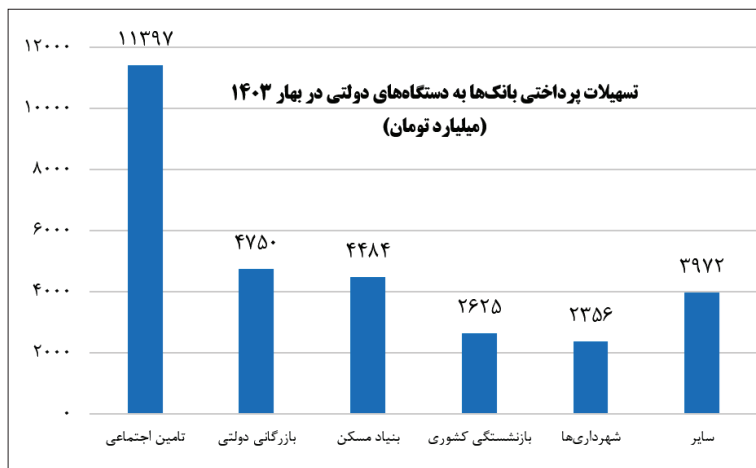
اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

شرکت‌ها، دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی در نظر گرفته شده، اثر سیاست مالی بر سیاست پولی بیشتر مشخص می‌شود.

در بخش تسهیلات پرداختی، آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد دستگاه‌های اجرایی در ۳ ماه ابتدایی امسال، مجموعاً حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان از شبکه بانکی تسهیلات دریافت کرده‌اند. نمودار ۱، جزئیات دستگاه‌های دریافت‌کننده تسهیلات را نشان می‌دهد.

بانک مرکزی به تازگی اطلاعات مربوط به تسهیلات یا تعهدات پرداختی به هر یک از دستگاه‌های اجرایی در سه ماهه اول ۱۴۰۳ را منتشر کرده است. آمارهای جدید همچون آمارهای قبلی، ضمن تأیید حقیقت سلطه مالی بر سیاست پولی، دو اثر مهم سلطه مالی یعنی تشدید اثر رکودی و برون‌رانی بخش خصوصی (crowding out) را به وضوح نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن تعریف بسیط از سیاست مالی که در آن علاوه بر بودجه دولت، وضعیت مالی



نمودار ۱

تسهيلات پرداختي بانكها به دستگاه‌های دولتي در بهار ۱۴۰۳



نمودار ۲

ماتده تسهيلات غيرجاري دستگاه‌های دولتي در پايان بهار ۱۴۰۳

از تسهيلات بانكي، مانع رسيدن اعتبارات بانكي به بخش خصوصي مي‌شوند. اين وضعيت به ويژه طی سه سال اخير تاكنون كه بانك مركزي سياست كنترل رشد ترازنامه را اجرا كرده، بيش از هر زمان ديگري تاثيرگذار است. اين همان مسئله‌ای است كه در ادبيات رايج اقتصادي از آن به عنوان برون‌راني (crowding out) ياد مي‌شود. هرچند رقم حدوداً ۳۰ هزار ميليارد توماني تسهيلات دريافتي دستگاه‌های دولتي در برابر كل تسهيلات پرداختي شبكه بانكي در بهار امسال چندان بزرگ به نظر نمي‌رسد، اما با اضافه شدن شركت‌های دولتي، اين نسبت به مراتب بيشتر شده و اثر سياست مالي به معنای عام آن، به وضوح مشخص مي‌شود. در بخش ديگري از گزارش، مانده بدهي

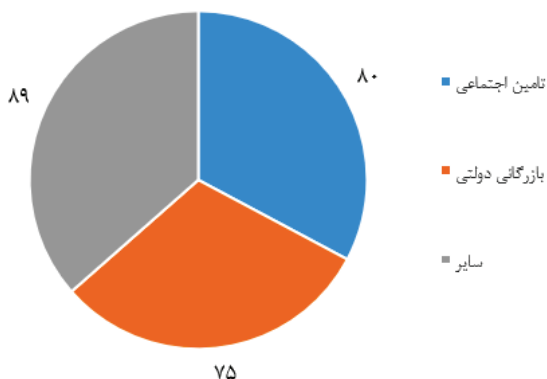
همانطور كه مشخص است، بزرگ‌ترين مقصد تسهيلات بانكي، دستگاه‌های دچار ناترازي هستند. به بيان ديگر، دستگاه‌ها و نهاد‌های ناتراز، با دريافت تسهيلات از شبكه بانكي، ناترازي خود را به شبكه بانكي منتقل مي‌كنند. بديهي است دستگاه‌هایی كه سال‌هاست دچار ناترازي هستند، چشم‌اندازي براي بازگرداندن تسهيلات آنها قابل تصور نيست. اين حقيقت، بخشي از پاسخ مسئله ناترازي طولاني مدت شبكه بانكي است. نکته ديگر، جانشين شدن اين دستگاه‌ها و البته بسياري از شركت‌های دولتي ديگر به جاي بخش خصوصي در ترازنامه شبكه بانكي است. در واقع، اين دستگاه‌ها و ديگر نهاد‌های پُر قدرت دولتي و حاكميتي، با جذب بخش نسبتاً بزرگي

۴۸



• شماره ۵۰ - تير ۱۴۰۳ •

رقم تسهیلات دریافتی دستگاه‌های دولتی در ۱۴۰۲ (همت)



نمودار ۳

رقم تسهیلات دریافتی
دستگاه‌های دولتی در ۱۴۰۲

تسهیلات دستگاه‌ها گزارش شده که نشان می‌دهد مجموع تسهیلات غیرجاری اعم از سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول، حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان است.

همانطور که مشخص است و قابل انتظار هم بود، دستگاه‌هایی که بیشترین هزینه‌ها را در طول سال دارند و در مقابل درآمدی ندارند، از جمله دو بازوی تأمین نهاده وزارت کشاورزی یعنی بازرگانی دولتی و پشتیبانی امور دام، بیشترین مانده تسهیلات غیرجاری را به نام خود ثبت کرده‌اند. مجدداً لازم به یادآوری است که با اضافه شدن بنگاه‌های دیگر تحت مدیریت دولت، رقم مانده بدهی غیرجاری به چندین برابر این ارقام می‌رسد. به عنوان نمونه، با اضافه شدن رقم مانده بدهی‌های خودروسازهای بزرگ که همچنان تحت مدیریت دولت قرار دارند، تأثیر ناترازی شرکت‌های دولتی بر ناترازی شبکه بانکی دقیق‌تر مشخص می‌شود.

مرور ارقام تسهیلات دستگاه‌های دولتی در سال گذشته هم، موارد پیش گفته را تأیید می‌کند. مجموع تسهیلات اعطا شده به دستگاه‌های دولتی در کل سال گذشته، حدود ۲۴۴ همت بوده است. از این رقم، حدود ۸۰ همت تنها متعلق به سازمان تأمین اجتماعی بوده است. همچنین حدود ۷۵ هزار میلیارد تومان از این تسهیلات به شرکت بازرگانی دولتی داده شده است.

با بررسی جزئی‌تر گزارش جدید بانک مرکزی و همچنین بودجه دولت، مصادیق عیان سلطه مالی بر سیاست پولی و مصائب آن بر

اقتصاد کشور از جمله ماندگاری تورم بالا آشکار می‌شود. نظام پارانه‌ای گسترده و غیرهدفمند، قیمت‌گذاری‌های دستوری، دوجنبه اصلی سیاست مالی است که طی دهه‌های گذشته تبعات آن به شکل انتقال ناترازی دولت و شرکت‌های دولتی به شبکه بانکی و بانک مرکزی، دامنگیر بخش پولی شده و مانع تک رقمی شدن تورم و پایدار ماندن آن شده است. طی سه سال گذشته، اما اجرای سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها، اثر دیگر ناپاسامانی سیاست مالی را عیان کرد. حضور پُررنگ نهاد‌های دولتی و حاکمیتی در صف دریافت تسهیلات، اجرای سیاست احتیاطی کنترل مقداری ترازنامه را دشوار کرده و حتی در صورت موفقیت در اجرا، آثار رکودی آن را به دلیل برون‌رانی بخش خصوصی از ترازنامه بانک‌ها، تشدید می‌کند.

اکنون و در شرایطی که اجرای سیاست‌های انقباضی پولی در سومین سال خود قرار دارد، همراهی سیاست مالی با سیاست‌گذار پولی در مسیر کاهش تورم، بسیار اثربخش خواهد بود. محدود و هدفمند کردن نظام پارانه‌ای، حذف قیمت‌گذاری‌های دستوری، ارتقای بهره‌وری دستگاه‌های دولتی با هدف کاهش هزینه‌ها و ارتقای عملکرد و مشارکت دادن هرچه بیشتر بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی به جای دولت، برخی از مهم‌ترین اقداماتی است که به ارتقاء انضباط مالی دولت منجر شده و از رهگذر آن، اثربخشی سیاست پولی بیشتر خواهد شد.

۴۹



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

دولت چهاردهم و چالش ناترازی شبکه بانکی

مسیر کنترل تورم از حل چالش ناترازی بانک‌ها می‌گذرد

- یکی از مشهورترین و پیچیده‌ترین چالش‌های اقتصاد کشور طی ۶ سال اخیر، تورم بوده است
- رقم ناترازی بانک‌ها در پایان دهه ۹۰ و ابتدای دولت سیزدهم، به بیش از یک هزار همت رسیده بود
- ناترازی شبکه بانکی هنوز یکی از چالش‌های اصلی در مسیر مهار تورم به شمار می‌رود



۵۰



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

دولت چهاردهم از ماه بعد آغاز به کار خواهد کرد و پس از استقرار وزرا و معرفی مدیران، عملاً سکان اداره کشور را به دست گرفته و به مقابله با چالش‌های اقتصادی خواهد پرداخت. یکی از مشهورترین و پیچیده‌ترین چالش‌های اقتصاد کشور طی ۶ سال اخیر، تورم بوده است. در ادبیات رایج اقتصادی، تورم برآمده از ناترازی‌های مختلف در اقتصاد است. یکی از مهم‌ترین آنها، ناترازی شبکه بانکی است. با این حال، ناترازی شبکه بانکی خود معلول بسیاری عوامل دیگر است. ناترازی مالی دولت و سلطه مالی بر سیاست پولی، ضعف قوانین بانکی، بروز سایر ناترازی‌ها و سرریز آنها در شبکه بانکی و عدم استقلال سیاست‌گذار پولی، برخی از مهم‌ترین عواملی است که باعث شده نظام بانکی طی دهه‌های اخیر، دچار ناترازی شود.

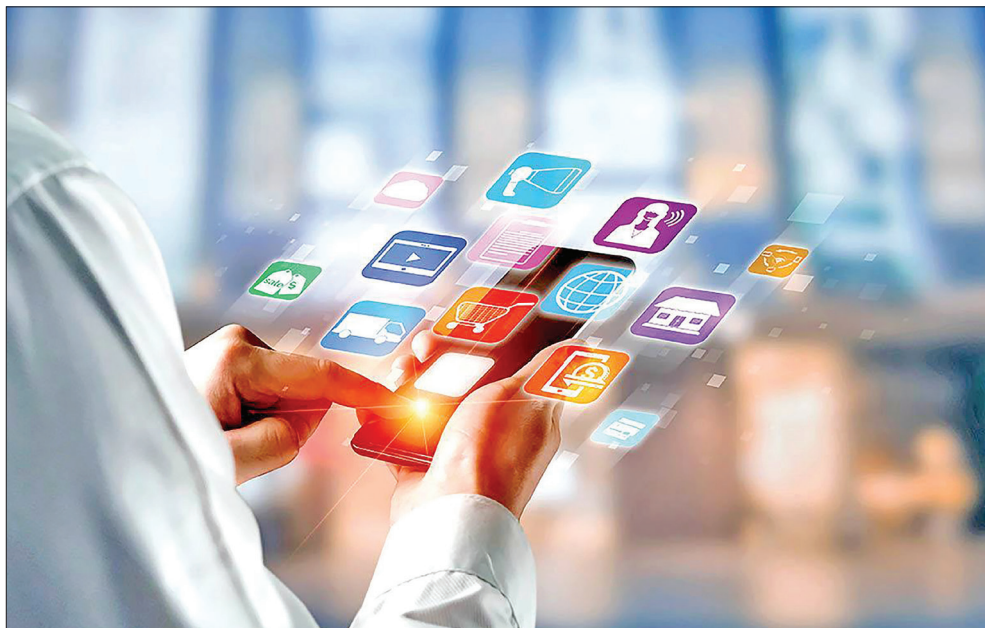
عمق ناترازی شبکه بانکی به ویژه در دهه ۹۰ به شدت افزایش یافت. با آغاز به کار دولت یازدهم، نرخ سود بانکی با وجود کاهش تورم، افزایش یافت. افزایش نرخ سود بانکی در قالب آزادسازی نرخ سود و پرهیز از تعیین دستوری نرخ انجام شد. این تصمیم مقامات اقتصادی دولت وقت، باعث بالا رفتن نرخ سود حقیقی به ۱۰ درصد و بیشتر به مدت ۳ سال شد. این وضعیت باعث افزایش شدید هزینه بانک‌ها و همزمان بروز رکود در اقتصاد کشور شد. هزینه بانک‌ها در حالی افزایش یافت که به دلیل بروز رکود، درآمد بانک‌ها از محل سود تسهیلات به همان میزان افزایش نداشت. همین مسئله موجب تشدید ناترازی بانک‌ها شد. برخی از بانک‌ها و موسسات بعضاً غیرقانونی هم برای جذب سپرده بیشتر، اقدام به افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی کردند. در نبود نظارت قدرتمند و البته فقدان سازوکارهای قانونی انحلال بانک‌های ناتراز، بحران ناترازی تقریباً در تمام شبکه بانکی فراگیر و عمیق شد. بازگشت تحریم‌ها در نیمه دوم دهه ۹۰، بحران ناترازی شبکه بانکی را تشدید کرد. مهم‌ترین علت اوج گرفتن بحران ناترازی شبکه بانکی در این مقطع، کسری بودجه شدید دولت به دلیل کاهش چشمگیر درآمد نفت بود. طبق بسیاری از محاسبات و برآوردهای مراکز و اشخاص صاحب‌نظر، رقم ناترازی بانک‌ها در پایان دهه ۹۰ و ابتدای دولت سیزدهم، به بیش از یک هزار همت رسیده بود. به بیان دیگر، ناترازی نظام بانکی به حدود یک سوم کل نقدینگی کشور رسیده بود. اوج گرفتن ناترازی نظام بانکی در حالی بود که از قضا نرخ تورم هم در پایان دهه ۹۰ به بالاترین رقم ۷۰ سال اخیر رسیده

بود و طبق آمار بانک مرکزی به ۶۰ درصد در تابستان ۱۴۰۰ رسیده بود. در چنین شرایطی، دولت سیزدهم از طریق اجرای همزمان سیاست‌های پولی و مالی، توانست ابتدا مانع تشدید این ناترازی شده و به تدریج از شدت آن بکاهد. تدوین بودجه‌های انقباضی و کنترل هزینه‌ها، احیای درآمد‌های نفتی و مالیاتی، تسویه بخش زیادی از بدهی‌های دولت به نظام بانکی و صندوق‌های بازنشستگی، بهبود تراز تجاری و افزایش ذخایر ارزی، بخشی از مهم‌ترین اقدامات دولت سیزدهم برای غلبه بر ناترازی‌های مختلف اعم از بودجه، تراز پرداخت، صندوق‌ها و خصوصاً شبکه بانکی بود.

با وجود تمام این اقدامات، ناترازی شبکه بانکی هنوز یکی از چالش‌های اصلی در مسیر مهار تورم به شمار می‌رود. ناترازی شدید به جا مانده از دهه ۹۰ در برخی از بانک‌ها، نیازمند اقدام جدی از سوی بانک مرکزی و البته همراهی تمامی ارکان حاکمیت است. رفع ناترازی بخش‌های دیگر اقتصاد از جمله بودجه دولت، صندوق‌های بازنشستگی و انرژی، اولین اقدام برای جلوگیری از تشدید ناترازی شبکه بانکی به شمار می‌رود. اقدام دیگر، تلاش برای احیای بانک‌های ناتراز قابل احیاء است. آخرین اقدام اما، حل و فصل بانک‌های ناتراز غیرقابل احیاء است. مورد اخیر با توجه به چالش‌های جدی اجتماعی، نیازمند همدلی تمام ارکان حاکمیت است به طوری که بانک مرکزی تنها جزء کوچکی از این فرآیند را تشکیل می‌دهد. تصویب قانون جدید بانک مرکزی، زمینه قانونی حل و فصل بانک‌های ناتراز غیرقابل احیاء را تا حد زیادی فراهم کرده است. با این حال، این تنها بخشی از الزامات حل بحران ناترازی نظام بانکی است. یکی از مهم‌ترین نکاتی که در احیای بانک‌های ناتراز یا حل و فصل آنها باید بدان توجه داشت، جلوگیری از انتقال زیان بانک به عموم مردم و سپرده‌گذاران خرد است. بر همین اساس، لازم است راهکارهای سیاست‌گذار به گونه‌ای اتخاذ شود که این زیان تا حد ممکن از سمت سهامداران و ذینفعان اصلی بانک جبران شود. نکته دیگری که در این مسئله باید بدان توجه کرد، نقش تعیین‌کننده عامل زمان است. از یکسو گذر زمان باعث تشدید ناترازی بانک‌ها می‌شود. از دیگر سو، ورود سریع و بی‌برنامه به مسئله، باعث تحمیل هزینه گزاف به جامعه نظیر تجربه انحلال موسسات غیرمجاز در نیمه دهه ۹۰ خواهد شد. در نتیجه مسئولان عالی کشور باید هرچه سریع‌تر به هماهنگی کامل برای حل مسئله ناترازی شبکه بانکی رسیده و با لحاظ تمامی جوانب، این مسئله را یکبار برای همیشه برطرف کرده و پس از آن، مانع شکل‌گیری مجدد چنین مسئله‌ای شوند.

ناترازی مالی
دولت و سلطه
مالی بر سیاست
پولی، ضعف
قوانین بانکی
بروز سایر
ناترازی‌ها و
سرریز آنها در
شبکه بانکی و
عدم استقلال
سیاست‌گذار
پولی، برخی
از مهم‌ترین
عواملی است
که باعث شده
نظام بانکی طی
دهه‌های اخیر
دچار ناترازی
شود





آینده نظام پرداخت‌ها به کدام سمت و سواست؟

جهش پرداخت‌های بدون وجه نقد در جهان

- قبل از همه‌گیری کووید-۱۹ نیز در اقتصادهای دنیا شاهد روندهایی از نوآوری در بانکداری الکترونیک بودیم
- در سال‌های آینده نظام پرداخت‌ها به طور فزاینده‌ای به سمت پرداخت‌های بدون وجه نقد پیش می‌روند
- صنعت پرداخت در یک جهش کوانتومی برگشت‌ناپذیر، در طول همه‌گیری پیشرفت کرد
- حجم تراکنش‌های بدون وجه نقد در جهان تا سال ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد

مهشید شاهچرا

عضو هیات علمی پژوهشکده پولی و بانکی

۵۲



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

ارزیابی محیط سیستم‌های پرداخت در ایران، مبنای مهمی برای ایجاد نقشه راه و طرحی است که به گسترش و تعیین اهداف توسعه سیستم‌های پرداخت برای برآورده کردن واقعی نیازهای کاربران و حمایت از نوآوری‌ها و توسعه‌های آتی کمک می‌کند. انتقال وجوه از جمله مسائلی است که می‌تواند با توسعه زیرساخت‌ها، امکان راحتی و هزینه پایین ارائه خدمات را برای عموم مردم و مشتریان فراهم کند. خدمات پرداخت باید به صورتی باشد که بتواند رفع نیازهای مختلف افراد جامعه را متناسب با شرایط کاری خود انجام دهد.

حتی قبل از همه‌گیری کووید-۱۹ نیز در اقتصادهای دنیا شاهد روندهایی از نوآوری در بانکداری الکترونیک بودیم، ولی کووید توانست روند فزاینده‌ای به روش‌های پرداخت برای کالاها و خدمات داده و تغییراتی را ایجاد نماید که منجر به تحولات جهانی در زمینه بانکداری الکترونیک و پرداخت‌های بدون وجه نقد شود. در سال‌های آینده نظام پرداخت‌ها به طور فزاینده‌ای به سمت پرداخت‌های بدون وجه نقد پیش می‌روند و نقش صنعت بانکی و نظام پرداخت‌ها در تقویت و توسعه اقتصادهای دیجیتال، به یک اولویت مهم تبدیل می‌شود که می‌تواند نوآوری بیشتری را در اقتصادهای جهان فعال کند.

صنعت پرداخت در یک جهش کوانتومی برگشت‌ناپذیر در طول همه‌گیری پیشرفت کرده و پیامدهای عظیمی را برای سال‌های آینده در جهان به وجود آورده است. باید در نظر داشت که در بررسی اطلاعات آماری تراکنش‌های بدون وجه نقد، تغییرات و تحولات عظیم‌تری نهفته است. نه تنها روش‌های سنتی پرداخت برای کالاها و خدمات، از جمله چک کاغذی ساده و صورتحساب‌های آنالوگ، بلکه تحولات گسترده‌تری در کل زیرساخت نظام پرداخت‌ها با ظهور مدل‌های تجاری جدید در حال تغییر شکل است. همچنین می‌توان به مواردی همچون تغییرات ساختاری عظیم در ترکیب پرداخت و اکوسیستم و ظهور پیشنهادهایی به اصطلاح "اکنون بحر، بعدا پرداخت کن"، رمز ارزها و ارزهای دیجیتال بانک مرکزی اشاره کرد.

بررسی روندهای آینده نظام پرداخت‌ها در جهان

با نگاهی به آمارهای جهانی در این زمینه می‌توان بیان کرد که آسیا-اقیانوسیه سریع‌ترین رشد در افزایش حجم تراکنش‌های بدون وجه نقد را در جهان دارد و این حجم تراکنش‌های بدون وجه نقد ۱۰۹ درصد از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ رشد دارد و این میزان طی سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰، ۷۶ درصد رشد خواهند داشت. در صورتی که این میزان در آفریقا در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵، ۷۸ درصد و در سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰، ۶۴ درصد رشد نشان می‌دهد. اروپا در جایگاه بعدی و دارای رشد حجم تراکنش‌های بدون وجه در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵، ۶۴ درصد و پس از آن در سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰، ۳۹ درصد است. آمریکای لاتین در رتبه بعدی به ترتیب دارای ۴۸ و ۵۲ درصد رشد و ایالات متحده و کانادا دارای کمترین رشد در طی این سال‌ها به ترتیب (۳۵ درصد و ۴۳ درصد) خواهند داشت. بنا بر اطلاعات داده‌های آماری موجود، حجم تراکنش‌های بدون وجه نقد در جهان تا سال ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد. صنعت پرداخت در یک جهش کوانتومی برگشت‌ناپذیر در طول همه‌گیری کرونا پیشرفت کرده و پیامدهای عظیمی را برای سال‌های آینده در جهان به وجود آورده است. طبق گزارش بانک جهانی در ژوئن ۲۰۲۱، آسیا در مسیر فراتر از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان تا سال ۲۰۴۰ قرار دارد و ۴۰ درصد از مصرف جهانی را به خود اختصاص می‌دهد که نشان‌دهنده تغییر واقعی در مرکز ثقل اقتصاد جهانی است. چین و سنگاپور از پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا از نظر دیجیتالی هستند. چین با سرعتی چشمگیر به این گروه پیوسته است. با این حال، هنگام مقایسه کشورهای آسیایی، به دلیل عوامل جمعیتی و اقتصادی منحصربه‌فرد، پویایی‌های متفاوتی در این قاره وجود دارد.

در این راستا، سه انگیزه اصلی برای افزایش پرداخت‌های دیجیتالی وجود دارد: گسترش سریع دسترسی به اینترنت تلفن همراه، مجموعه داده‌های گسترده در دسترس برای امتیازدهی اعتبار و توسعه چارچوب‌های نظارتی برای ارائه اطمینان و شفافیت بیشتر. به گفته بانک جهانی، در نتیجه چندین توافق بین کشورهای جنوب شرقی آسیا در یکپارچه‌سازی سیستم‌های

انتقال وجوه از جمله مسائلی است که می‌تواند با توسعه زیرساخت‌ها امکان راحتی و هزینه پایین ارائه خدمات را برای عموم مردم و مشتریان فراهم کند



خدمات پرداخت باید به صورتی باشد که بتواند رفع نیازهای مختلف افراد جامعه را متناسب با شرایط کاری خود انجام دهد

مالی خود، جنوب شرق آسیا در حال تبدیل شدن به یکی از توسعه یافته ترین مناطق برای پرداخت های دیجیتال است. پذیرش فزاینده استانداردهای بین المللی (رویکرد استانداردسازی برای ابتکارات مالی) می تواند ارتباطات بین سیستم های پرداخت را فزاینده و ساده تر کند. روند دیگر به گسترش قراردادهای دوجانبه در میان سایر کشورهای آسیایی برای یکپارچه سازی سیستم های پرداخت آنها اشاره دارد.

بازارهای آسیایی که به سرعت در حال رشد هستند، مدل های تجاری و نوآوری جدید را هدایت می کنند. در چین، Alipay و WeChat Pay، که به ترتیب متعلق به غول های تجارت الکترونیک Ant Group و Tencent هستند، الگوی جدیدی را با "ابر برنامه ها" به عنوان پلتفرم های پرداخت ایجاد کرده اند. در آخرین نظرسنجی جهانی از مدیران ارشد خدمات مالی، ۷۸ درصد از پاسخ دهندگان گفته اند که موسسات آسیایی تا سال ۲۰۲۵ با سرعت بیشتری نسبت به جهانی شدن و همگرایی نسبت به سایر نقاط جهان حرکت خواهند کرد و آنهایی که در اروپا و قاره آمریکا هستند، برای ادامه دادن تلاش خواهند کرد. با توجه به اهمیت استراتژیک در حال افزایش آنها، برخی از دولت ها در حال توسعه زیرساخت های پرداخت به عنوان بخشی از سیاست صنعتی برای کنترل جریان پول و داشتن پلتفرم های دیجیتال و داده هستند. در مناطق اقتصادی در حال توسعه مانند آفریقا، پرداخت ها سریع تر از میانگین جهانی رشد می کنند و به میلیون ها نفر بدون بانک اجازه می دهد بدون پول نقد به کالاهای خدمات دسترسی پیدا کنند.

دارایی اصلی ترین موضوع در همه این داده ها است. پرداخت ها تقریباً ۹۰ درصد از داده های مفید مشتریان بانک ها را تولید می کنند، اطلاعاتی در مورد اینکه چه کسی چه چیزی، چه مقدار و چه زمانی خرید می کند. این باعث ایجاد جریان های درآمدی جدید برای کسب و کارهایی که می توانند از آن داده ها درآمدزایی کنند، پرداخت می کند، اما آنها را در معرض خطرات مربوط به حریم خصوصی داده ها نیز قرار می دهد. در نظرسنجی اخیر بانک جهانی نشان داده شده است که حریم خصوصی داده ها و امنیت سایبری، به عنوان یک دسته، از نظر تأثیر تغییرات نظارتی در پنج سال آینده، مهم ترین نگرانی (۴۸ درصد)

بودند. این به مراتب بیشتر از رتبه دوم هویت دیجیتال و احراز هویت (۳۱ درصد) است و به خوبی از ارزش های دیجیتال و ارزش های دیجیتال بانک مرکزی (CBDCs) (در رتبه پنجم مشترک با ۲۸ درصد) جلوتر است.

تحولات اخیر در نحوه حرکت پول و حتی آنچه که پول را تعریف می کند، عمیق ترین تغییراتی است که در دهه های آینده در صنعت پرداخت خواهیم دید. چگونگی توسعه ماتریس پرداخت ها به نحوه واکنش بانک ها، شرکت های فناوری، تنظیم کننده ها، دولت ها و مصرف کنندگان به این تغییرات بستگی دارد.

نقشه راه نظام پرداخت ها در آینده

نقشه راه سیستم های پرداخت این است که "پرداخت دیجیتالی را به بهترین گزینه در سیستم های پرداخت گرامد، ایمن و کم هزینه که نیازهای کاربران را برآورده می کند، تبدیل کند". این نقشه راه بر توسعه زیرساخت های ضروری و اکوسیستمی تأکید دارد که توسعه نوآوری را تسهیل می کند، از رقابت حمایت می کند و نیازهای هر گروه از کاربران خدمات، به ویژه تجارت الکترونیک و تجارت اجتماعی را که به سرعت در حال رشد هستند، برآورده می کند.

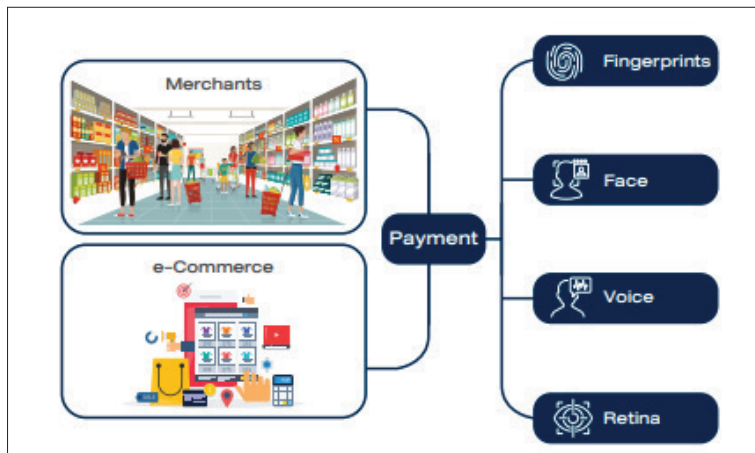
این نقشه راه در پنج بخش زیر می تواند گسترش یابد:

۱- زیرساخت قابل همکاری

تمرکز بر توسعه زیرساخت های عمدتاً از نظر ظرفیت و مدیریت ریسک باید به صورتی انجام شود که بتوانند به طور گرامد و مداوم از آنها پشتیبانی کنند. افزایش حجم و ارزش معاملات باید برای سیستم های پرداخت اصلی به منظور پشتیبانی از انتقال داده های پرداخت و داده های تجاری و همچنین اتصال با سایر کشورها اعمال شود. فرآیند الکترونیکی مشتری خود (e-KYC) را باید به خوبی شناسایی کنید و احراز هویت بیومتریک باید برای حمایت از نوآوری های پرداخت آینده ترویج شود و مدیریت پول نقد باید برای کاهش هزینه های کلی سیستم اقتصادی گرامد تر باشد.

با توجه به پیشرفت های فناوری و تحولات اجتماعی و اقتصادی در عصر دیجیتال، افزایش سریع پرداخت دیجیتال در هر بخش و خدمات پرداخت در داخل و خارج از کشور در حال توسعه برای همکاری بیشتر بین ارائه

جنوب شرق
آسیاد در حال
تبدیل شدن به
یکی از توسعه
یافته ترین
مناطق برای
پرداخت های
دیجیتال است



ایجاد خواهد شد.

توسعه خدمات پرداخت دیجیتال به جای چک، بدین صورت که برای رفع نیازهای بخش تجاری، که هنوز نیاز به استفاده دارد از چک دارند، (یعنی توسعه پرداخت دیجیتال به روشی که انجام شود دارای کیفیت های قابل مقایسه به عنوان چک)، که در ابتدا، تمرکز بر کاهش چک های مورد استفاده در معاملات (چک های معاملاتی) و متعاقباً تمرکز بر روی تحقیق و توسعه پرداخت دیجیتال به عنوان جایگزینی با همان کیفیت چک هایی که امروزه استفاده می شود، مانند پرداخت دیجیتال قابل تایید و قابل استفاده به عنوان تضمین تجاری.

۲- نوآوری

تمرکز بر توسعه خدمات مدرن است که نیازهای گروه های هدف (افراد، مشاغل و بخش عمومی) را از طریق ساخت اکوسیستمی که از توسعه نوآوری های پرداخت حمایت می کند و رقابت بین ارائه دهندگان خدمات را ارتقا می دهد، برآورده می کند. موسسات مالی تشویق خواهند شد تا هر نوآوری را آزمایش کنند تا فرصت های تجاری را بهتر به دست آورند. پروژه های آزمایشی با همکاری بخش های دولتی و خصوصی برای فرآیند کسب و کار الکترونیکی و پرداخت دیجیتالی ارتقاء خواهند یافت. این امر باعث کاهش هزینه و افزایش کارایی فرآیند می شود. از فناوری ها برای توسعه انواع مختلف خدمات، مانند پرداخت، پرداخت بدون تماس، خدمات

دهندگان خدمات، نیاز به توسعه زیرساخت پرداخت وجود دارد که دارای ظرفیت، در دسترس بودن و امنیت مناسب برای پشتیبانی از حجم و ارزش معاملات بالاتر باشد.

علاوه بر این، توسعه استانداردهای مربوط به خدمات پرداخت، مانند API (رابط برنامه نویسی برنامه) و استاندارد بیومتریک، مهم است زیرا آنها کارایی را افزایش می دهند و مدیریت ریسک را برای زیرساخت و خدمات در آینده بهبود می بخشد.

با گسترش خدمات پرداخت از طریق خدمات نوین امکان افزایش کارایی ساختار مدیریت و وجه نقد کشور به ویژه وجه نقد در سیستم های خودپرداز افزایش یافته و از بهبود فرآیندهای کاری و استفاده از منابع مشترک، تقسیم نقش ها و وظایف بین طرفین و ایجاد ساختارهای مناسب برای هزینه خدمات ایجاد خواهد شد. همچنین تشویق به ارتباط متقابل بین پرداخت دیجیتال و سایر سیستم های زیرساخت مهم مانند سیستم حمل و نقل عمومی ایجاد خواهد شد. با تشویق به استفاده از فناوری بدون تماس مناسب، مانند فناوری NFC برای پرداخت هزینه های حمل و نقل، و توسعه خدمات پرداخت که به سیستم های دولتی به منظور ارائه خدمات دولتی آنلاین سراسر برای عموم و بخش تجاری، مانند سیستم خدمات یک مرحله ای دولت، سیستم پنجره واحد ملی/پلتفرم تجارت دیجیتال و سیستم های پرداخت برای ابزارهای مالی نیز



و اعتماد به سیستم‌های پرداخت از طریق اتخاذ استانداردهای امنیتی بین‌المللی برای مقابله با تهدیدات سایبری در سطح سازمانی و ملی ایجاد شود. مکانیسم‌های حاکمیتی صحیح نیز در صنعت پرداخت ایجاد خواهد شد. علاوه بر این، حفاظت مشتری تقویت شود و تکنیک‌های نظارت برای مناسب بودن با انواع خدمات و سطح ریسک (نظارت مبتنی بر ریسک) به منظور ترویج نوآوری‌ها و کاهش بار بر دوش ارائه‌دهندگان خدمات. بهبود خواهد یافت.

۵- اطلاعات

تمرکز بر توسعه یک معماری داده‌های پرداخت جامع با تبادل و ادغام داده‌ها با نهادهایی است که این آمادگی را دارند که بهبود کارایی تجزیه و تحلیل داده‌ها و استفاده برای اهداف مختلف، از جمله توسعه نوآوری مالی، سیاست‌گذاری و کارهای نظارتی تحت داده‌های مناسب و دقیق انجام دهند و علاوه بر آن حاکمیت و شیوه‌های حفظ حریم خصوصی داده‌ها را نیز با اهمیت بشمارند.

در سال ۲۰۲۳ با تمرکز بیشتر بر مشتری‌مداری، بانک‌ها به دنبال تامین نیازهای مشتریان خود بودند و با گسترش (اکتون بخر، بعدا پرداخت کن) می‌توان توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط را ایجاد کرد. معماری جدید در بانکداری الکترونیک در سال ۲۰۲۳ بدین صورت بود که سیستم‌های تکنولوژی پرداخت خود را با استفاده از فضای ابری گسترش دهند و با افزایش پرداخت‌های برون مرزی، بلادرنگ افزایش نقدینگی و بهبود جریان نقدی در مبادلات ایجاد می‌شود. بنابراین، می‌توان به طور خلاصه در مسیرهای زیر به دنبال تغییرات به وقوع پیوسته در این صنعت باشیم:

تمرکز بر مشتری‌مداری

- گسترش (اکتون بخر، بعدا پرداخت کن) و ارائه اعتبارهای کوتاه مدت بدون وثیقه و مقررات‌گذاری کمتر در فضای کسب و کار
- استفاده از داده‌های مشتری برای درک بهتر از نیازهای مشتریان

ایجاد و فعال سازی داده‌های جدید

- پذیرش جهانی استاندارد ISO ۲۰۰۲۲ برای بهبود ردیابی و افزایش سرعت پردازش در زنجیره ارزش
- تلاش بیشتر بانک‌های مرکزی برای پیاده‌سازی ارز دیجیتال



اضافی، یک سرویس پرداخت جایگزین به جای چک و نقل و انتقال وجوه برون مرزی و پرداخت‌هایی که راحت و کم هزینه هستند، استفاده می‌شود.

۳- شمول

تمرکز بر ارتقای دسترسی و افزایش استفاده از پرداخت دیجیتال در هر بخش است. نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی که با افراد زیادی تعامل دارند تشویق می‌شوند تا از پرداخت دیجیتال بیشتری استفاده کنند و کاتالیزوری برای کمک به گسترش استفاده از پرداخت دیجیتال خواهند بود. هزینه‌های مربوط به خدمات پرداخت موبایلی نیز کاهش می‌یابد تا ساکنان مناطق روستایی بتوانند با هزینه‌های کمتری به خدمات دسترسی داشته باشند و از آن استفاده کنند. علاوه بر این، ارتقاء و سوادآموزی در خصوص استفاده مناسب و ایمن از خدمات و فناوری‌های پرداخت دیجیتال اجرا می‌شود تا کاربران خدمات نسبت به خدمات اطمینان داشته باشند و خدمات مناسب را انتخاب کنند.

۴- مصونیت

تمرکز بر این است که پایه‌ای برای تقویت ثبات



- تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط بانک‌ها برای تامین نیازهای مشتریان

تغییر در پویایی‌های صنعت

- ایجاد معماری ترکیبی برای ایجاد مزیت‌های رقابتی کارا
- افزایش پرداخت‌های برون‌مرزی بلادرنگ برای افزایش سرعت و حجم تراکنش منطقه‌ای
- ایجاد رویکرد اکوسیستم END to end برای ساده‌سازی فرآیند تسویه در مراکز پرداخت

تاب‌آوری کسب و کار

- نوآوری pay Tec و افزایش فعالان در اکوسیستم

چشم‌اندازهای جدید

- استفاده از توکن‌سازی در زیرساخت‌های پرداخت کارتی امن
- استفاده از کارت‌های سازگار با طبیعت و محیط زیست، مبتنی بر فضای ابری و پایدار
- پرداخت QR، نوع جدیدی از پرداخت از طریق تلفن همراه، راحت، سریع و مقرون به صرفه است و پرداخت دیجیتالی را برای دسترسی به SMEها و مغازه‌های کوچک، امکان‌پذیر می‌سازد. پرداخت QR همچنین می‌تواند برای ارائه خدمات پرداخت بین‌المللی بیشتر توسعه یابد. از فروش آنلاین کالا پشتیبانی کند و سایر خدمات پرداخت را برای کاربران مختلف تسهیل کند. همه این خدمات کاربران عمومی، بخش تجاری و SMEها را در استفاده از خدمات پرداخت دیجیتال ترغیب می‌کند.
- مزایای استفاده از کیو آر کد در خدمات پرداخت به شرح زیر است:

- ۱- مطابق با استانداردهای بین‌المللی و ارائه دسترسی به زیرساخت‌های مشترک برای ارائه‌دهندگان خدمات و کاربران خدمات در داخل کشور و یا کشورهای خارجی
- ۲- کانال‌های پرداختی را که راحت و کم‌هزینه هستند افزایش می‌یابد و SMEها را قادر می‌سازد تا دسترسی آسان‌تری به پرداخت دیجیتال داشته باشند.
- ۳- پولی که مستقیماً به حساب بازرگانان واریز می‌شود، با تطبیق تراکنش آسان‌تر از تراکنش‌های نقدی به صورت آسان و امن انجام می‌شود.

۴- حمایت از توسعه نوآوری‌های مالی مدرن و خدمات پرداخت، مانند وام‌دهی مبتنی بر اطلاعات، یا بهبود محصولات مالی برای پاسخگویی بهتر به نیازهای مشتریان.

منابع و مآخذ:

-Alberola, E and I Mattei (2022): "Central bank digital currencies in Africa", BIS Papers, no 128, November. Auer, R, G Cornelli and J Frost (2020a): "Covid-19, cash, and the future of payments", BIS Bulletin, no 3, April -FSB (Financial Stability Board). 2020. "Big Tech Firms in Finance in Emerging Market and Developing Economies Market Developments and Potential Financial Stability Implications." October 12. <https://www.fsb.org/wp-content/uploads/P121020-1.pdf>.
 -Federal Reserve (2021): "Developments in Noncash Payments for 2019 and 2020: findings from the Federal Reserve Payments Study (FRPS)", <http://www.federalreserve.gov/paymentsystems/december-2021-findings-from-the-federal-reserve-payments-study.htm>.
 -International Monetary Fund (IMF) (2021): "Policy response to Covid-19 Policy Tracker", <https://www.imf.org/en/Topics/imf-and-covid19/Policy-Responses-to-COVID-19>, last updated on 2 July.

۵۷



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

نرخ تورم تولیدکننده - PPI



ترسیم چشم انداز مثبت اقتصادی

تورم پیش نگر در کف ۶۷ ماهه

- نرخ تورم تولیدکننده بعد از گذشت ۶۷ ماه، وارد کانال ۲۰ درصد شد
- با توجه به کاهش قابل ملاحظه تورم پیش نگر، می توان انتظار داشت روند کاهشی نرخ تورم مصرف کننده (CPI) نیز در سال جاری تداوم یابد
- نرخ تورم تولیدکننده از ۱۰۳ درصد در بهار ۱۴۰۰ به ۲۸ درصد در زمستان ۱۴۰۲ کاهش یافته است

شاخص بهای تولیدکننده در خرداد ماه امسال نسبت به فروردین سال ۱۴۰۲ از ۴۰۰۷ درصد به ۲۵۰۳ درصد کاهش یافت، که معادل ۱۵۰۴ واحد درصد کاهش است. همچنین، نرخ تورم سالانه شاخص بهای تولیدکننده نیز در خرداد ماه امسال نسبت به فروردین سال ۱۴۰۲، بر مبنای آمار بانک مرکزی با ۷۰۶ واحد درصد کاهش، از ۳۷۰۳ درصد به ۲۹۰۷ درصد رسید.

سیاست های بانک مرکزی به منظور تثبیت نرخ ارز و کاهش نوسانات بازار ارز به همراه مهار رشد نقدینگی، همزمان با تامین نقدینگی بنگاه های صنعتی، خدماتی و تولیدی برای سرمایه در گردش از جمله اقداماتی بوده که نقش موثری را در کاهش مستمر نرخ تورم تولیدکننده ایفا کرده است. برپایه آخرین آمار ارائه شده از سوی بانک مرکزی، نرخ تورم نقطه به نقطه

۵۸



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

با افزایش شفافیت افق دید سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان به دلیل اتخاذ سیاست‌های ضد تورمی در دولت سیزدهم و اجرای بسته سیاست‌های تثبیت اقتصادی توسط بانک مرکزی در طی یکسال گذشته، از تحمیل فشار هزینه از ناحیه افزایش قیمت مواد اولیه به بنگاه‌های تولیدی جلوگیری شد و ثبات نرخ ارز منجر به کاهش چشمگیر تورم تولیدکننده در این بازه زمانی شد. سیاست‌های تثبیت اقتصادی و انضباط مالی دولت سیزدهم در بازه کوتاه مدت، اثر خود را بر شاخص PPI گذاشته است و با توجه به کاهش قابل ملاحظه تورم پیش‌نگر، می‌توان انتظار داشت روند کاهش نرخ تورم مصرف‌کننده (CPI) نیز در سال جاری تداوم یابد. شاخص بهای تولیدکننده متوسط قیمت کالاها و خدماتی را نشان می‌دهد که بنگاه‌ها به ازای تولید کالا و خدمات دریافت می‌کنند، پس در واقع PPI بانگهی دقیق‌تر تغییرات هزینه‌های تولیدکننده در روند تولید را در مقایسه با دوره مشابه گذشته نشان می‌دهد. تغییرات شاخص بهای تولیدکننده یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش تغییرات قیمت فروش کالاها و خدمات را نشان می‌دهد و به صورت یک شاخص وزنی از میانگین قیمت کالاها و خدمات محاسبه می‌شود. افزایش شاخص قیمت تولیدکننده نشانه بالارفتن هزینه‌های تولید و این افزایش قیمت‌ها در نهایت روی مصرف‌کنندگان اثر خواهد گذاشت.

انریخشی سیاست‌های پولی و مالی در مهار تورم تولیدکننده

نگاهی به آخرین آمارهای تورم تولیدکننده، نشان دهنده روند نزولی این شاخص از ابتدای روی کار آمدن دولت سیزدهم در تابستان ۱۴۰۰ است. به عبارت دیگر، نرخ تورم تولیدکننده ۱۰۳ درصد در بهار ۱۴۰۰ به ۲۸ درصد در زمستان ۱۴۰۲ کاهش یافته است که افت ۷۵ واحد درصدی را نشان می‌دهد. بررسی تورم تولیدکننده در فعالیتهای مختلف اقتصادی نیز بیانگر افت قابل توجه این شاخص در طی این بازه زمانی است. با اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی فشار هزینه بنگاه‌ها مهار شد و با کاهش تورم تولیدکننده، برآورد می‌شود که تورم مصرف‌کننده در ماه‌های آتی روند نزولی خود را ادامه دهد. همچنین یکی از اقدامات مهم دولت که بر نرخ تورم تولیدکننده اثر گذاشت، تسهیل صادرات محصولات و واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات مورد نیاز تولید در دو سال گذشته بود. اقدام دولت گام مهمی در کاهش فشار هزینه‌ای تورم به‌شمار می‌رود. از دیگر اقدامات مهم دولت سیزدهم برای کنترل تورم به ویژه از ناحیه تولید، مشوق‌های مالیاتی برای تولیدکنندگان بوده است. این اقدام دولت،

اثر محسوسی بر هزینه بنگاه‌های تولیدی و کاهش قیمت تمام‌شده گذاشته است. در کنار سیاست‌های تجاری و مالی دولت به منظور کاهش پایدار تورم تولیدکننده، تصمیماتی که بانک مرکزی به منظور تثبیت نرخ ارز و کاهش نوسانات بازار ارز انجام داد، سیاست‌های پولی فعال بانک مرکزی به منظور هدایت اعتبار به سمت تولید و تامین نقدینگی بنگاه‌های صنعتی، خدماتی و تولیدی برای سرمایه در گردش، ایجاد و توسعه فعالیت‌ها از طریق اعطای تسهیلات از جمله اقداماتی بوده که نقش موثری را در کاهش مستمر نرخ تورم تولیدکننده ایفا کرده است.

سیگنال کاهش تورم مصرف‌کننده باتداوم روند نزولی تورم تولیدکننده

با توجه به اینکه موضوع انتقال قیمت و هزینه تولید در تحلیل وضعیت تورم و اخذ سیاست‌های کنترلی نقش مهمی را ایفا می‌کند، بررسی روابط میان شاخص‌های قیمت نتایج قابل توجهی را ارائه می‌دهد. براساس مطالعات و پژوهش‌های مختلف، رابطه مثبتی میان شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده وجود دارد. تورم مصرف‌کننده (CPI) ماهیت فشار تقاضا و تورم تولیدکننده (PPI) ماهیت فشار هزینه را نمایان می‌کند. به بیان دیگر، شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده عموماً به عنوان قیمت‌های متفاوت کالاها در طول زنجیره تولید شناخته می‌شوند. عموماً اینچنین فرض می‌شود که با افزایش هزینه‌های تولید و به دنبال آن افزایش PPI، تولیدکنندگان افزایش هزینه خود را به افزایش قیمت کالای نهایی منتقل می‌کنند و این امر منجر به افزایش CPI می‌شود. رابطه علیت از PPI به CPI نشانگر تورم ناشی از فشار هزینه است. ماهیت فشار هزینه‌ای تورم بیانگر این امر است که تغییرات قیمت تولیدکننده در مرحله اول زنجیره عرضه به مرحله بعدی و پیوسته به قیمت نهایی مصرف‌کننده منتقل می‌شود. طبق این نگاه PPI و CPI از طریق زنجیره تولید با یکدیگر در ارتباط هستند. بر همین اساس، با افزایش PPI برای قیمت مواد اولیه که در تولید کالاهای واسطه‌ای به کار می‌روند، قیمت کالاهای واسطه‌ای افزایش یافته و با رشد قیمت کالای واسطه‌ای که در تولید کالای نهایی به کار می‌رود، تورم تولیدکننده برای قیمت کالاهای نهایی افزایش یافته و در نهایت این اتفاق منجر به افزایش تورم مصرف‌کننده می‌شود. با توجه به اهمیت این موضوع، تورم تولیدکننده نقش تورم پیش‌نگر را در اقتصاد ایفا می‌کند. PPI با تورم تولیدکننده در اقتصاد کلان از آنجا با اهمیت شمرده می‌شود که شاخص پیش‌رانی برای تورم مصرف‌کننده (CPI) محسوب می‌شود.

نرخ تورم
نقطه به نقطه
شاخص بهای
تولیدکننده
در خرداد ماه
امسال نسبت
به فروردین ۱۴۰۲
از ۴۰.۷ درصد
به ۲۵.۳ درصد
کاهش یافت



اجرای سیاست انقباض پولی برای مهار تورم

وقوع انقلاب دیجیتالی در نظام بانکی هند

- بستر جامع خدمات بانکی و مالی هند در حال گذراندن یک انقلاب دیجیتالی پس از وقوع پاندمی کرونای ۲۰۱۹ است
- در افاق میان مدت ۲۰۲۷ و هم در افاق بلند مدت ۲۰۳۲ صنعت بانکداری خصوصی در هند متحول می شود
- کمتر از ۸۰ درصد از سهم بازار صنعت بانکی هند در اختیار بانک های دولتی است
- تعداد تراکنش های دیجیتال در هند از مجموع تراکنش های دیجیتالی در ایالات متحده، چین و اروپا بیشتر خواهد شد

۶۰



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

صنعت
بانکداری و
خدمات مالی
هند به دلیل
افزایش شمول
مالی و رشد
طبقه متوسط
به مسیر رشد
خود تا افق
بلندمدت ۲۰۳۲
ادامه می دهد

بورس ملی هند یکی از بزرگترین بازارهای سهام در سطح جهان است و بورس اوراق بهادار بمبئی (BSE) نیز از نظر ارزش بازار، به سرعت در حال توسعه و گسترش است. در حالی که بازارهای سرمایه هند به دلیل افزایش نرخ بهره، با تضعیف چشم انداز رشد کوتاه مدت مواجه هستند، اما به نظر می رسد تلاش های دولت این کشور برای آزادسازی بازار به منظور امکان توسعه حضور شرکت های واجد شرایط داخلی در بورس های خارجی و تقویت بستر عرضه های اولیه سهام (IPO)، شرایط رشد قابل توجه این صنعت در افق میان مدت و بلندمدت ۲۰۳۲ را فراهم خواهد کرد.

خلاصه چشم انداز نسبت به آخرین روندها و تحولات

بانک مرکزی هند و بانک مرکزی امارات متحده عربی، یک تفاهم نامه همکاری مشترک بلندمدت را در مارس ۲۰۲۳ به امضا رساندند که بر اساس آن، هر دو نهاد پولی تلاش های مشترکی را برای توسعه زیرساخت های فین تک، پرداخت های تکنولوژیکی و خلق و انتشار دارایی های دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) به انجام خواهند رساند.

هیات بورس و اوراق بهادار هند انتظار دارد که در پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲، تعداد شرکت های نمایه شده در بازار سرمایه هند، با رشد بیش از ۲۵ درصدی روبرو شود. همچنین این نهاد، پیش بینی افزایش ۳۰ درصدی در عرضه های اولیه عمومی سهام را تا پایان بازه زمانی فوق الذکر در این بازار دارد.

وضعیت شاخص ریسک صنعت مالی و بانکداری هند

محاسبه امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای هند (BIRI)، عدد ۳۴.۵۶ از ۱۰۰ را نشان می دهد که حکایت از سطوح بالای ریسک بخش بانکی برای اتمسفر مالی و اقتصادی هند را دارد که این سطح از ریسک، زیربنای کسب امتیاز پایین در شاخص برای صنعت بانکداری هند به دلیل وضعیت نامطلوب مؤلفه مالی دولتی و تضعیف مکرر و مستمر متغیرهای نوسان اقتصادی این کشور بوده است. با این امتیاز، هند در رتبه بندی ۱۲۲ کشوری این شاخص، در جایگاه هشتماد و چهارم جهان قرار گرفته است. به گفته کارشناسان و خبرگان مالی و اقتصادی، امتیاز BIRI هند، نشان دهنده ریسک های نسبتاً بالای بی ثباتی مالی در اقتصاد هند، به سبب

بررسی تحلیل موسسه اعتبارسنجی فیچ نشان می دهد که پیش بینی شده صنعت بانکداری و خدمات مالی هند به دلیل افزایش شمول مالی و رشد طبقه متوسط، به مسیر رشد خود تا افق بلندمدت ۲۰۳۲ ادامه دهد. در واقع، بستر جامع خدمات بانکی و مالی هند در حال گذراندن یک انقلاب دیجیتال پس از وقوع پاندمی کرونا و ۲۰۱۹ است و انتظار می رود که در سال های آتی، به ویژه تا پایان افق میان مدت ۲۰۲۷ و افق بلندمدت ۲۰۳۲، هند در صنعت مالی دیجیتال جهان، به یک کشور پیشواز و پیشگام مبدل شود.

با وجود چالش های ناشی از پرداخت وام های اضطراری و پیش بینی نشده به کسب و کارهای هندی، همچنان شاخص های کلان نظام بانکی هند در سطح استاندارد باقی مانده که این امر، امکان رشد صنعت بانکداری این کشور در چشم انداز بلندمدت ۲۰۳۲ را فراهم خواهد کرد. بانک مرکزی هند با انتخاب مسیر انقباض پولی و کاهش تقاضای بخش اعتبارات، در تلاش برای مهار تورم و انتظارات تورمی در جهت بهبود وضعیت صنعت بانکداری این کشور برای عبور موفق از افق کوتاه مدت به افق میان مدت و بلندمدت است.

پیش بینی شده است که تا پایان چشم انداز بلندمدت ۲۰۳۲، صنعت مدیریت دارایی هند با توجه به تمایل و اشتیاق فزاینده سرمایه گذاران خرد و کلان داخلی و خارجی به بسترهای فناوریانه، فین تک و علوم زیستی، با نرخ رشد بالفعل محسوسی روبرو شود. همچنین انتظاری رود که در همین افق زمانی مذکور، حجم کل دارایی های صندوق های سرمایه گذاری مشترک، رشد قابل توجهی را تجربه کند، به طوری که تا پایان سال ۲۰۳۲، سرمایه گذاران حقیقی ۵۵ درصد و سرمایه گذاران حقوقی و نهادی، ۴۵ درصد از دارایی های کل این صندوق ها را در اختیار بگیرند.

هند، چهارمین بازار بزرگ بیمه عمومی در آسیا و همچنین چهاردهمین بازار بزرگ بیمه عمومی در جهان است. با توجه به برنامه ریزی های میان مدت و بلندمدت صورت گرفته، سازمان تنظیم مقررات و توسعه بیمه هند (IRDAI) متعهد شده است که با حمایت از اقدامات و طرح های نوآورانه، جایگاه صنعت بیمه هند در هردو بخش بیمه های عمر و بیمه های عمومی و تخصصی را در آسیا و جهان، ارتقا دهد.

بانک مرکزی
هند با انتخاب
مسیر انقباض
پولی و کاهش
تقاضای بخش
اعتبارات، در
تلاش برای مهار
تورم و انتظارات
تورمی است

۶۲



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

فعالیت‌ها و اقدامات ناآرام دولت این کشور است.

تحلیل بازار خدمات بانکی و مالی هند بر مبنای ماتریس SWOT

نقاط ضعف

- پیامدهای منفی اقدامات هلدینگ مالی آدانی، به اعتماد سرمایه‌گذاران هندی نسبت به صنعت مالی این کشور آسیب رساند
- تمرکز بیش از حد بر تامین مالی خُرد و طرح‌های ضمانت اعتباری، احتمال افزایش حجم وام‌های غیرجاری (NPL) را افزایش می‌دهد
- کارمزدهای بالا در صنعت مدیریت دارایی و آگاهی کم و اندک مشتریان خُرد، رشد بالقوه بازار سرمایه و بازار دارایی‌های هند را محدود می‌کند
- شکاف بیمه‌ای پایدار در میان گروه‌های بزرگ جمعیت شهری هند
- بانک‌های دولتی هند، همچنان با حجم بالایی وام‌های غیرجاری ناشی از تامین مالی خُرد روستایی مواجه هستند

نقاط قوت

- افزایش همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه مالی و اقتصادی در پی امضای توافقنامه بین بانک مرکزی هند و بانک مرکزی امارات
- بهبود تقاضای داخلی برای همه طیف از خدمات مالی با وجود افزایش فشارهای تورمی
- توسعه رژیم نظارتی قدرتمند که از نقدینگی بالا و سطوح امن سرمایه بیشتر موسسات مالی هندی، حمایت می‌کند
- ضریب نفوذ رو به رشد روستاها به ویژه در بخش‌های بانکی و بیمه‌ای
- حجم بالا و رو به رشد سرمایه‌گذاران خُرد و حقیقی، رشد پایداری را برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری هندی ایجاد خواهد کرد

تهدیدها

- طرح ضمانت اعتباری دولت هند، می‌تواند موجب رشد غیرقابل کنترل و ایجاد حجم زیادی از وام‌های غیرجاری شود
- وام‌های بدون وثیقه و NPL‌ها، حفظ نسبت‌های کفایت سرمایه را برای بانک‌ها دشوار کرده و خطر بی‌ثباتی‌های بالقوه یا افزایش هزینه‌ای سرمایه‌گذاری را به دنبال خواهد داشت
- اقتصاد هند همچنان متکی به آب و هوا است و همچنان در فصل باران‌های موسمی، شاهد تورم بالقوه قیمت‌ها هستیم
- عملکرد ضعیف اخیر شرکت‌های فناوریانه در بورس‌های داخلی هند، می‌تواند موجب کاهش

تقاضای سهام و در نتیجه، کاهش رشد بازارهای سرمایه این کشور شود

فرصت‌ها

- محرک‌های دولتی، نرخ‌های بهره پایین و بهبود حاشیه سود خُرد فروشی در حوزه بانکی، باعث افزایش پرداخت تسهیلات مسکن و خودرو شد و این امر نیز خود، موجب افزایش شاخص تقاضای کل اقتصاد برای همه خدمات صنعت مالی هند شد
- توسعه فرآیند دیجیتال شدن به ویژه در حوزه بانک، بیمه و سرمایه‌گذاری خُرد، بستر تقاضای جدید را در میان اقشار مختلف مردم هند ایجاد می‌کند
- هند همچنان در مولفه‌های پرداخت نوآورانه، پیش‌تاز است و جمعیت کثیری از شهروندان هندی، از طیف وسیعی از خدمات مالی فناوریانه و پرداخت‌های دیجیتالی استفاده می‌کنند
- ادامه روند ادغام بانک‌های دولتی و افزایش سقف سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، بستر و امکانات بیشتری برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های فناوریانه و نوآورانه ایجاد می‌کند

بازار خدمات صنعت بانکداری در هند

چشم‌انداز بلندمدت ۲۰۳۲ برای رشد صنعت بانکداری هند از منظر حجم دارایی‌ها و ارزش کل بازار، تا حد زیادی مثبت است و پیش‌بینی شده که این امر با رشد سریع طبقه متوسط و بهبود نرخ‌های شمول مالی، تقویت شود. با این حال انتظار می‌رود با توجه به استمرار افزایش نرخ‌های بهره و تضعیف تقاضا و مصرف خانوارها و همچنین پس زمینه تورمی بالا، ارائه تسهیلات اعتباری در افق کوتاه‌مدت، با کندی و کاهش معناداری روبرو شود.

از سوی دیگر، پیش‌بینی شده است که هم در افق میان‌مدت ۲۰۲۷ و هم در افق بلندمدت ۲۰۳۲، صنعت بانکداری خصوصی در هند به سبب پیشرفت‌های تکنولوژیکی و انقلاب دیجیتالی پیش‌رو، به تدریج متحول شود.

(نمودار ۱)

پیش‌بینی شده است که در افق بلندمدت ۲۰۳۲، با بهبود زیرساخت‌های فناوریانه و توسعه انقلاب دیجیتالی در صنعت بانکداری هند و همچنین کاهش نرخ تورم بلندمدت، شاهد افزایش حجم ارائه تسهیلات اعتباری به میزان حداقل ۲۵ درصد بیشتر از مقدار فعلی باشیم. صنعت بانکداری هند متشکل از ۱۲ بانک دولتی،

هند، چهارمین
بازار بزرگ بیمه
عمومی در آسیا
و همچنین
چهاردهمین
بازار بزرگ بیمه
عمومی در
جهان است

خارجی باعث شده تا بانک دولتی هند در بازارهای جهانی، حضور پُررنگ داشته باشد. با آنکه صنعت بانکداری به سرعت به روند آزادسازی خود ادامه می‌دهد، اما همچنان بانک دولتی هند نقش مهمی در اقتصاد این کشور بازی می‌کند.

• شرکت خدمات مالی و بانکداری هندی اچ‌دی‌اف‌سی بانک (HDFC Bank)

شرکت خدمات مالی و بانکداری هندی اچ‌دی‌اف‌سی بانک، با ارزش دارایی ۲۲.۹ میلیون روپیه، در جایگاه دومین بانک بزرگ تجاری هند قرار گرفته است.

اچ‌دی‌اف‌سی بانک، بلافاصله پس از آغاز روند آزادسازی در صنعت بانکداری هند در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد و فعالیت خود را از ژانویه ۱۹۹۵ شروع کرد.

این بانک ابتدا فعالیت خود را به عنوان یک نهاد وام‌دهنده در حوزه مسکن آغاز کرد و پس از آن، اقدامات تخصصی خود را با پیشگامی در حوزه تسهیلات رهنی خرده فروشی، توسعه داد. این بانک به عنوان بزرگترین موسسه مالی هندی در ارائه تسهیلات و وام‌های رهنی، بیش از ۴۴۰ هزار سهامدار حقیقی دارد.

اچ‌دی‌اف‌سی بانک در سال ۲۰۰۰ با تایمز بانک و در سال ۲۰۰۸، از طریق معاوضه سهام، با بانک سنتوریون پنجاب ادغام شد. این ادغام‌ها، ارزش قابل توجهی را به این بانک از نظر افزایش شبکه شعب، دسترسی جغرافیایی و پایگاه مشتریان اضافه کرد.

در حال حاضر، اچ‌دی‌اف‌سی بانک دارای بیش از ۴۰۰۰ شعبه در سراسر هند است که با داشتن تعداد شعب بیشتر در مناطق نیمه شهری و روستایی، پتانسیل رشد سپرده‌های خرده فروشی قوی‌تری را در آینده خواهد داشت.

• شرکت خدمات مالی و بانکداری هندی آی‌سی‌سی‌آی بانک (ICICI Bank)

شرکت خدمات مالی و بانکداری هندی آی‌سی‌سی‌آی بانک، با ارزش کل دارایی ۱۵.۲ تریلیون روپیه، به عنوان سومین بانک بزرگ تجاری هند شناخته می‌شود.

آی‌سی‌سی‌آی بانک که در بمبئی مستقر است، مالک شبکه‌ای از ۵۲۷۵ شعبه و ۱۵۵۸۹ دستگاه عابر بانک در سراسر هند و ۱۷ کشور جهان است.

• **بانک ملی پنجاب (Punjab National Bank/PNB)**
بانک ملی پنجاب، با مجموع دارایی ۱۴۰.۱ تریلیون روپیه، چهارمین بانک بزرگ تجاری در هند از منظر ارزش و حجم دارایی است. بانک ملی پنجاب، قدیمی‌ترین موسسه مالی

۲۲ بانک خصوصی، ۱۲ موسسه مالی و اعتباری کوچک، ۴۵ بانک خارجی و ۴۳ بانک منطقه‌ای روستایی است. همچنین هزاران بانک تعاونی شهری و روستایی در مقیاس کوچک در سراسر هند فعال هستند.

کمتر از ۸۰ درصد از سهم بازار صنعت بانکی این کشور در اختیار بانک‌های دولتی و الباقی متعلق به بانک‌های خصوصی است.

بخش بانکداری خصوصی هند از سلامت بهتر و کارایی عملیاتی به مراتب بالاتری نسبت به بخش بانکداری دولتی این کشور برخوردار است و از زمان آزادسازی مالی در اوایل دهه ۹۰، هدایت این بازار را در هند در اختیار داشته است.

به زعم بسیاری از کارشناسان مالی و اقتصادی، رشد فزاینده سرمایه‌گذاری در بسترهای فناورانه و دیجیتالی شدن صنعت بانکداری هند، موجب بهبود وضعیت شاخص‌های رشد و نقدینگی و بهبود روند سودآوری این صنعت در افق بلندمدت ۲۰۳۲ خواهد شد.

به گفته انوراگ جین، دبیر دپارتمان ارتقای صنعت و تجارت داخلی هند (DPIIT)، تا قبل از پایان چشم‌انداز بلندمدت ۲۰۳۲، تعداد تراکنش‌های دیجیتالی در هند از مجموع تراکنش‌های دیجیتالی در ایالات متحده، چین و اروپا بیشتر خواهد شد.

بانک‌های عامل برتر هند در افق ۲۰۳۲

• بانک دولتی هند (SBI/State Bank of India)

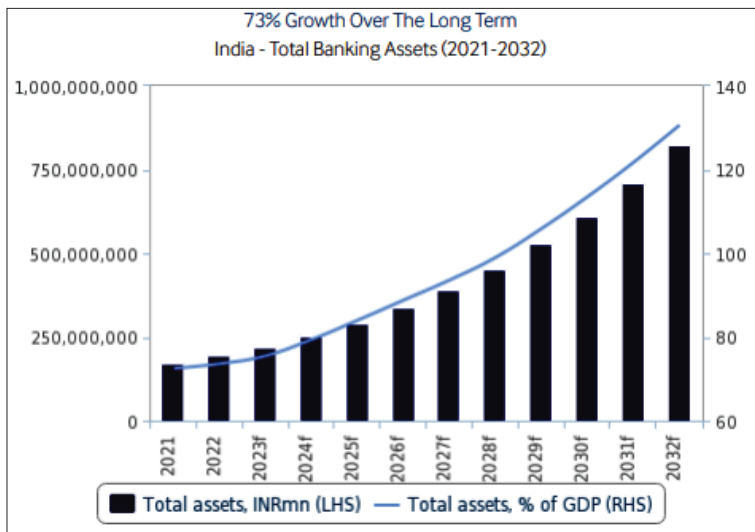
بانک دولتی هند، هلدینگ بزرگ خدمات مالی و بانکداری هندی است که با مجموع دارایی ۵۷.۵ تریلیون روپیه، بزرگترین بانک تجاری در صنعت بانکداری هند از نظر حجم و ارزش دارایی محسوب می‌شود و دفتر مرکزی آن در بمبئی است.

بانک دولتی هند که یک موسسه مالی نشأت گرفته از بانک امپراتوری هند است، پس از ادغام با تعدادی از بانک‌های کوچک‌تر، در سال ۱۹۵۵ و پس از استقلال رسمی کشور هند، تأسیس شد.

فعالیت‌های اصلی این بانک در حوزه کمک به توسعه روستایی به منظور حفظ و نوسازی صنعت کشاورزی و همچنین پاسخ به نیازهای رو به رشد توسعه اقتصاد ملی بوده است. از سال ۲۰۱۳، بانک دولتی هند به عنوان یک نهاد بانکی پیشرو در ارائه خدمات مالی به زنان، مطرح شد.

دولت هند، سهامدار اصلی این بانک است، اما نهادهای خارجی نقش مهمی را به عنوان سهامداران اقلیت حفظ کرده و این پست‌ها





نمودار ۱

رشد سالانه کل دارایی های
بانکی هند (۲۰۲۱-۲۰۳۲)

و انتظار می رود که با بهبود نرخ اشتغال رسمی و افزایش درآمد سرانه شهروندان هندی، ارزش و حجم کل بازار بیمه هند به طور پیوسته تا پایان چشم انداز بلندمدت ۲۰۳۲، رشد قابل توجهی یابد.

همچنین انتظاری رود چه در افق کوتاه مدت و چه در افق بلندمدت، همچنان ارزش کل بازار بیمه عمر، برتری محسوسی نسبت به بازار بیمه های عمومی و تخصصی داشته باشد که منعکس کننده تقاضای قابل توجه برای محصولات بیمه ای حوزه پس انداز و بازنشستگی است.

از سوی دیگر در چشم انداز بلندمدت ۲۰۳۲، خدمات حوزه سلامت و بیمه وسائط نقلیه، همچنان بیشترین فعالیت های پذیره نویسی در بازار بیمه های عمومی و تخصصی را به خود اختصاص خواهند داد.

انتظار می رود که تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲، صنعت بیمه هند در هر بخش بیمه های عمر و بازار بیمه های عمومی و تخصصی، به نرخ رشدی معادل ۷ تا ۹ درصد دست یابد که این مقدار از رشد ارگانیک می تواند از طریق تنوع محصولات بیمه ای به ویژه در حوزه بیمه های خرد، به منظور پاسخگویی به نیاز بخش بزرگی از خانوارهای کم درآمد هندی، افزایش قابل توجهی یابد.

چشم انداز رقابتی آتی در صنعت بیمه هند

پیش بینی شده است که تا پایان چشم انداز بلندمدت ۲۰۳۲، صنعت بیمه هند به دلیل

و اعتباری هند است که در سال ۱۸۹۴ تأسیس شده است. این بانک اکنون بیش از ۱۸۰ میلیون مشتری، بیش از ۱۰۹۰۰ شعبه و بیش از ۱۳۰۰۰ شبکه خودپرداز دارد. همچنین فعالیت بانک ملی پنجاب در سطح بین المللی نیز گسترش یافته و در تعدادی از بازارها از جمله بریتانیا، امارات، چین، استرالیا و قزاقستان حضور دارد.

• شرکت دولتی خدمات مالی و بانکداری هندی کانارا بانک (Canara Bank)

شرکت دولتی خدمات مالی و بانکداری هندی کانارا بانک، ارزش دارایی ۱۳۰۲ تریلیون روپیه، در جایگاه پنجمین بانک بزرگ تجاری هند قرار گرفته است. کانارا بانک در سال ۱۹۰۶ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در بنگلور هند قرار دارد. این بانک در حوزه خزانه داری کل، بانکداری خرد فروشی و بانکداری عمده فروشی، تخصص دارد.

کانارا بانک پس از ادغام با Syndicate Bank در آوریل ۲۰۲۰، ارزش برند خود را افزایش داده و تعداد شعب خود را نیز به بیش از ۱۰ هزار شعبه داخلی و خارجی رساند. این بانک هم اکنون در چندین بازار بین المللی از جمله در لندن، هنگ کنگ، چین و نیویورک، حضور پررنگی دارد.

بازار خدمات صنعت بیمه در هند

پیش بینی شده است که صنعت بیمه هند به دلیل نرخ های پوشش سرانه و حق بیمه های بسیار پایین، پتانسیل رشد بالایی هم در افق میان مدت و هم در افق بلندمدت داشته باشد

۶۴



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

شاخص
ریسک صنعت
بانکداری برای
هند (BIRI)، عدد
۳۴.۵۶ از ۱۰۰ را
نشان می‌دهد
که حکایت از
سطوح بالای
ریسک بخش
بانکی است

دلیل افزایش تقاضا، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و وقوع انقلاب دیجیتال، پتانسیل رشد قابل توجه و محسوسی در افق بلندمدت ۲۰۳۲ داشته باشد و به استخر بزرگ سرمایه‌گذاران پویا و متنوع، مبدل شود.

انتظار می‌رود که در افق میان‌مدت، بورس ملی هند و بورس اوراق بهادار بمبئی (BSE)، طیف وسیعی از سهام شرکت‌ها، صنایع و کسب و کارهای نمایه شده را در بازارهای اولیه و ثانویه و در طبقات متنوعی از دارایی‌ها، از جمله در قالب ETF، سهام دولتی و خصوصی، اوراق قرضه و مشتقات، ارائه دهند.

هیات بورس و اوراق بهادار هند انتظار دارد که در پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲، تعداد شرکت‌های نمایه شده در بازار سرمایه هند، با رشد بیش از ۲۵ درصدی روبرو شود. همچنین این نهاد، پیش‌بینی افزایش ۳۰ درصدی در عرضه‌های اولیه عمومی سهام را تا پایان بازه زمانی فوق‌الذکر در این بازار دارد.

چشم‌انداز رقابتی آتی بازار سرمایه در هند

با مجوز رسمی صادر شده از سوی هیات بورس و اوراق بهادار هند، این کشور دارای سه بستر بورسی اصلی یعنی بورس ملی هند، بورس اوراق بهادار بمبئی و بورس کلکته و همچنین دو بستر بورسی با مسئولیت محدود یعنی بورس بین‌المللی هند و بورس مشتقات "NSE IFSC" است.

بورس ملی هند و بورس اوراق بهادار بمبئی، بیشترین سهم از بازار سرمایه هند را در اختیار دارند و هر دو، سطوح مشابهی از رشد را در سال‌های اخیر به ثبت رسانده‌اند.

دولت هند در حال برنامه‌ریزی برای ارائه یک لایحه به پارلمان این کشور تا پایان سال ۲۰۲۶ در جهت به رسمیت شناختن مبادله رمزارزهای خصوصی و خلق و توسعه ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) است. تحقق این امر، قطعاً روند سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های خرد در سهام شرکت‌های بورسی داخلی را محدود و کند خواهد کرد.

همچنین هیات بورس و اوراق بهادار هند در حال تلاش برای تدوین قوانین و مقررات جدید در ارتباط با توسعه بسترهای مناسب برای افزایش روند فهرست‌پذیری از شرکت‌های بورسی خارجی منطقه‌ای، بین‌المللی و چندملیتی در بازار سهام داخلی این کشور به‌ویژه در بورس ملی هند و بورس اوراق بهادار بمبئی است.

عرضه محصولات متنوع و کاربردی و همچنین ارتقا سطح خدمات بیمه‌ای توسعه‌یافته و نوآورانه در بستر InsurTech، به یکی از بزرگترین بازارهای توسعه‌یافته بیمه‌ای جهان مبدل شود.

بازار خدمات صنعت مدیریت دارایی در هند

چشم‌انداز رشد بلندمدت ۲۰۳۲ برای صنعت مدیریت دارایی هند به دلایلی نظیر افزایش فعالیت‌های ادغام و اکتساب در صندوق‌ها، رشد سریع سرمایه‌گذاران خرد، توسعه پلتفرم‌های سرمایه‌گذاری آنلاین و دیجیتالی شدن صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، به شدت مثبت است و قطعاً تا پایان افق زمانی ۲۰۳۲، شاهد رشد قابل‌توجهی در حجم دارایی‌های تحت‌تملک این بازار و توسعه و تنوع‌گسترده خدمات در این صنعت خواهیم بود.

همچنین از آنجایی که طبقه متوسط هند به رشد جمعیتی خود ادامه می‌دهد و نرخ درآمد خانوارهای هندی نیز در حال افزایش است، ما انتظار داریم که شاهد تقاضای قوی برای طیف وسیعی از محصولات سرمایه‌گذاری و خدمات مدیریت دارایی در افق میان‌مدت ۲۰۲۷ باشیم. انتظار می‌رود که در افق زمانی بلندمدت ۲۰۳۲، حجم کل دارایی‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک هند، رشد قابل‌توجهی را تجربه کند، به طوری که تا پایان سال ۲۰۳۲، سرمایه‌گذاران حقیقی ۵۵ درصد و سرمایه‌گذاران حقوقی و نهادی، ۴۵ درصد از دارایی‌های کل این صندوق‌ها را در اختیار بگیرند.

چشم‌انداز رقابتی آتی در صنعت مدیریت دارایی هند

افزایش تقاضای داخلی، رشد تعداد سرمایه‌گذاران خرد، پیشرفت‌های فناورانه و تکنولوژیکی، ارائه محصولات جدید و نوآورانه توسط صندوق‌های مشترک به سرمایه‌گذاران از جمله ETF های تخصصی، همگی از رشد میان‌مدت و بلندمدت در صنعت مدیریت دارایی هند حمایت خواهند کرد.

انتظار می‌رود در افق بلندمدت ۲۰۳۲، رشد بازار فعالان سنتی حوزه خدمات دارایی هند به دلیل توسعه پلتفرم‌های سرمایه‌گذاری فناورانه و دیجیتالی، به شدت محدود شود.

بستر خدمات بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار در هند

پیش‌بینی شده است که بازار سرمایه هند، به



روسای بانک‌های مرکزی جهان در آئینه تاریخ (۳۱)

نجات اقتصاد نروژ با ابتکار ویژه "اویستاین اولسن"

- در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۰ نمایندگان مجلس ملی نروژ، اویستاین اولسن را با اکثریت قاطع آراء برای یک دوره ۶ ساله قابل تمدید به عنوان رئیس بانک مرکزی نروژ، انتخاب کردند
- یکی از اقدامات مهم و عملیاتی اولسن در دوره مدیریت خود بر بانک مرکزی نروژ، تاسیس صندوق سرمایه‌گذاری ملی نروژ بود
- بحران‌های اقتصادی و مالی ناشی از پاندمی کرونا، چالش سختی برای دوره مدیریت اویستاین اولسن محسوب می‌شد
- نتایج اقدامات اولسن سبب شد که روند احیای تدریجی اقتصاد نروژ تا پیش از آغاز سال ۲۰۲۳ میلادی، با چشم‌اندازی مثبت ادامه یابد

۶۶



اقتصاد

• شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ •

تولد، کودکی و نوجوانی اویستاین اولسن در خانواده‌ای هنرمند و خوش ذوق

"اویستاین اولسن" در هشتم ژانویه ۱۹۵۲، در یک شب بسیار سرد و برفی در شهر تروندهایم در مرکز نروژ، به دنیا آمد. پدرش مارتیک لاردی اولسن، نجار و مجسمه‌ساز چوبی بود که در کارگاه بسیار کوچک خود، به ساخت وسایل چوبی منزل و شمایل چوبی از انسان‌ها، درختان و حیوانات می‌پرداخت. مادرش امیلی اولسن، نوازنده و مدرس پیانو بود که در منزل، به تدریس خصوصی این ساز و کسب درآمد از آن مشغول بود. اویستاین همراه با خواهر و برادر خود، سلنوم و پاتریک، در یک محیط هنری، پر شور و مملو از عشق به زندگی، پرورش یافتند. اویستاین اولسن در سال ۱۹۶۵ و در سن ۱۳ سالگی با همراهی و حمایت پدر و مادر خردمند خود، برای ادامه تحصیل به اسلو، پایتخت نروژ فرستاده شد و در دبیرستان شبانه‌روزی وستبورگ، ثبت‌نام شد. اولسن جز بهترین شاگردهای این مدرسه محسوب می‌شد که همواره بالاترین نمرات درسی را در بین همکلاسان خود، اخذ می‌کرد. در سال ۱۹۷۰، اولسن توانست با کسب رتبه ممتاز، تحصیل در مقطع دبیرستان را در وستبورگ به پایان رسانده و پایه عرصه تحصیلات دانشگاهی و آکادمیک بگذارد (جامعه تحلیل گران مالی نروژ، ۲۰۲۴).

حضور در خشان اویستاین اولسن در عرصه تحصیلات دانشگاهی

اویستاین اولسن دانش‌آموز ممتاز و بسیار با استعدادی بود، اما به دلیل شرایط نامساعد مالی والدینش، امکان ثبت‌نام در بهترین دانشگاه‌های نروژ را نداشت. اما وجود خانم لارا پرینکسن به عنوان مدیر دبیرستان شبانه‌روزی وستبورگ، شرایط را برای اولسن به کلی تغییر داد. خانم پرینکسن، مدیر مدرسه و معلم درس اقتصاد بود که خود تحصیلات عالیه دانشگاهی داشت و همسرش نیز از مدیران با سابقه و بانفوذ در وزارت علوم، توسعه و پیشرفت‌های علمی بود. به همین دلیل، لارا پرینکسن که استعداد و علاقه وافر اولسن به ادامه تحصیلات دانشگاهی را مشاهده می‌کرد و به ویژه اینکه متوجه پتانسیل بالقوه و هوش ذاتی وی در زمینه مباحث علمی رشته مالی و اقتصاد نیز شده بود، توانست با کمک همسر خود، اویستاین اولسن را در لیست واجدین شرایط برای دریافت بورسیه تحصیلی بانک مرکزی نروژ قرار داده و موجب راهیابی او به یکی از بهترین دانشگاه‌های اسکاندیناوی و جهان در رشته اقتصاد شد.

بدین ترتیب، اولسن در سال ۱۹۷۱، موفق به اخذ پذیرش تحصیلی در رشته اقتصاد، امور مالی و جامعه از دانشگاه اسلو شد و در سال ۱۹۷۵، مدرک لیسانس خود را با رتبه اول و درجه عالی، دریافت کرد. به دلیل کسب نمرات بالا و احراز عنوان شاگرد اولی دوره خود، اویستاین بلافاصله و یکبار دیگر توانست از بورسیه تحصیلی بانک مرکزی نروژ استفاده کند و برای ادامه تحصیل در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته اقتصاد در همان دانشگاه اسلو پذیرش بگیرد. سرانجام اولسن در سال ۱۹۸۱ با دفاع از رساله دکتری خود با عنوان "راه حل بحران‌های جهانی در گرو سیاست‌گذاری‌های پولی و بانکی"، به مسیر درخشان تحصیلات آکادمیک خود، پایان داد. روند علمی و آکادمیک اویستاین اولسن به طور مختصر به شرح زیر است:

- کارشناسی رشته اقتصاد، امور مالی و جامعه، دانشگاه اسلو نروژ، با نمره A، ۱۹۷۱-۱۹۷۵
- اخذ بورسیه تحصیلی کامل (تحصیل رایگان + دریافت مقرری ماهانه) تحصیلات تکمیلی از وزارت علوم، توسعه و پیشرفت‌های علمی نروژ در مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه اسلو، ژوئن ۱۹۷۵
- کارشناسی ارشد اقتصاد و مهندسی مالی، دانشگاه اسلو نروژ، با نمره A+، ۱۹۷۷-۱۹۷۵
- اخذ بورسیه تحصیلی کامل (تحصیل رایگان + دریافت مقرری ماهانه) تحصیلات تکمیلی از وزارت علوم، توسعه و پیشرفت‌های علمی نروژ در مقطع دکتری، دانشگاه اسلو، سپتامبر ۱۹۷۸
- دکتری رشته علوم اقتصادی و سیاست‌گذاری کلان، دانشگاه اسلو نروژ، با نمره A+، ۱۹۸۱-۱۹۷۸ (وبگاه فارغ التحصیلان دانشگاه اسلو، ۲۰۲۴)

اقدامات و فعالیت‌های آکادمیک و پژوهشی برجسته اویستاین اولسن

با اینکه اویستاین اولسن، دانشجو و پژوهشگر ممتازی در دوران تحصیلات دانشگاهی بود، اما هیچ‌گاه به طور مستقیم و دائمی وارد عرصه تدریس و پژوهش نشد. در واقع، اولسن، به دلیل استعداد شگرفی که در دوران تحصیلات آکادمیک از خود بروز داده بود، به راحتی امکان حضور، پژوهش و تدریس در بهترین دانشگاه‌های نروژ و منطقه اسکاندیناوی را داشت، اما به دلیل مشغله کاری حرفه‌ای حاصل از حضور موثر چندین دهه‌ای در بدنه اقتصادی-سیاسی دولت نروژ، این مهم مسیر نگشت. با این حال، اویستاین اولسن پس از

اولسن در سال ۱۹۸۱ با دفاع از رساله دکتری خود با عنوان "راه حل بحران‌های جهانی در گرو سیاست‌گذاری‌های پولی و بانکی" به مسیر درخشان تحصیلات آکادمیک خود پایان داد



با اینکه
اویستاین
اولسن، دانشجو
و پژوهشگر
ممتازی
در دوران
تحصیلات
دانشگاهی بود
اما هیچ‌گاه به
طور مستقیم
ودائمی وارد
عرصه تدریس و
پژوهش نشد

اتمام دوران درخشان تحصیلات آکادمیک خود،
از سال ۱۹۸۲، چیزی در حدود سال ۴۲ است که
در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری
رشته‌های اقتصاد، مهندسی مالی، مدیریت
سیاست‌گذاری و مدیریت مالی در دانشگاه‌های
نروژ، به تدریس و راهنمایی دانشجویان و
محققان مشغول است. همچنین در این سال‌ها،
اویستاین اولسن علاوه بر فعالیت‌های آموزشی
خود، به انجام پژوهش‌های دانشگاهی و ملی و
نگارش مقالات علمی، یادداشت‌ها و سرمقالات
مختلف در تخصص‌هایی نظیر "سیاست‌های
پولی"، "سیاست‌گذاری اقتصادی"،
"سیاست‌گذاری پولی پیشرفته"، "نظام‌های
پولی اسکاندیناوی"، "رویکردهای
بانکداری نوین"، "سیاست‌گذاری‌های
کلان در بحران‌ها"، "بحران‌های بانکی و
مالی"، "راهبردهای بانکداری در هزاره جدید"،
"ریسک‌های سیستماتیک"، "ثبات مالی" و
"اقتصاد دولت‌های رفاه" پرداخته است.

(فرهنگستان علوم نروژ، ۲۰۲۴)

افتخارات و جوایز اویستاین اولسن در عرصه علم و سیاست

- دریافت جایزه برای بهترین پایان‌نامه
کارشناسی ارشد حوزه اقتصاد، مدیریت و مالی،
دانشگاه اسلو، ۱۹۷۷
- دریافت جایزه پژوهشگر برتر دانشجویی،
دانشگاه اسلو، ۱۹۷۸
- دریافت عنوان پژوهشگر ممتاز دوره دکتری،
دانشگاه اسلو، ۱۹۸۰
- دریافت جایزه ۱۰ هزار دلاری بهترین رساله
دکتری، دانشگاه اسلو، ۱۹۸۱
- دریافت نشان مدیر برتر دولتی، کابینه دولت
نروژ، ۱۹۸۸
- دریافت مدال افتخار راهبر استراتژیک
اقتصادی، ۱۹۹۰
- دریافت نشان مدیر برتر اقتصادی نروژ، وزارت
اقتصاد و دارایی، ۱۹۹۵
- دریافت کرسی افتخاری مشاور پژوهشی و
آموزشی در دانشگاه اسلو، ۲۰۰۰
- دریافت نشان مدیر درجه یک دولت نروژ،
دفتر نخست‌وزیری نروژ، ۲۰۰۶
- دریافت نشان "مشاور مالی و اقتصادی
معمد دولتی"، دفتر نخست‌وزیری نروژ، ۲۰۰۸
- دریافت نشان لیاقت از مجلس نمایندگان
نروژ (استورتینگه)، ۲۰۱۰
- دریافت دکتری افتخاری رشته مدیریت
استراتژیک از دانشگاه اسلو، ۲۰۱۱

- کسب عنوان "برترین مدیر اجرایی بانکی
شمال اروپا"، ۲۰۱۳
- کسب عنوان برترین بانکدار مرکزی به
انتخاب اتحادیه پولی و مالی اسکاندیناوی، ۲۰۱۵
- کسب عنوان برترین بانکدار مرکزی سال اروپا
به انتخاب مجله بنکر، ۲۰۱۶
- دریافت مدرک دکتری افتخاری رشته علوم
اقتصادی از دانشگاه برگن، ۲۰۱۶
- کسب عنوان برترین بانکدار مرکزی سال اروپا
به انتخاب مجله یوروامانی، ۲۰۲۰
- دریافت مدرک دکتری افتخاری رشته
مدیریت از دانشگاه ترومساروژ، ۲۰۲۲
- کسب عنوان ملی "یک عمر دستاورد در
صنعت بانکداری"، دفتر نخست‌وزیری نروژ،
۲۰۲۳ (آکادمی تکنولوژی و علوم فنلاند نروژ، ۲۰۲۴)

دوران حرفه‌ای کاری و شغلی اویستاین اولسن تا قبل از ریاست بر بانک مرکزی نروژ

- محقق سیاست‌های پولی و بانکی، وزارت
دارایی نروژ، ۱۹۸۴-۱۹۸۱
- محقق ارشد دپارتمان پژوهش‌های
اقتصادی، وزارت دارایی نروژ، ۱۹۸۷-۱۹۸۴
- رئیس دپارتمان تحقیقات نفت و انرژی،
وزارت دارایی نروژ، ۱۹۹۰-۱۹۸۷
- مدیر دپارتمان تحقیقات، مرکز ملی آمار نروژ،
۱۹۹۳-۱۹۹۰
- رئیس بخش تحقیقات اقتصادی، بانک
مرکزی نروژ، ۱۹۹۷-۱۹۹۳
- رئیس بخش ثبات مالی، بانک مرکزی نروژ،
۲۰۰۰-۱۹۹۷
- دستیار ویژه اقتصادی رئیس بانک مرکزی
نروژ، ۲۰۰۲-۲۰۰۰
- معاون وزیر دارایی در امور پولی و بانکی،
وزارت دارایی نروژ، ۲۰۰۵-۲۰۰۲
- معاون امور اقتصاد بین‌الملل، بانک مرکزی
نروژ، ۲۰۰۷-۲۰۰۵
- قائم مقام و جانشین رئیس بانک مرکزی نروژ،
۲۰۰۹-۲۰۰۷
- رئیس و مدیرعامل مرکز ملی آمار نروژ،
۲۰۰۹-۲۰۰۶ (بانک تسویه بین‌الملل، ۲۰۲۴)

انتخاب اویستاین اولسن به ریاست بانک مرکزی نروژ

در آخرین روزهای سال ۲۰۱۰ میلادی و در پایان
دوره ۱۳ ساله ریاست سوییپ اینگوار گدرم بر
بانک مرکزی نروژ که با انتقاداتی نسبت به نحوه
مدیریت وی در مواجهه با پیامدهای منفی ناشی
از بحران مالی سال ۲۰۰۸ نیز همراه بود، گزینه‌های



مختلفی برای تصدی این پست از سوی وزارت اقتصاد و دارایی نیرو به دفتر نخست وزیر وقت اعلام شدند. پس از ۴ روز بررسی، نخست وزیر وقت نیرو، اویستاین اولسن را به عنوان گزینه نهایی ریاست بر بانک مرکزی نیرو به استورتنگه، قوه مقننه عالی کشور، معرفی کرد. در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۰ جلسه رای گیری برای انتخاب رئیس جدید فدرال بانک نیرو، در محل پارلمان قانون گذاری این کشور برگزار شد و نمایندگان مجلس ملی نیرو، اویستاین اولسن را با اکثریت قاطع آراء برای یک دوره ۶ ساله قابل تمدید به عنوان رئیس بانک مرکزی نیرو، انتخاب کردند. بدین ترتیب، بازه زمانی ریاست اولسن بر فدرال بانک کشور نیرو از یکم ژانویه ۲۰۱۱ آغاز و در ۲۸ فوریه ۲۰۲۲ پس از دو دوره فعالیت مستمر و در مجموع، ۱۲ سال خدمات شایان در این سمت، به پایان رسید. دوران مدیریت اویستاین اولسن در مهم ترین نهاد بانکی و پولی نیرو، مقارن با دوره ریاست بن برنکی، جنتیلین و جروم پاول در فدرال رزرو ایالات متحده بوده است (بانک مرکزی نیرو، ۲۰۲۴).

اقدامات و چالش های اویستاین اولسن در

مسند ریاست بانک مرکزی نیرو

• ابتکار تاسیس صندوق سرمایه گذاری ملی نیرو

یکی از اقدامات مهم و عملیاتی اولسن در دوره مدیریت خود بر بانک مرکزی نیرو، تاسیس صندوق سرمایه گذاری ملی نیرو برای بهره برداری بهینه تر درآمدهای نفتی این کشور در سال های آتی بود. در اکتبر ۲۰۱۸ و یک سال قبل از شروع پاندمی کرونا، تیم تحقیقاتی اویستاین اولسن، پیشنهاد اجرای یک طرح ملی آینده نگر را در قالب ۲۴۰ صفحه توضیحات تخصصی و پیش بینی مالی، به پارلمان نیرو ارائه داد. اولسن معتقد بود از سال ۲۰۱۱، که اولین صندوق سرمایه گذاری رسمی در جهان در حوزه املاک و مستغلات، کار خود را آغاز کرده است، تا به امروز شاهد هستیم که تعداد و نوع صندوق های سرمایه گذاری، بازنشستگی و بیمه دولتی در جهان در حال رشد و توسعه فراگیر هستند و این امر حکایت از سودآور بودن و کارآمدی مکانیزم تصمیم سازی و اجرایی این نهادهای مذکور در راستای افزایش سطح تولید ناخالص داخلی، افزایش سطح درآمد ناخالص ملی و همچنین افزایش سطح رفاه عمومی کشورها دارد. لذا حاکمیت سیاسی نیرو نیز نباید از این ترند روز جهان که سرشار از منفعت اقتصادی و مالی است، عقب بماند. اولسن عنوان می کرد از

آنجا که نیرو بخش بزرگی از درآمدهای نفتی خود را در بازارهای بین المللی سهام، اوراق قرضه و املاک و مستغلات، سرمایه گذاری می کند، چه بهتر که این اقدام عملیاتی، با مدیریت متمرکز حاکمیت اقتصادی نیرو و با ابتکار عمل وزارت اقتصاد و دارایی و بانک مرکزی و از طریق یک سازوکار ملی نوآورانه در داخل، صورت پذیرد تا هم نرخ اشتغال مولد و تخصصی در نیرو افزایش یابد و هم تمامی عواید مالی و اقتصادی ناشی از این فرآیندهای سرمایه گذاری، بی کم و کاست و بدون کسر هزینه واسطه گری، نصیب شهروندان و صاحبان مشاغل و کسب و کارهای نیروی شود.

در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۸، اویستاین اولسن برای دفاع از طرح ملی پیشنهادی خود، به پارلمان نیرو دعوت شد. اولسن در این جلسه دفاعیه اعلام داشت که رفاه مالی و اقتصادی مردم نیرو، می بایست از طریق یک سازوکار نظارتی-مدیریتی متمرکز داخلی برای ایجاد ارزش افزوده در خارج از مرزها، محقق شود و به همین دلیل، تیم تحقیقاتی بانک مرکزی، پیشنهاد تاسیس "صندوق سرمایه گذاری ملی نیرو" را ارائه

می دهد. مانگاردنگان و طراحان این پروژه ملی معتقدیم که با بنیان گذاری و پیاده سازی چنین طرحی، چشم انداز آتی بسیار روشن، درخشان و پُر از امیدی در مقابل دیدگان نسل های آتی نیروی قرار خواهد گرفت و باور داریم که با تاسیس این صندوق سرمایه گذاری ملی، در سال های آینده، اقتصاد نیرو، الگوی ابتکارات نوآورانه در حوزه مالی و اقتصادی در تمام جهان خواهد بود. اولسن در ادامه افزود که ما از دولت و مجلس می خواهیم برای ایجاد یک بستر حقوقی و نظام مند کارآمد و عملیاتی در مورد این طرح ملی، همکاری های لازم را انجام دهند تا بتوانیم هر چه سریع تر، به تفکرات تئوریک خود، جامه عمل بپوشانیم.

اولسن در بخش دیگری از صحبت های خود بیان می دارد که هدف از تاسیس این صندوق، دستیابی به بالاترین بازده ممکن مالی و اقتصادی در بستر حدود تعیین شده دولت و مجلس است. در همین راستا، هیات اجرایی بانک مرکزی نیرو، دستورالعمل های دقیقی را برای راهبری مالی این صندوق ملی تعیین کرده که هدف آن، ایجاد ارزش و در عین حال حفظ منافع مالی بلندمدت مالکان از طریق مالکیت فعال و اجرای کارآمد استراتژی های مدیریتی است. همچنین، یکی دیگر از وظایف بانک مرکزی نیرو در این طرح بزرگ ملی، مشاوره دادن به وزارت دارایی در مورد مسائل استراتژیک در مدیریت صندوق است و بانک مرکزی خود

ریاست اولسن
برفدرال بانک
کشور نیرو از
یکم ژانویه ۲۰۱۱
آغاز و در ۲۸
فوریه ۲۰۲۲ به
پایان رسید



را متعهد می‌داند که در مورد جنبه‌های کلیدی استراتژی‌های بهینه سرمایه‌گذاری، از جمله تخصیص به طبقات و مناطق مختلف دارایی و نحوه تقسیم مسئولیت‌ها بین مدیران و مالکان، توصیه‌ها و مشورت‌های عملیاتی خود را در جهت ایجاد بهترین تعادل ممکن بین مولفه‌های پُرسک و بازده مورد انتظار، ارائه کند.

بدین ترتیب، پس از ۴ ساعت بحث و بررسی طرح پیشنهادی در پارلمان، سرانجام نمایندگان مجلس قانونگذاری نروژ با اکثریت قاطع آراء، به تاسیس صندوق سرمایه‌گذاری ملی، رای مثبت دادند.

به گفته صاحب‌نظران و تحلیل‌گران مالی، در سال‌های آتی به ویژه در بحبوحه بحران مالی ناشی از شیوع پاندمی کرونا در سراسر جهان، اقتصاد نروژ به سبب مدیریت کارآمد بانک مرکزی به راهبری اولسن و چشم‌انداز بلندمدت و آینده‌نگر در هدایت جریان‌های مالی صندوق سرمایه‌گذاری ملی خود، توانست با هزینه بسیار کمتر و پیامدهای منفی کاهش یافته و تعدیل شده، از برهه‌های نزدیک به فروپاشی مالی و پُرسک، عبور کرده و با یک برنامه‌ریزی مدون و حساب شده در امر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های حقیقی در طول زمان، حفاظت خوبی از سرمایه ملی خود در برابر تورم انجام داد. (انجمن مالی و سرمایه‌گذاری نروژ، ۲۰۲۴).

• عبور سربلند از پیامدهای مهلک اقتصادی ناشی از پاندمی کرونا با سیاست‌های اولسن

بحران‌های اقتصادی و مالی ناشی از پاندمی کرونا، چالش سختی برای دوره مدیریت اویستاین اولسن محسوب می‌شد. نخست‌وزیر وقت نروژ، اعلام وضعیت اضطراری کرده بود و کشور در ترس و ناامیدی عمیقی فرو رفته بود. اویستاین اولسن نیز با اعلام شرایط ویژه، کنفرانس خبری خود را برای تشریح برنامه‌های بانک مرکزی نروژ در مقابله با پیامدهای منفی ناشی از همه‌گیری کرونا برگزار کرد. بسته پیشنهادی اولسن شامل چارچوب‌های مالی بهینه‌شده و کانال‌های توزیع تثبیت شده، به اقتصاد نروژ کمک کرد تا از رکود تومی در طول پاندمی کووید-۱۹ جلوگیری کند. با توجه به وابستگی بالای نروژ به فروش نفت در بازار جهانی و بستر مبادلات تجارت خارجی، انتظار می‌رفت فعالیت‌های اقتصادی بسیاری از واحدهای تولیدی این کشور، تحت تأثیر کمبود مواد اولیه تا ماه‌ها با اختلال مواجه شود، اما درایت اویستاین اولسن در تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات به موقع و تقویت چارچوب نهادی مولفه‌های کلان اقتصادی نروژ، موجب عبور

موفق و کم‌هزینه این کشور از بحران کرونا شد. نروژ با توجه به گستردگی روابط تجاری خود با چین، یکی از موفق‌ترین کشورها در مهار شیوع کووید-۱۹ در جهان شناخته شد و از ژانویه ۲۰۲۰، دولت و بانک مرکزی، حمایت خود از واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی را به ارزش ۴۵۰ میلیارد دلار آغاز کردند. بدین ترتیب، تدابیر مشترک کابینه نخست وزیر و بانک مرکزی نروژ، بستر مالی قابل اطمینانی را برای حمایت از اقتصاد این کشور تا زمان بهبودی کامل از این بحران، فراهم کرد. نتایج اقدامات اولسن سبب شد که روند احیای تدریجی اقتصاد نروژ تا پیش از آغاز سال ۲۰۲۳ میلادی، با چشم‌اندازی مثبت ادامه یابد و رشد اقتصادی این کشور، عددی بیش از برآورد قبلی را به ثبت برساند. در خصوص بازار کار نیز، ارائه بسته حمایتی-پیشنهادهای بانک مرکزی نروژ به فعالان این حوزه، موجب شد صاحبان کسب و کارها و شاغلین نروژی، بهای سنگینی در این بحران نپردازند و نرخ بیکاری در محدوده هدف گذاری شده بانک مرکزی، تثبیت شود. در برنامه پیشنهادی اویستاین اولسن، با توجه به زمان‌بر بودن احیای شرکت‌های بزرگ، کاهش قابل توجه در مخارج مصرفی، حفظ ثبات و پایداری در سطوح دستمزدی برای جلوگیری از تعدیل نیروها و به تعادل رساندن تقاضای بازار همزمان با احیای روند عرضه، در دستور کار قرار گرفت (وال استریت ژورنال، ۲۰۲۴).

• طراحی و اجرای قانون شفافیت در صنعت بانکداری نروژ در دوره اویستاین اولسن

یکی دیگر از ابتکارات، هوشمندی‌ها و اقدامات قابل تحسین اویستاین اولسن در دوران ریاست بر بانک مرکزی نروژ، بهبود شاخص‌ها و مولفه‌های شفافیت عملکردی در فرآیندهای مالی و بانکی نروژ در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ بوده است. اولسن در آگوست ۲۰۱۲، در یک نشست خبری اعلام کرد که برای اولین بار در تاریخ اقتصادی نروژ، طراحی و اجرای "قانون شفافیت در صنعت بانکداری" به طور رسمی انجام گرفت. وی با بیان اینکه شفافیت، راهگشای چشم‌انداز آتی جهان در حوزه بانکی است، در راستای اعلام برنامه‌های بانک مرکزی نروژ در این بخش، خاطر نشان می‌کند که موضوع شفافیت در صنعت بانکداری و نظام‌های حکمرانی، امروزه یکی از شاخص‌های کلیدی مورد توجه در سطح بین‌المللی است که این موضوع هم در سطح خرد و هم در سطح کلان همواره جزو دغدغه‌های اصلی دولت‌مردان نروژی بوده است. وی در ادامه صحبت‌های خود

نتایج اقدامات
اولسن سبب
شد که روند
احیای تدریجی
اقتصاد نروژ تا
پیش از آغاز
سال ۲۰۲۳
میلادی، با
چشم‌اندازی
مثبت ادامه یابد

اویستاین اولسن، اقتصاددانان و بانکدار کهنه‌کار نروژی، بر مسند بانک مرکزی این کشور به پایان رسید و وی اعلام کرد که پس از ۱۲ سال خدمت در عالی‌ترین سطح این نهاد مالی معتبر و ملی، قصد بازنشستگی دارد، در مارس ۲۰۲۲، مراسم باشکوه بدرقه وی با حضور نخست وزیر وقت برگزار شد. با وجود درخواست مقامات عالی اقتصادی نروژ مبنی بر علاقه حاکمیت سیاسی این کشور به ادامه فعالیت قدرتمند وی در این سمت با دریافت امتیازات و اختیارات ویژه، اما اولسن، عبور سن خود از ۷۰ سالگی و لزوم بازنشستگی از جایگاه‌های شغلی سخت، سنگین و حساس و تمایل بازگشت به مناصب مشاوره‌ای، پژوهشی و علمی را به عنوان عوامل اصلی عدم پذیرش دوباره این پست مهم، اعلام کرد. اویستاین اولسن، از سال ۲۰۲۲ تا به امروز، به فعالیت‌های زیرمشغول بوده است:

- مشاور ویژه ریاست بانک مرکزی نروژ، ۲۰۲۲-۲۰۲۴
- پژوهشگر افتخاری صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۲-ادامه دارد
- مشاور ویژه هیات اقتصادی دائم نروژ در بانک جهانی، ۲۰۲۲-ادامه دارد
- عضو هیات مدیره دانشگاه اسلو، ۲۰۲۳-ادامه دارد
- مشاور ارشد شورای بانک‌های مرکزی منطقه اسکاندیناوی، ۲۰۲۳-ادامه دارد (اتحادیه بانک‌های مرکزی جهان، ۲۰۲۴)

منابع:

1. <https://www.cfasociety.org/norway/search/People/oystein-olsen>
2. <https://effas.com/the-norwegian-society-of-finance-analysts/People/oystein-olsen>
3. <https://www.uio.no/english/studies/alumni/People/oystein-olsen>
4. <https://dnva.no/norwegian-academy-science-and-letters/People/oystein-olsen>
5. <http://www.ntva.no/publikasjoner/People/oystein-olsen>
6. https://www.bis.org/author/People/%C3%B8ystein_olsen.htm
7. <https://www.nbim.no/en/search/People/oystein-olsen>
8. <https://www.centralbanking.com/People/oystein-olsen>
9. <https://www.ft.com/stream/oystein-olsen/24cd6242-8609-3da3526e0a92>
10. <https://www.bloomberg.com/profile/person/16908434>
11. <https://www.wsj.com/articles/transcript-wsj-interview-with-norges-bank-gov-oystein-olsen-1513610141>

بیان کرد که در سطح کلان این موضوع، درک میزان اهمیت پاسخگویی به مردم و حرکت به سمت توسعه در چارچوب حکمرانی خود، نظام بانکداری نروژ را به سوی کارایی و کارآمدی بالاتر، سوق می‌دهد (بلومبرگ، ۲۰۲۴).

در همین راستا، اویستاین اولسن در جهت ارتقای مولفه‌های شفافیت و بهبود روند ارائه خدمات در حوزه بانکی، در سال ۲۰۱۲، دست به بازنگری در تنظیم مقررات تخصیص و تجهیز منابع بانکی در نروژ زد. طرح اولسن توسط تیم اجرایی وی، طی ۲۱ روز تهیه شده و برای تأییدیه حقوقی به پارلمان قانون‌گذاری نروژ برده شد. این لایحه با اکثریت آراء نمایندگان در مجلس تصویب و سپس برای امضای دفتر نخست‌وزیری فرستاده شد. با توشیح عالی‌ترین مقام اجرایی نروژ، قانون ۱۷ ماده‌ای شفافیت فرآیندهای بانکی، برای پیاده‌سازی به بانک‌های دولتی، خصوصی، تجاری و موسسات مالی و اعتباری نروژ ابلاغ و از نوامبر ۲۰۱۲، لازم‌الاجرا شد. (فایننشال تایمز، ۲۰۲۴)

مناصب اجرایی اویستاین اولسن مقارن با ریاست بر بانک مرکزی نروژ

اویستاین اولسن علاوه بر حضور موثر به عنوان ریاست کل بانک مرکزی نروژ، در نهادها، سازمان‌ها و جایگاه‌های شغلی زیر نیز فعالیت اجرایی و عملیاتی پررنگ داشته است:

- عضو هیات امنا دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه اسلو، ۲۰۲۲-۲۰۱۱
- استاد مدعو دپارتمان اقتصاد مالی و مدیریت سیاست‌گذاری، دانشگاه اسلو، ۲۰۲۲-۲۰۱۱
- عضو علی‌البدل هیات حکام صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۱۶-۲۰۱۲
- نماینده بانکداران مرکزی شمال اروپا در اتحادیه بانک‌های مرکزی جهان، ۲۰۱۸-۲۰۱۲
- عضو رسمی شورای حکام بانک اروپایی بازسازی و توسعه (EBRD)، ۲۰۲۲-۲۰۱۲
- عضو رسمی شورای حکام بانک مرکزی اروپا (ECB)، ۲۰۲۲-۲۰۱۲
- عضو رسمی هیات ریسک سیستمی اروپا (ESRB)، ۲۰۲۲-۲۰۱۴
- عضو هیات اسکاندیناوی در کمیسیون سه جانبه مالی اتحادیه اروپا، ۲۰۲۳-۲۰۱۴ (اتحادیه بانک‌های مرکزی جهان، ۲۰۲۴)

فعالیت‌های اویستاین اولسن پس از خروج از بانک مرکزی نروژ

پس از آنکه دوران حضور طولانی‌مدت





استقلال حقیقی در بانک مرکزی برزیل

"بانکو دو برزیل" چگونه در آمریکای لاتین سیاست گذاری می کند؟

● به استناد آمار و اطلاعات رسمی منتشره، بانک مرکزی برزیل استقلال عملکردی حقیقی نسبتاً بالایی در تصمیم سازی‌ها و پیاده سازی سیاست گذاری‌های خود داشته است

● "کوپوم"، متولی اصلی سیاست گذاری‌های مالی و بانکی برزیل و ترسیم کننده خط مشی سیاست پولی در کوتاه مدت و بلندمدت است

بانک‌های مرکزی جهان "به سراغ تبیین مکانیزم سیاست گذاری پولی، ابتکار عمل‌های مهم و بررسی میزان استقلال حقیقی در بانک مرکزی برزیل می‌رویم و نحوه عملکرد سیاست گذار پولی برزیل را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

تشکیلات و سازماندهی اداری، مالی و حاکمیتی در بانک مرکزی برزیل

بانک مرکزی برزیل موسوم به "بانکو دو برزیل (BCB)"، مرجع فدرال مالی و مهم‌ترین عضو سیستم پولی و بانکی این کشور، در دسامبر ۱۹۶۴ با انتشار قانون شماره ۴۵۹۵ تأسیس شد. قانون اساسی فدرال در سال ۱۹۸۸ وظایف، ساختار، مکانیزم عملکردی و سیاست گذاری پولی بانک مرکزی برزیل را تعیین کرده است که این قانون با اندکی تغییر و اصلاح، تا به امروز نیز به عنوان مرجع اصلی تعیین سیاست‌های پولی این نهاد مطرح

آنچه که امروز پاژل‌های بستر مالی بین الملل را در کنار هم تشکیل می‌دهد، از سازوکارهای تعبیه شده در قالب قرارگاه اقتصادی داخلی کشورها نشأت می‌گیرد که سیاست گذاران پولی در قامت بانک‌های مرکزی، در مرکز ثقل این فرماندهی تصمیم ساز و عملیاتی قرار دارند. به همین دلیل است که توجه ویژه به نحوه عملکرد و سازماندهی فدرال بانک‌های جهان در حوزه سیاست گذاری و از آن مهم‌تر، اهتمام به میزان، نحوه و چگونگی استقلال حقیقی در تصمیم و عمل در بانک‌های مرکزی، مارا با دلایل موفقیت یا عدم موفقیت مهم‌ترین نهاد پولی و مالی در هر کشور در مواجهه با بحران ها و تنش‌های مالی، بهتر آشنای می‌کند.

مبتنی بر این مهم، در پرونده جدید پژوهشی با عنوان "تجربه رویکردهای حکمرانی پولی در

۷۲



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

تمامی اعضای
کمیته سیاست
پولی بانک
مرکزی برزیل
از طیف
گسترده‌ای از
اطلاعات، ارقام
وداده‌ها برای
عملیاتی سازی
تصمیمات پولی
خود، بهره
می‌برند

کمیته سیاست پولی بانک مرکزی برزیل، از طیف گسترده‌ای از اطلاعات، ارقام و داده‌ها برای عملیاتی سازی تصمیمات پولی خود، بهره‌می‌برند. پس از پایان هر دور از نشست دو روزه این کمیته، صورتجلسه‌های دیارتمان‌های تخصصی متشکل از شرح وقایع و تصمیمات اتخاذ شده پولی همراه با زمان‌بندی‌های اجرایی، در قالب "بیانیه Copom" بر روی اینترنت در دسترس و دید عموم قرار می‌گیرد و در بخشی از این بیانیه موسوم به "افشای اطلاعات"، دلایل اتخاذ این نوع از سیاست‌گذاری‌های پولی و آرای همه اعضا، آشکار می‌شود.

سنجش میزان استقلال حقیقی بانک مرکزی برزیل در تصمیم‌سازی‌ها و اجرای سیاست‌ها

به استناد آمار و اطلاعات رسمی منتشره در باب شاخص‌های شفافیت اجرایی و به اتکای آراء پژوهشگران، تحلیل‌گران و متخصصان مالی و اقتصادی منطقه آمریکای لاتین، بانک مرکزی برزیل، به جز دوره‌ای کوتاه در زمان اجرای رویکرد دلاریزاسیون در سال‌های ابتدایی هزاره جدید در بازه زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ میلادی، استقلال عملکردی حقیقی نسبتاً بالایی در تصمیم‌سازی‌ها و پیاده‌سازی سیاست‌گذاری‌های خود داشته است، به طوری که آمارها نشان می‌دهد، بانک مرکزی برزیل در مواجهه با بحران مالی ۲۰۰۸ و بحران پاندمی کرونای ۲۰۱۹، به سبب همین استقلال اجرایی، از ابتکار عمل کارآمدتری برخوردار بوده و توانسته در بین اقتصادهای کوچک و بزرگ آمریکای لاتین و جنوبی، سکان نظام اقتصاد داخلی این کشور را با کمترین هزینه‌های تحمیلی و خسارات وارده، به سلامت از این تنش‌ها و التهابات مهلک مالی عبور دهد. به همین دلیل است که در منشور اخلاقی و سند ماموریت بانک مرکزی برزیل، "شفاف‌سازی عمومی در تصمیم‌ها و اجرا"، به عنوان کلید اصلی دستیابی به اهداف سیاست پولی عنوان شده است.

منابع:

1. Rosek, Renato Jansson (2022), "Functions of the Central Bank of Brazil", publishing is part of the Financial Education Program of the Central Bank of Brazil (BCB).
2. Taylor, Matthew M. (2019), "Institutional Development through Policy-Making: A Case Study of the Brazilian Central Bank", Published By: The Johns Hopkins University Press, World Politics Journal, Vol. 61, No. 3. pp. 487-515 (29 pages)
3. <https://www.reuters.com/business/finance/brazil-central-bank-aligned-over-concern-about-market-inflation-expectations-2024-06-07/>
4. <https://www.bcb.gov.br/en/monetarypolicy/committee>
5. <https://www.bis.org/publ/plcy05c.pdf>

است. رئیس بانک مرکزی برزیل به طور مستقیم توسط رئیس جمهور منصوب می‌شود. صنعت بانکداری برزیل تحت مدیریت و پوشش کامل بانک مرکزی این کشور قرار داشته و تمامی اعضای این اتمسفر، متشکل از بانک‌های دولتی، خصوصی و خارجی و چندملیتی، موظفند که تمامی تصمیمات و عملیات‌های اصلی خود، به ویژه در حوزه سپرده‌پذیری از مشتریان حقیقی و حقوقی، ارائه تسهیلات به متقاضیان داخلی و خارجی، تعیین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات و همچنین تعیین نرخ بهره بین بانکی را با مشورت و تأیید کمیته‌های تخصصی مستقر در بانک مرکزی انجام دهند.

تبیین مکانیزم و سازوکارهای سیاست‌گذاری پولی کلان در بانک مرکزی برزیل

کمیته سیاست پولی بانک مرکزی برزیل موسوم به "کوپوم / Copom"، مسئول، متولی اصلی و تصمیم‌گیرنده و تعیین‌کننده نهایی سیاست‌گذاری‌های مالی و بانکی و ترسیم‌کننده خط‌مشی سیاست پولی در کوتاه‌مدت و بلندمدت است. یکی از مهم‌ترین نقش‌های این کمیته، تعیین محدوده مجاز هدف‌گذاری‌های تورمی، تعیین نرخ‌های بهره سیاست پولی، تعیین نرخ تنزیل سرمایه‌های بانکی و تنها مرجع قانونی و دارای اختیار برای اعلام شرایط اضطراری مالی در مواجهه با بحران‌های پیش‌بینی نشده است.

کمیته کوپوم متشکل از شورای حکام بانک مرکزی برزیل یعنی رئیس، معاونان و مسئول کمیته‌های تخصصی این نهاد، هشت بار در سال (هر ۴۵ روز یکبار) تشکیل جلسه می‌دهد و برنامه سالانه این جلسات تا قبل از پایان فوریه هر سال، به طور عمومی اعلان می‌شود. جلسات سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی سیاست‌های پولی کمیته کوپوم، طی دو روز برگزار می‌شود. در روز اول، اعضای کوپوم در قالب نشست‌های فنی و تخصصی، به تبیین تحولات و چشم‌اندازهای اخیر و آتی اقتصاد برزیل و مقایسه با اقتصاد جهانی، پیش‌بینی احتمالات قابل وقوع در بازارهای مالی و شرایط نقدینگی عمومی کشور می‌پردازد. در روز دوم، جلسات عمدتاً پیرامون تصمیم‌سازی در باب سیاست‌گذاری‌های عملیاتی پولی مبتنی بر ارزیابی اعضای کوپوم از سناریوهای کلان اقتصادی متحمل و پیش‌بینی تراز ریسک‌های مرتبط برگزار می‌شود که هدف اصلی آن، تبیین ابزارهای لازم برای دستیابی به هدف‌گذاری تورمی تعیین شده توسط شورای ملی پول برزیل (CMN) و بهبود وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی در بازه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. به همین دلیل، تمامی اعضای





تمام تصمیمات بانک مرکزی کره جنوبی به مردم اعلام می شود

تشکیل مستقل ترین بانک مرکزی شرق آسیا در کره جنوبی

- هیات سیاست پولی بانک کره، بالاترین نهاد تصمیم گیر در بانک مرکزی کره جنوبی برای طراحی، تدوین و پیاده سازی سیاست گذاری های کلان پولی است
- کنش های موثر بانک مرکزی کره در مواجهه با بحران های مالی جهانی نشان می دهد که این نهاد مهم پولی، یکی از مستقل ترین بانک های مرکزی شرق آسیا، به ویژه از ابتدای هزاره جدید بوده است
- قانون جدید، علاوه بر قائل بودن استقلال حقیقی عملکردی بانک مرکزی کره جنوبی در بحث هدف گذاری قیمتی و تورمی، سکان هدایت سیاست های ثبات مالی را نیز در اختیار این نهاد قرار داده است

۷۴



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

در این بخش از مجموعه مقالات مرتبط با پرونده پژوهشی "تجربه رویکردهای حکمرانی پولی در بانک‌های مرکزی جهان" به سراغ مهم‌ترین نهاد تصمیم‌ساز پولی و بانکی کره جنوبی، یعنی بانک مرکزی این کشور رفته و تاریخچه، تشکیلات، ماموریت‌ها، اهداف استراتژیک، مکانیزم و سازوکارهای سیاست‌گذاری پولی کلان و میزان استقلال عملکردی حقیقی این نهاد در تصمیمات و اجرائیات را تبیین می‌کنیم.

تاریخچه تاسیس تشکیلات مالی و حاکمیتی بانک مرکزی کره جنوبی

بانک مرکزی کره در ۱۲ ژوئن ۱۹۵۰، پس از تصویب قانون اساسی بانکداری توسط پارلمان این کشور تأسیس شد تا به عنوان مهم‌ترین نهاد پولی و مالی این کشور، مأمور تثبیت ارزش پول ملی، ترویج و ارتقا سطح سلامت نظام بانکی و اعتباری و همچنین زمینه‌ساز توسعه اقتصاد کره جنوبی شود.

تشکیل و تأسیس بانک مرکزی کره جنوبی، به سبب تورم بالا و آشفته‌گی و تنش اقتصادی موجود و بلافاصله پس از استقلال کره از ژاپن رخ داد. بانک مرکزی کره جنوبی ابتدا به عنوان یک سازمان سرمایه‌گذاری کاملاً دولتی با میزان سرمایه ۱۰۵ میلیارد وون شروع به کار کرد، اما بعداً در سال ۱۹۶۲، با حذف تدریجی سرمایه دولتی، تحت عنوان یک سازمان ویژه عمومی و تخصصی مالی مطابق با اولین بازنگری قانون بانک مرکزی کره، مجدداً سازماندهی شد.

قانون اساسی بانکداری کره جنوبی در زمان تصویب، نقش بانک مرکزی این کشور را در محدوده طراحی و اجرای سیاست‌های پولی، اعتباری و مدیریت نظام ارزی خارجی مشخص کرده بود. با این حال، در سال ۱۹۶۲، این قانون در جهتی مورد بازنگری قرار گرفت که بانک مرکزی کره جنوبی را قادر ساخت تا فعالانه در طرح‌های رشد اقتصادی تحت رهبری و حمایت دولت، به عنوان بالاترین نهاد تصمیم‌گیری در این طرح‌ها، مشارکت کند.

قانون اساسی بانکداری کره جنوبی که ناظر به تشکیلات و سازماندهی بانک مرکزی این کشور است، در طول این سال‌ها به

سبب بحران‌ها و تنش‌های مالی و اقتصادی داخلی و جهانی، بارها مورد بازبینی و اصلاح توسط دولت و پارلمان این کشور قرار گرفته تا با بهبود سازوکارهای تصمیم‌ساز و اجرایی، روند طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌های تأثیرگذار پولی و ارزی در مسیر بهینه و کارآمد آن قرار گیرد.

تبیین مکانیزم و سازوکارهای سیاست‌گذاری پولی کلان در بانک مرکزی کره جنوبی

هیات سیاست پولی بانک کره، بالاترین نهاد تصمیم‌گیر در بانک مرکزی کره جنوبی برای طراحی، تدوین، پیاده‌سازی و تغییر در سیاست‌گذاری‌های کلان پولی در اقتصاد این کشور است. در حقیقت، تمامی مصوبات، لوایح و تصمیمات مرتبط با عملیات اجرایی سیاست پولی اعم از تعیین نرخ پایه بهره مبادلاتی، تعیین نرخ پایه بهره بین بانکی، تعیین نرخ مجاز هدف‌گذاری تورمی، تعیین نرخ سیاستی BOK (نرخ سیاستی بانک مرکزی کره)، تعیین نرخ مبادله ارزی یوان به سایر ارزهای جهانی و تعیین زمان اعلان عمومی شرایط اضطراری و فوق‌العاده اقتصادی در هنگامه وقوع بحران‌های مالی، در اختیار و انقیاد کامل هیات سیاست پولی بانک کره قرار دارد.

تمامی موارد فوق الذکر، در نشست‌هایی موسوم به "جلسه اصلی هیات سیاست پولی" که هشت بار در سال برگزار می‌شود، تعیین می‌شود. با این حال، اگر به دلیل تغییرات سریع و ناگهانی در شرایط اقتصادی داخلی و خارجی و بروز بحران‌های پیش‌بینی نشده، نیاز به واکنش سیاستی از سوی بانک مرکزی باشد، هیات سیاست پولی جلسات فوق‌العاده‌ای را برگزار خواهد کرد. ریاست هیات سیاست پولی، بر عهده رئیس بانک مرکزی کره جنوبی است که ملزم است در تمامی جلسات اصلی این هیات، حضور کامل داشته باشد.

همچنین در کنار جلسات اصلی، هیات ثبات پولی یک سری "جلسات عادی" نیز معمولاً در روزهای پنج‌شنبه هفته دوم و چهارم هر ماه تشکیل می‌دهد و در صورتی که رئیس هیات لازم بداند یا حداقل دو نفر از اعضا درخواست کنند، می‌توان جلسات عادی فوق‌العاده نیز تشکیل داد.

تشکیل و
تاسیس
بانک مرکزی
کره جنوبی
به سبب تورم
بالا، آشفته‌گی و
تنش اقتصادی
موجود و
بلافاصله پس از
استقلال کره از
ژاپن، رخ داد



صورتجلسه
مرتبط به جلسه
اصلی هیات
سیاست پولی
دو هفته پس از
برگزاری آن بر
روی وبگاه بانک
مرکزی کره
منتشر می شود

فرآیند از ابتدا تا انتهای یک جلسه اصلی هیات سیاست پولی به شرح زیر است:

ابتدا، در طول هفته قبل از برگزاری جلسه اصلی، جلسات غیررسمی مختلفی در سطح کارکنان ارشد و مدیران دپارتمان های مختلف بانک مرکزی برگزار می شود و بازخوردها و نتایج منتج از این نشست ها، به "جلسه توجیهی روندها"، یک روز قبل از برگزاری جلسه اصلی، برده می شود. در جلسه توجیهی روندها، نمایندگان تمامی دپارتمان های بانک مرکزی، توضیحات مبسوط در مورد شرایط مالی و اقتصادی داخلی و خارجی را به اعضای هیات سیاست پولی ارائه می کنند و پس از آن، بحث و گفتگو بین اعضا انجام می شود. جلسه اصلی هیات سیاست پولی معمولاً از ساعت ۹ صبح روز بعد، آغاز می شود. در این جلسه، اعضای هیات، یک رویکرد نگاه به همه چیز را با در نظر گرفتن مواردی همچون روند، چگونگی و جهت حرکات قیمت های داخلی، وضعیت نرخ های پایه، شرایط بازارهای مالی و ارزی، تغییرات روند اقتصاد جهانی و غیره را اتخاذ می کنند. بلافاصله پس از پایان جلسه اصلی، رئیس بانک مرکزی کره جنوبی طی یک کنفرانس مطبوعاتی، تمامی تصمیمات اتخاذ شده در این نشست را به سمع و نظر عموم می رساند. همچنین صورتجلسه مرتبط با جلسه اصلی هیات، دو هفته پس از برگزاری آن بر روی وبگاه بانک مرکزی کره منتشر می شود.

سنجش میزان استقلال حقیقی بانک مرکزی کره جنوبی در تصمیم سازی ها و اجرای سیاست ها

به استناد گزارش های رسمی و آمار و اطلاعات موجود، بانک مرکزی کره جنوبی حدود ۶ دهه قبل تا به امروز، یک روند تدریجی رو به رشد در شاخص استقلال حقیقی عملکردی خود داشته و کنش های موثر آن در مواجهه با بحران های مالی جهانی نشان می دهد که این نهاد مهم پولی، یکی از مستقل ترین بانک های مرکزی شرق آسیا، به ویژه از ابتدای هزاره جدید بوده است.

از اواخر دهه ۱۹۸۰، تاکید و پافشاری دولت و پارلمان این کشور بر پررنگ تر کردن نقش حقیقی بانک مرکزی در زمینه نظارت بر

سیستم های پرداخت و تسویه حساب های بانک های عامل و ثبات قیمت ها با ابتکار عمل به کارگیری رژیم هدف گذاری تورمی و همچنین در راستای بهبود شاخص استقلال عملکردی این نهاد با احیای هیات سیاست پولی، منجر به اصلاحات جدیدی در قانون اساسی بانکداری کره جنوبی در دو نوبت در سال های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۳ شد. این تغییر به افزایش بی طرفی و استقلال اجرایی حقیقی بانک مرکزی کره جنوبی کمک شایانی کرد.

همچنین در سال های بعد، بحران های مالی جهانی انگیزه ای برای تسریع در اصلاحات جدید قانونی در جهت تقویت استقلال عملکردی حقیقی بانک مرکزی در راستای بهبود وضعیت تثبیت مالی و تسهیل در اجرای اقدامات متقابل سریع این نهاد پولی در پاسخ به بحران های مالی، ایجاد کرد و سه مرتبه دیگر، در سال ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۲۰، قانون اساسی بانکداری کره جنوبی بازنگری شد. قانون بازنگری شده جدید، علاوه بر قائل بودن استقلال حقیقی عملکردی بانک مرکزی کره جنوبی در بحث هدف گذاری قیمتی و تورمی از طریق تدوین و اجرای موثر سیاست های پولی، سکان هدایت سیاست های ثبات مالی را نیز در اختیار این نهاد قرار داده است.

منابع:

1. AWoo, Jaejoon (2024), "Korea's Monetary Policy and Challenges for the Bank of Korea", Confronting South Korea's Next Crisis: Rigidities, Polarization, and Fear of Japanification (Oxford, 2022; online edn, Oxford Academic, 23 June 2022), <https://doi.org/10.1093/oso/9780198864424.003.0009>, accessed 9 July 2024.
2. Clinton, Kevin & Craig, R. Sean & Laxton, Douglas & Wang, Hou (2019), "Strengthening the Monetary Policy Framework in Korea", IMF Working Paper, Research Department and Asia and Pacific Department, WP/19/103.
3. Moon, Woosik (2022), "Monetary Policy and Central Banking in Korea", Cambridge Books, Cambridge University Press, Number 9781316514986, <https://doi.org/10.1017/9781009091527>
4. <https://www.cambridge.org/core/books/abs/monetary-policy-and-central-banking-in-korea/organisation-and-functions-of-the-bank-of-korea/867EFCFF-021350C9B10BC3CD5E8B91A9>





دو پیامد مثبت رژیم هدف گذاری تورمی در اندونزی

اجرای موفق سیاست هدف گذاری تورمی در اندونزی

- بحران ارزی ۱۹۹۷ جنوب شرق آسیا، محرک اصلی اصلاحات اساسی و بنیادین در سیاست گذاری پولی اندونزی بود
- تزریق نقدینگی گسترده به بانک ها در سال ۱۹۹۸ باعث تشدید تورم و کاهش کنترل نشده ارزش روپیه اندونزی شد
- در ۱۷ می ۱۹۹۹، رژیم هدف گذاری تورمی به طور رسمی به عنوان اهرم سیاست پولی اندونزی انتخاب شد
- بازگرداندن اعتماد عمومی به سازوکار سیاست گذاری پولی، مالی و بانکی اندونزی، دلیل اتخاذ سیاست هدف گذاری تورمی بود

۷۷



اقتصاد

● شماره ۵۰ - تیر ۱۴۰۳ ●

تاقبل از وقوع
بحران ارزی
ومالی سال
۱۹۹۷ در آسیای
جنوب شرقی
اقتصاد اندونزی
دوده ثبات
پایدار در
مولفه های کلان
اقتصادی را
تجربه کرد

در پرونده جدید پژوهشی " تجربیات
تلخ و شیرین هدف گذاری تورمی در
اروپا و جهان"، به سراغ تبیین چگونگی
پیاده سازی و پیامدهای اجرای رژیم
هدف گذاری تورمی در اقتصاد اندونزی
می رویم.

چرا بانک مرکزی اندونزی به سمت اجرای
رژیم هدف گذاری تورمی حرکت کرد؟ تا
قبل از وقوع بحران ارزی و مالی سال ۱۹۹۷
در آسیای جنوب شرقی، اقتصاد اندونزی
دو دهه ثبات پایدار در مولفه های کلان
اقتصادی را تجربه کرده بوده و به ویژه
توانسته بود نرخ تورم را در محدوده ۶ تا ۱۰
درصدی نگه داشته و یکی از طولانی ترین
نرخ تورم های تک رقمی در سطح
اقتصاد های آسیایی را تا آن زمان، رقم بزند.
اما بحران ارزی ۱۹۹۷ آسیای جنوب شرقی
که به دنبال خواست جمعی و یکپارچه
برخی از اقتصاد های نوظهور این منطقه
در جهت توسعه پُرشتاب و دستیابی به
اهداف میان مدت و بلندمدت در افق
کوتاه مدت به وقوع پیوست، بستر اقتصاد
داخلی کشورهایی نظیر تایلند، کره جنوبی،
فیلیپین، ژاپن، چین، هنگ کنگ و اندونزی
را به یک محیط پُر التهاب سیاسی و اجتماعی
تبدیل کرد و دولت های وقت را در آستانه
استعفا و کناره گیری قرار داد.

این بحران، نه به خاطر مدیریت نامناسب
کلان اقتصادی، بلکه به دلیل از دست
دادن اعتماد عمومی به نظام مالی و بانکی
این کشور به وقوع پیوست و خود را در قالب
خروج سرمایه های عظیم حقیقی و حقوقی
(شرکتی و صنعتی) در مقیاس بزرگ و
فروپاشی سیستم بانکی نشان داد. لذا به
زعم بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران
مالی، بحران ارزی ۱۹۹۷ جنوب شرق آسیا،

محرك اصلي اصلاحات اساسی و بنیادین
در سیاست گذاری پولی این کشور و تغییر
ساختار بانک ها و موسسات مالی و اعتباری
اندونزی به شمار می رود. همچنین وضعیت
آشفته و ملتهب اقتصاد اندونزی، به سبب
سرایت متقابل بحران سایر مناطق درگیر در
آسیا نظیر تایلند و کره جنوبی، رو به وخامت
رفت. از سوی دیگر، تزریق نقدینگی گسترده
به بانک ها در سال ۱۹۹۸ باعث تشدید تورم
و کاهش کنترل نشده ارزش روپیه اندونزی
شد.

در همین زمان بود که ستاد مدیریت بحران
وزارت اقتصاد و دارایی اندونزی، با انتشار
یک بیانیه و اعلام وضعیت فوق العاده
حاکمیتی، دستورالعمل الزام آوری در
راستای برقراری مجدد ثبات پولی، بازسازی
جامع ساختار بانک ها و موسسات مالی و
اعتباری و تصویب قانون جدید عملیات
بانکی را در سال ۱۹۹۹ صادر کرد. رهبری
این اصلاحات که به عنوان برنامه بازسازی
و توسعه مالی صندوق بین المللی پول و با
دریافت کمک های فنی در مقیاس بزرگ
انجام گرفت، به بانک مرکزی اندونزی
سپرده شده بود.

پس از ۲۵ روز بحث و بررسی، طی یک
نشست خبری و مطبوعاتی، در ماه می ۱۹۹۹،
تغییر نظام سیاست گذاری پولی اندونزی
به رژیم هدف گذاری تورمی به طور رسمی به
اطلاع عموم شهروندان این کشور رسید.
از جمله دلایلی که بانک مرکزی اندونزی را
وادار به استفاده از چارچوب سیاست پولی
هدف گذاری تورمی کرد عبارتند از:

- تشدید بحران ارزی سال ۱۹۹۷ و عدم
امکان مدیریت شاخص های کلان اقتصادی
بر مبنای سیاست های فعلی
- مشکلات عدیده در کنترل و مدیریت
پایه پولی



مهم ترین اثر رژیم هدف گذاری تورمی

به گفته مقامات دولتی و بانکی اندونزی، مهم ترین اثر مثبت و مهم به کارگیری رژیم
هدف گذاری تورمی، دستیابی به استقلال حقیقی بانک مرکزی در تصمیم سازی ها و
اجرای برنامه های سیاست پولی بوده است.

تشدید بحران
ارزی سال
۱۹۹۷ و عدم
امکان مدیریت
شاخص‌های
کلان اقتصادی
بر مبنای
سیاست‌های
فعلی، اندونزی
را به سمت
هدف‌گذاری
تورمی سوق داد

بهره‌سیاستی برای مراودات و مبادلات نظام بانکی اندونزی انتخاب شده است. طبق برنامه‌ریزی بانک مرکزی اندونزی، از سال ۲۰۰۸، نرخ محدوده هدف مجاز، در جلسه فصلی با ماهانه شورای حکام در جهت به روزرسانی اهداف کلان سه ماهه آینده و در پاسخ به چشم‌انداز آتی در راستای دستیابی به هدف تورمی، تعیین می‌شود. همچنین، این نرخ محدوده هدف مجاز، به عنوان یک مرجع در عملیات پولی استفاده می‌شود تا اطمینان حاصل شود که میانگین موزون نرخ گواهی بانکی (SBI) شکل گرفته در مزایده عملیات بازار باز، در مسیر هدف‌گذاری تورمی بلندمدت باقی می‌ماند.

پیامدهای مثبت اتخاذ رژیم هدف‌گذاری تورمی در اقتصاد اندونزی

به گفته مقامات دولتی و بانکی اندونزی، مهم‌ترین اثر مثبت و مهم به کارگیری رژیم هدف‌گذاری تورمی، دستیابی به استقلال حقیقی بانک مرکزی در تصمیم‌سازی‌ها و اجرای برنامه‌های سیاست پولی بوده است. در واقع، ایجاد یک شخصیت حقوقی مستقل برای بزرگترین مرجع پولی این کشور، موجب رصد فراگیر و مدیریت کارآمد شاخص‌های کلان اقتصادی به ویژه نرخ تورم و شاخص انتظارات تورمی در یک دوره ۲۵ ساله شده است. مزیت مهم بعدی این بود که رویکرد هدف‌گذاری تورمی، ایستادگی و انعطاف اقتصاد داخلی اندونزی در مواجهه با شوک‌های مالی و ارزی و بحران‌های اقتصادی به ویژه بحران مالی ۲۰۰۸ و بحران پاندمی کرونای ۲۰۱۹ را به شدت افزایش داد.

منابع:

1. Kenward, L. R. (2013), "Inflation targeting in Indonesia, 1999–2012: an ex-post review", Bulletin of Indonesian Economic Studies", 49(3), 305–327. <https://doi.org/10.1080/00074918.2013.850630>
2. Siregar, Reza & Goo, Siwei (2008), "INFLATION TARGETING POLICY: THE EXPERIENCES OF INDONESIA AND THAILAND", CAMA Working Paper Series. 23, CENTRE FOR APPLIED MACROECONOMIC ANALYSIS, The Australian National University.
3. Warjiyo, P. and Juhro, S.M. (2019), "Inflation Targeting Framework: Implementation in Indonesia", Central Bank Policy: Theory and Practice, Emerald Publishing Limited, Leeds, pp. 261-288. <https://doi.org/10.1108/978-1-78973-751-620191013>

- روابط ناپایدار بین پایه پولی، تولید و همچنین سطح قیمت‌ها، به ویژه به دلیل تغییرات ساختاری در دوره نزدیک به شروع بحران
- تجربه موفق سایر کشورهای جهان در اجرای هدف‌گذاری تورمی و تحقق مدیریت نرخ تورم بدون افزایش نوسانات تولید
- نیاز به تقویت اعتبار و استقلال حقیقی بانک مرکزی اندونزی به عنوان مرجع پولی

تبیین چگونگی اجرا و پیاده‌سازی رویکرد هدف‌گذاری تورمی در اندونزی

به دنبال تصویب قانون جدید عملیات پولی بانک مرکزی، در ۱۷ می ۱۹۹۹، رژیم هدف‌گذاری تورمی به طور رسمی به عنوان اهرم سیاست پولی اندونزی انتخاب شد. هدف از پیاده‌سازی این رویکرد که در قالب همکاری مشترک بانک مرکزی اندونزی و صندوق بین‌المللی پول عملیاتی شد، درجه اول بازگرداندن اعتماد عمومی به سازوکار سیاست‌گذاری پولی، مالی و بانکی این کشور بود. سیاست هدف‌گذاری تورمی در نوامبر ۱۹۹۷ آغاز و در دسامبر ۲۰۰۳ به پایان رسید. در سال ۲۰۰۴، اصلاحی برای این برنامه انجام گرفت و از جولای ۲۰۰۵ تا به امروز، یک چارچوب سیاست پولی ترمیم‌شده منعطف، در ادامه هدف‌گذاری‌های تورمی پیشین، به مسیر خود ادامه می‌دهد. در سیاست‌گذاری پولی جدید، نرخ تورم اصلی این کشور با نام "هسته تورم ناخالص داخلی اقتصاد اندونزی"، به عنوان شاخص قیمتی معیار در هدف‌گذاری انتخاب شد.

بدین ترتیب، در سال اول اجرای رسمی هدف‌گذاری تورمی در اندونزی یعنی در سال ۲۰۰۰، محدوده هدف مجاز از ۳ تا ۵ درصد تعیین شد، در سال ۲۰۰۳، محدوده هدف به 1 ± 9 درصد رسید و از سال ۲۰۰۸ تا به امروز، محدوده مجاز نرخ تورم در بستر 1 ± 5 درصدی قرار گرفته است. همچنین در کنار این هدف‌گذاری تورمی بلندمدت، در افق میان‌مدت، یک محدوده هدف مجاز ۳ درصدی تعیین شده تا اقتصاد داخلی اندونزی بتواند با همسایگان آسیایی خود در رقابت باقی بماند. از سوی دیگر، به منظور افزایش اثربخشی سیگنال‌های سیاست پولی و همچنین ارائه اطمینان بیشتر به بازیگران بازار مالی، نرخ محدوده هدف مجاز در هر دوره، به عنوان ابزار نرخ





برگزاری کارگاه‌های آموزشی اندیشکده پول و ارز

انتظارات در اقتصاد ایران

برگزاری دوره آشنایی با ارزیابی صورت‌های مالی بانک‌ها

دومین جلسه از دوره آموزشی "تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی بانک‌ها" در موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز و به همت اندیشکده پول و ارز، در تاریخ ۲۳ تیر برگزار شد. این دوره توسط دکتر عباس دادجوی توکلی (دکترای اقتصاد پولی) تدریس شد و قرار است طی آن به مباحثی همچون چارچوب نظری صورت‌های مالی، ماهیت پول و انواع آن، آشنایی با ترازنامه بانک مرکزی، آشنایی با اقلام طرف دارایی و بدهی، حقوق صاحبان سهام و برخی از نسبت‌های مهم مالی پرداخته شود. در جلسه دوم، ابتدا به خلق و محو پول پرداخته شد و سپس این موضوع مورد تاکید قرار گرفت که هدف بانک‌های تجاری از جذب سپرده، افزایش میزان اعتبار خود در نزد بانک مرکزی است. در بخش بعدی، مفاهیمی نظیر نرخ ذخیره قانونی، نرخ ذخیره احتیاطی و نسبت تسهیلات به سپرده، به صورت مبسوط مورد بحث قرار گرفت. انتهای این جلسه نیز به ادبیات برون‌زایی و درون‌زایی پول اختصاص یافت.

سومین جلسه از کارگاه آموزشی "مفهوم، سنجش و برآورد انتظارات تورمی" در تاریخ ۲۰ تیرماه سال جاری در موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز و به همت اندیشکده پول و ارز برگزار شد. در این جلسه مباحثی توسط دکتر حسین امیری (دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه خوارزمی)، ارائه شد. همچنین این مباحث در چهار بخش ارائه شد که از سرفصل‌های مهم آن می‌توان به انتظارات در حوزه پولی اقتصاد ایران، ضعف نهادی و شکل‌گیری انتظارات در اقتصاد ایران، انتظارات از منظر اقتصاد رفتاری و پیشنهادهای سیاستی اشاره کرد. یکی از مباحث مهمی که در این جلسه مورد بحث قرار گرفت، اعتبار سیاست‌گذاری است و تجربه چهاردهه سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران، ساختارهای اقتصادی توسعه‌نیافته و غیرمستقل، نهادهای ضعیف و بنیان‌های فرهنگی، تاریخی و سیاسی موجود باعث شده که در اقتصاد ایران به جای حلقه‌های انتظاری تعدیل‌شونده، حلقه‌های انتظاری خود تقویت‌شونده شکل بگیرد. این موضوع به خصوص در حوزه پولی، به عنوان پایه اصلی تامین مالی فعالیت اقتصادی، موجب بی‌تاثیری سیاست‌گذاری‌ها از یک‌سو و سردرگمی و کاهش اعتبار سیاست‌گذار اقتصادی از سوی دیگر شده است.